



تصرف شهر فاو

داود رنجیر *

اشاوه؛ گزارش تصرف شهر فاو حاصل تلاش و فعالیت لشکر ۲۵ کربلا به فرماندهی برادر مرتضی قربانی در عملیات والفجر ۸ است که از سوی راوی لشکر پس از ۳ ماه فعالیت در لشکر و مشاهده و تحقیق به رشته تحریر درآمده است. نظر به اهمیت شهر فاو در عملیات والفجر ۸، بخشی از گزارش عملیات لشکر ۲۵ کربلا در شهر انتخاب و برای چاپ آماده شده است.

۳ تا ۱۵ متر محل مناسبی برای استتار و اختفای نیروها بود. هر چند به دلیل وجود نهرها و تأثیر جزر و مد آب در مشروب کردن نخل‌ها، تردد با مشکلاتی همراه بود.

نهرهای منطقه

نهر سعدونی روبه روی جنوب شرقی شهر فاو به طول ۵۳۰۰ متر و عرض ۱۲ متر و عمق ۳/۵ متر در حالت مد و ۷۰ سانتیمتر در جزر.

نهر رفیه به فاصله ۵۰۰ متر در شمال نهر سعدونی به طول ۳۴۰۰ متر و عرض ۴ متر و عمق ۲ متر در حالت مد که در جزر کاملاً از آب خالی می‌شد.

نهر سن پس از نهر رفیه با فاصله کمتر از ۵۰۰ متر به طول ۵ کیلومتر و عرض آن به طور متوسط به ۱۵ متر می‌رسد. عمق آب در حالت مد ۳/۵ متر و در حالت جزر حداقل ۴۰ تا ۵۰ سانتیمتر است.

نهر حمیه بانهر سن از یک نقطه در ساحل سرچشمه می‌گیرد و در فاصله ۴۰۰ تا ۵۰۰ متری رودخانه از یکدیگر جدا شده و در نخلستان امتداد می‌یابد. طول نهر حمیه کمتر از نهر سن و

در روزهای پایانی بهار سال ۱۳۶۳ و پس از فارغ شدن سپاه از عملیات بدر، منطقه عمومی فاو برای عملیات آینده انتخاب شد. از اواسط مرداد همان سال لشکر ۲۵ کربلا در حاشیه رودخانه اروند با تحویل خط پدافندی به طول ۵ کیلومتر در جنوب خسروآباد عملاً در منطقه مستقر گردید و فعالیت‌های مهندسی با هدف آماده کردن زمین برای استقرار و تردد نیروها آغاز شد. همچنین واحد اطلاعات لشکر نیز شناسایی از منطقه را شروع کرد.

با قطعی شدن عملیات در منطقه فاو و تعیین مأموریت قرارگاه‌ها و یگان‌ها، از طرف قرارگاه خاتم الانبیا مأموریت تصرف فاو و تأسیسات نفتی به لشکر ۲۵ واگذار شد. به همین دلیل لشکر در حد فاصل نهرهای بوسدرین تا سعدونی در مجموع ۲ کیلومتر مستقر شد. منطقه جدید برای استقرار لشکر رو به روی شهر و تأسیسات نفتی فاو واقع در حاشیه رودخانه اروند قرار داشت و بعدها تا نهر منطقه گسترش یافت.

وجود نخلستان در حاشیه رودخانه اروند و ارتفاع نخل‌ها بین

* راوی قرارگاه خاتم الانبیا و راوی لشکر ۲۵ کربلا در عملیات فاو

مأموریت لشکر ۲۵ کربلا عبارت بود از: شکستن خط در محدوده مجاور شهر فاو، تصرف و پاکسازی شهر فاو، تصرف و پاکسازی تأسیسات نفتی فاو، و ادامه عملیات تا جاده فاو بصره.

عرض آن به ۱۸ متر می‌رسد. عمق نهر در زمان مد ۳/۵ متر و در زمان جزیره به ۳۰ الی ۴۰ سانتیمتر می‌رسد.

نهر بوفلغل در حدود ۵۰۰ متر شمال نهر قبلی از رودخانه منشعب می‌شود و به طول ۵ کیلومتر در نخلستان امتداد دارد. عرض آن به ۱۸ متر می‌رسد. عمق آب در زمان مد ۳/۵ متر و در زمان جزیره به ۴۰ الی ۵۰ سانتیمتر می‌رسد.

نهر بوسدرین در فاصله ۷/۵ کیلومتری نهر بوفلغل و تا ۴۴۰۰ متر طول دارد. عرض آن ۱۵ متر و عمق آب در زمان مد حداکثر ۳ متر و در زمان جزیرین ۵۰ الی ۶۰ سانتیمتر است.

کلیه نهرها چنانچه از مشخصه آن قابل مشاهده است در زمان مد برای قایقرانی مناسب می‌باشند ولی در زمان جزیرین امکان وجود ندارد.

جاده‌های موجود در منطقه محدود و نامناسب بود و در شرایط مد آب و یا در زمان بارندگی تردد بر روی جاده‌ها بسیار دشوار بود. به همین دلیل لشکر پس از استقرار تلاش‌های گسترده‌ای را برای احداث و ترمیم جاده‌های عقبه انجام داد. ضرورت غافلگیری محدودیت‌های زیادی را برای تردد کمپرسی به وجود می‌آورد ولی با اقداماتی که صورت گرفت به گفته مسئول مهندسی لشکر جمعاً ۳۰ هزار کمپرسی خاک در منطقه تخلیه شد. همچنین ساختن اسکله بخش دیگری از اقدامات لشکر بود.

بدین ترتیب تدریجاً زمینه استقرار کامل و انتقال نیروهای لشکر به محل مورد نظر فراهم شد. به موازات تلاش‌هایی که در این مرحله صورت می‌گرفت آموزش‌های عمومی و تخصصی نیروها شروع شد و ۳۰۰ نفر از نیروهای غواص برای شکستن خط آموزش دیدند.

شناسایی از خط دشمن و مشخص کردن معابر وصولی بخش دیگری از اقدامات و تلاش‌های لشکر بود. شناسایی منطقه خودی و عبور از آب برای شناسایی ساحل دشمن تدریجاً انجام شد. کلیه ضعف‌های خطوط پدافندی دشمن شناسایی شد و معابر وصولی براساس همین ملاحظه مورد توجه قرار گرفت. سرانجام معابری که برای عبور نیروها مشخص شد به شرح زیر بود:

معبر ۱: سمت چپ مناره مسجدی که در ابتدای شهر فاو قرار داشت.

معبر ۲: سمت راست اسکله چوبی در سمت راست مناره مسجد.

معبر ۳: سمت چپ اسکله چهارم دشمن در کنار ساحل.

معبر ۴: حدفاصل اسکله‌های دوم و سوم دشمن.

معبر ۵: سمت راست اسکله اول.

معبر ۶: رویه روی نهر بوسدرین.

نیروهای شناسایی و تخریب به تناسب معابر شش‌گانه سازماندهی شدند. قابل ذکر است که در شناسایی ساحل دشمن موانع زیر مشاهده شد:

رده اول: میله‌های هشت پر خورشیدی

رده دوم: میله‌های هشت پر و سیم خاردار حلقوی

رده سوم: در اکثر جاها هشت پر و سیم خاردار

البته در رده سوم خطوط پدافندی دشمن به بعد نبشی‌های دوطرفه که بین آنها سیم خاردار حلقوی وجود داشت، مشاهده می‌شد.

در ساحل بین ۵ تا ۱۰ متر گل ولای و حداکثر ۲۰۹ تا ۳۰ متر چولان است که در هنگام جزر آشکار می‌شود.

پس از موانع در ساحل، خطوط اصلی پدافندی دشمن و سنگرها قرار داشت که بعضاً ۳ تا ۸ رده استحکامات در برابر آن طراحی شده بود. یک رده سیل بند با سنگرهای بتونی وجود داشت که تیربار و کمین‌های دشمن نیز در میان آنها پیش‌بینی شده بود.

در محدود لشکر ۲۵ کربلای چهار اسکله نزدیک به هم به

به لشکر می پردازیم و سپس با بیان توان و سازمان رزم لشکر به طرح مانور آن خواهیم پرداخت.

مأموریت آفندی

مأموریتی که در ابتدا به لشکر واگذار شد، حفظ جناح راست عملیات (در محور جنوب خسروآباد) بود. البته پس از تغییراتی که در طرح های قرارگاه خاتم صورت گرفت، لشکر ۲۵ کربلا با مأموریتی جدید در اختیار قرارگاه کربلا قرار گرفت.

مأموریت لشکر ۲۵ کربلا عبارت بود از: شکستن خط در محدوده مجاور شهر فاو، تصرف و پاکسازی شهر فاو، تصرف و پاکسازی تأسیسات نفتی فاو، و ادامه عملیات تا جاده فاو بصره.

خط حد از ۵۰۰ تا ۱۰۰۰ متری سمت راست جاده عمودی (تانک فارم ها) آغاز می گشت و تا نهری که در سمت چپ شهر قرار داشت و به وسیله شاخص هایی از داخل اروند و روی زمین، مشخص می شد، ادامه می یافت. لشکر عاشورا در سمت راست این محدوده و لشکر ولی عصر (عج) در سمت چپ نهر اقدام به مانور می کردند.

به همین منظور، جهت ایجاد عقبه و انجام امور شناسایی و سایر اقدامات اولیه لازم برای عملیات، منطقه روبه روی شهر فاو در شرق اروند، در اختیار لشکر قرار داده شد تا کار آمادگی، عملاً آغاز شود. این منطقه از نهر سعدونی در سمت چپ آغاز می شد و تا نهر بو صدرین در سمت راست ادامه می یافت که پس از مدتی، به لحاظ لزوم گسترش عقبه لشکر، از سمت راست تا نهری موسوم به منطقه، گسترش داده شد.

جزئیات مأموریت لشکر در عمق، به مباحث مطروح شده در قرارگاه خاتم بستگی داشت که در مقاطع مختلف تغییر می کرد. به عنوان مثال طراحی مرحله دوم عملیات و مراحل بعدی به اضافه مسئله پدافند، تنها چند روز قبل از شروع عملیات مورد بحث و تبادل نظر قرار گرفت و پس از بررسی های لازم، نتایج آن به یگان ها ابلاغ گردید.

در ابتدا حرکت در جاده فاو ام القصر (جاده سوم) تا پایگاه

پس از موانع در ساحل، خطوط اصلی پدافندی دشمن و سنگرها قرار داشت که بعضاً ۳ تا ۸ رده استحکامات در برابر آن طراحی شده بود.

شکل T وجود داشت که دشمن از روی این اسکله ها بر کل ساحل و تحرکات تسلط داشت.

زمین منطقه برخلاف بخش های دیگر ساحل فاقد نخل بود. بلافاصله پس از ساحل شهر فاو و تأسیسات نفتی قرار داشت. ساختمان های ابتدای شهر کاملاً به خط اول منطقه اشراف داشت و در برخی نقاط فاصله ای از خط نداشتند. شهر فاو ۳/۵ کیلومتر مربع وسعت داشت و ساختمان ها با نظم خاصی احداث شده بود.

تأسیسات نفتی و مخازن نفت در دو مجموعه شامل ۲۶ مخزن در امتداد جاده البحار و ۳۰ مخزن در شرق جاده فاو بصره قرار داشت.

وجود تأسیسات نفتی و شهر فاو دشمن را نسبت به این منطقه حساس کرده بود و لذا از استحکامات دفاعی بیشتری استفاده شده بود.

نیروهای دشمن در این منطقه شامل تیپ ۱۱۱ از لشکر ۲۶ بود که با یک گردان تقویت شده بود.

طراحی مانور

از اقدامات مهم لشکر، که فرماندهی نقش تعیین کننده ای در آن ایفا می کند، طراحی مانور لشکر بر اساس اهداف، مأموریت و اگذار شده، و توان لشکر است. مأموریت شامل دو مرحله آفندی و پدافندی است که مرحله پدافند وابستگی کامل به نتایج حاصل از مرحله آفندی دارد و تقریباً در جریان عملیات، محدوده آن و چگونگی آن به طور جزئی، مشخص می گردد. لذا ابتدا به شرح مأموریت ها و اهداف واگذار شده

اول موشکی به لشکر کربلا و اگذار گردید و این لشکر تا مدتی به طراحی جزئیات این حرکت پرداخت. طبق این طرح لشکر ۱۷ علی بن ابی طالب با عبور از لشکر ۲۵ می بایست به پاکسازی پایگاه موشکی و موضع مستطیلی بپردازد. در این طرح مقرر گردیده بود که لشکر ۲۷ حضرت رسول (ص) نیز با عبور از لشکر ۲۵ در ابتدای جاده ام القصر به پیشروی ادامه دهد و جهت سهولت در اجرای این عبور، یک گردان از لشکر ۲۷ در اختیار لشکر ۲۵ قرار می گرفت تا با هدایت این لشکر جای پای مناسبی را در جاده ام القصر تحویل گرفته، با استفاده از آن حرکت خود را به طرف کارخانه نمک ادامه دهد.

این مأموریت تا ۱۳ بهمن ماه به قوت خود باقی بود تا اینکه در این روز موضوع فوق مجدداً در قرارگاه خاتم مورد بحث و ارزیابی قرار گرفت. در این جلسه برادر مرتضی قربانی پیشنهاد کرد که:

« مواضع مستطیلی به همراه شهر و تأسیسات، همگی یک هدف است و باید به یک یگان داده شود، لذا لشکرهای ۲۷ و ۱۷، روی جاده سوم (ام القصر) مأموریت یابند و لشکر ۲۵ مأموریت لشکر ۱۷ را انجام دهد. یعنی لشکر کربلا علاوه بر گذاشتن یک تیپ در محور شهر، و یک تیپ هم در محور تأسیسات و تانک فارم ها، ۳ گردان دیگر خود در وهله اول، احتیاط آنان و در وهله دوم عبور دهد تا سه راهی فاو و از آنجا روی سیل بند مستطیلی عمل کند.»^۲

وی همچنین ابراز داشت:

« برای ما عملی نیست که در شب اول بیایم و ۹۰ درجه بچرخیم و برویم روی جاده سوم.»^۳

با پذیرش این نکته از سوی قرارگاه خاتم و برادر محسن رضایی، که اهداف مذکور به یکدیگر وابستگی کامل داشته و در حکم یک هدف می باشند، مأموریت جدید یگان به همان نحو درخواستی ابلاغ گردید. این تغییر که درست چند روز قبل از عملیات صورت پذیرفت موجب تغییر مانور لشکر ۱۷ گردید و مقرر شد که این لشکر با عبور از لشکر ۲۵ وارد منطقه

شده و در محور جاده ام القصر به انجام عملیات بپردازد و لشکر ۲۷ حضرت رسول (ص) نیز پاکسازی منطقه را به دنبال آن لشکر انجام دهد.

مأموریت پدافندی

طرح پدافندی که از طرف قرارگاه خاتم تصویب و ابلاغ گردید، به نام طرح پدافندی عاشورایی مشهور گردید. در این طرح که تأثیر چندانی در جزئیات مانور لشکر نداشت، سه محور پدافندی کلی در منطقه عملیاتی مشخص گردید و برای هر کدام، فرمانده و معاونینی از میان مسئولان لشکرها انتخاب و مشخص گردیده بود و لذا در محور جاده دوم (فاو بصره) مسئولیت پدافندی به برادر مرتضی قربانی داده شد و

برادران حسین خرازی و احمد کاظمی نیز به عنوان معاونین ایشان معرفی شدند. اضافه بر آن، قرارگاه در نظر داشت تا پنج رده خط پدافندی جهت احتیاط تشکیل دهد و در هر رده، یگان هایی مشخص شده، مسئولیت احداث استحکامات و تدابیر پدافندی را به عهده گرفتند. ابتدا در این طرح، لشکر کربلا موظف شده بود حد فاصل جاده دوم را تا پایگاه موشکی (در جاده ام القصر) به طرف خور عبدالله مستحکم نماید ولی پس از بحث های فراوان، مقرر گردید که این لشکر

بر اساس اهداف و مأموریت های تعیین

شده برای لشکر کربلا و با توجه به

شناسایی های انجام شده و معابر موجود

و عوارض و مشخصات زمین دشمن،

طراحی مانور لشکر آغاز گردید.

فرماندهی لشکر در این زمینه نقش اصلی

را دارا است و عملاً طرح ها در زمان توجیه

فرماندهان گردان ها نسبت به عملیات، به

آنها ابلاغ می گردد و تنها معاونت لشکر و

فرماندهان محورها مورد مشورت قرار

می گیرند.

طرح مانور

بر اساس اهداف و
مأموریت های تعیین
شده برای لشکر کربلا و
با توجه به
شناسایی های انجام
شده و معابر موجود و
عوارض و مشخصات
زمین دشمن، طراحی

مشخصات تیپ	نام فرمته	گردان های تحت امر	نام فرماده گردان	توضیحات
محور یک	کسائیان	۱ - مالک اشتر ۲ - مسله بن عقیل ۳ - امام حسین (ع)	نوبخت اکبر نژاد رحیمیان	
محور دو	عمرانی	۱ - یار رسول (ص) ۲ - محمد باقر (ع) ۳ - حمزه سیدالشهدا	بصر بلیسی مکتبی	این گردان دارای ۴ دسته نیروی غواص است این گردان دارای ۴ دسته نیروی غواص است
محور سه	حیدرپور	۱ - سیف الله ۲ - روح الله ۳ - یدالله	کریمی فتحی پرویزی	نیروهای این محور از برادران یاسوج هستند و فرماندهی محور از کیفیت و تجربه بالای برخوردار است.
محور چهار (زرهی - مکتبزه)	سر خیل	۱ - یک زرهی ۲ - دو زرهی ۳ - سه زرهی ۴ - چهار مکتبزه	میرزایی قشروی مقدس	این محور قبلاً به طور مستقل تحت نام تیپ ۲۸ هفر در سازمان رزم سپاه قرار داشت که پس از عملیات بدر و به دنبال طرح ادغام پیاده با زرهی در لشکر ۲۵ کربلا ادغام گردید.

در یک کیلومتری
سمت راست جاده
عمودی (سمت راست
تانک فارم ها) تا جاده
ام القصر، یعنی در
جناح راست منطقه
عملیاتی خود، اقدام به
انجام تدابیر پدافندی
نماید. حفر کانال،

احداث خاکریز و سایر موانع از این جمله می باشد.

در این زمینه قابل توضیح است که مأموریت لشکر ۲۵ با
لشکر ۱۷ تعویض گردید.

سازمان رزم

قبل از شرح جزئیات مانور لشکر، قابل توضیح است که
لشکر ۲۵ کربلا، در این عملیات دارای یک سازمان رزم
متناسب از لحاظ کمی و کیفی است. گردان های رزمی این
یگان در قالب ۳ محور پیاده و یک محور زرهی سازمان
یافته اند که هر محور (تیپ) دارای ۳ گردان می باشد.

نیروهای غواص خط شکن در قالب ۲ گردان پیاده
سازماندهی شده اند که در هر گردان بالغ بر چهار دسته (یک
گروهان به اضافه) است. این نیروها ضمن سازمان گرفتن در
قالب گردان های خود، از توجه مستقیم فرماندهی لشکر و
سایر عناصر کادر یگان برخوردار بودند.

با توجه به وجود

عوارض متعدد در زمین دشمن

و وضعیت کلی آن،

منطقه به چند هدف مستقل

تقسیم گردید و

مأموریت هر یک از آنها به یکی از

محورها سپرده شد.

مانور لشکر آغاز گردید. فرماندهی لشکر در این زمینه نقش
اصلی را دارا است و عملاً طرح ها در زمان توجیه فرماندهان
گردان ها نسبت به عملیات، به آنها ابلاغ می گردد و تنها
معاونت لشکر و فرماندهان محورها مورد مشورت قرار
می گیرند.

در مجموع با توجه به وجود عوارض متعدد در زمین دشمن
و وضعیت کلی آن، منطقه به چند هدف مستقل تقسیم گردید
و مأموریت هر یک از آنها به یکی از محورها سپرده شد.

هدف اول: شهر فاو و امتداد آن تا جاده فاو بصره به اضافه
خط شکنی در محدوده مربوطه. این مأموریت به محور ۱
واگذار گردید.

هدف دوم: تأسیسات نفتی و تانک فارم ها (سمت راست
شهر) و امتداد آن تا جاده فاو بصره، با اضافه خط شکنی در
محدوده مربوطه. مأموریت این هدف به محور ۲ داده شد.

فاصله بین دو اسکله چهار و سه، به عنوان خط حد برای دو
محور در ساحل رودخانه اروند مشخص گردید و وجود
جاده های فاو البحار و فاو بصره، می توانست به عنوان
شاخص هایی عمده در تفکیک مأموریت گردان ها به کار
گرفته شود. همچنین مقرر گردید که در هر یک از این دو
محور، یک گردان خط بشکنند و دو گردان دیگر به پاکسازی و
نفوذ و استقرار در منطقه بپردازند.

به لحاظ مشخص نبودن مأموریت های آتی لشکر از سوی
قرارگاه، نداشتن اطلاعات کافی از عمق زمین دشمن و وجود

نقطه‌رهای نیروهای غواص، برای هر

معبّر تفاوت می‌کرد و

لازم بود که با توجه به جهت

جریان آب و فاصله مناسب

انتخاب گردد.

احتمالات گوناگون در عدم دستیابی به موفقیت ۱۰۰٪ در اهداف، اولین مانور محور سوم به طور دقیق مشخص نگردید و لذا برخورد فعالی نسبت به آن صورت نگرفت، عمدتاً این محور در احتیاط کلی لشکر قرار داشت و مانور آن بنا به وضعیت عملیات تصور می‌شد.

شکستن خط

شاخص‌ترین مسئله در طراحی مانور که نقطه مشترک هر دو محور می‌باشد. مسئله خط‌شکنی است. این مسئله از مباحث اصلی و مهمی است که نه تنها فرماندهی لشکر با دقت، جزئیات مربوط به آن را پیگیری می‌کند، بلکه مورد توجه خاص همه عناصر عملیاتی است که به نحوی از انجام عملیات و کیفیت آن اطلاع یافته و با آن در ارتباطند. فرمانده گردان‌ها و مسئولان قرارگاه نیز به طور فعال در این زمینه شرکت دارند. در نهایت به دلیل برتری کیفی و کمی غواصان در گردان‌های یار رسول و امام محمد باقر (ع) متعلق به محور ۲، این دو گردان جهت شکستن خط توسط فرماندهی انتخاب شدند و از آنجا که محور یک ملزم به خط‌شکنی در محدوده مأموریت خود بود، گردان امام محمد باقر (ع) تحت امر محور یک قرار گرفت و گردان مسلم از آن محور به محور ۲ منتقل شد. بدین صورت دو گردان خط‌شکن در هر دو محور معین گردید. اما از آنجا که در هر یک از معابر موجود احتمال دیده شدن غواصان در آب، عدم موفقیت در عبور، لو رفتن تک، و... وجود دارد، لذا نیروهای خط‌شکن به دو گروه (یا به عبارتی دو موج) تقسیم شدند، موج اول از نیروهای غواص و موج دوم متشکل از نیروهای قایق سوار بود.

نحوه عبور نیز طبیعتاً بر مبنای نتایج کار برادران اطلاعات و

تعداد معابری که مشخص شده بود، طرح ریزی گردید.

بر این اساس و با توجه به محدوده مأموریت محورها، معابر ۴ تا ۸ به گردان امام محمد باقر (ع) (محور ۱) و معابر ۵ تا ۸ نیز به گردان یار رسول (محور ۲) واگذار شد و فرماندهان این گردان‌ها در حدود یک ماه قبل از عملیات نسبت به این مأموریت توجیه شده و آموزش، سازماندهی و سایر آمادگی‌های لازم را بر اساس معابر محوله به گردان خود و مانور ابلاغی به گردان، تنظیم کردند.

هر یک از گردان‌ها، یک گروهان از نیروهای آموزش دیده غواص را جهت به کارگیری در موج اول و دو گروهان را جهت کمک در شکستن خط و پاکسازی آن در موج دوم در نظر گرفتند.

نقطه‌رهای نیروهای غواص، برای هر معبر تفاوت می‌کرد و لازم بود که با توجه به جهت جریان آب و فاصله مناسب انتخاب گردد.

همچنین محل سوار شدن نیروهای موج دوم در قایق می‌بایست دور از دید دشمن و نزدیک به معبر مورد نظر باشد. به همین جهت نهرهای موجود در منطقه بین نیروهای موج دوم تقسیم گردید و نهرهای ریفه و بوفلفل به گردان امام محمد باقر (ع) و نهر خجسته به گردان یار رسول (ص) اختصاص داده شد.

نقطه‌رهای غواصان نیز به تفکیک هر معبر به شرح ذیل مشخص گردید:

جزئیات مانور و سازمان غواصان:

همان‌طور که ذکر شد، بر مبنای شرایط معابر و وضعیت و حساسیت دشمن در خط، با همفکری برادران اطلاعات، در هر معبر استعدادی مشخص و سازمانی نسبتاً مشابه سایر معابر، در نظر گرفته شد که به ترتیب ذکر می‌کنیم:

الف) گردان امام محمد باقر (ع)

معبّر اول: ۲۵ نفر

معبّر دوم: ۲۶ نفر

معبّر سوم: ۲۵ تا ۲۶ نفر

معبر چهارم: ۱۹ نفر

(به دلیل قرار داشتن بین دو اسکله)

ب) گردان یارسول:

معبر پنجم: ۱۵ نفر

(به دلیل قرار داشتن بین دو اسکله ۳ و ۲)

معبر ششم: ۲۴ نفر

معبر هفتم: ۲۰ نفر

معبر هشتم: ۲۸ نفر

سازماندهی دسته‌های غواص که به طور مشابه صورت گرفت عبارت بود از:

حداقل سه نفر از برادران اطلاعات در هر دسته، که دو نفر در جلوی ستون و یک نفر در وسط آن حرکت خواهد کرد.

چهار تخریب چی که دو نفر در جلوی ستون، برای باز کردن موانع جهت عبور غواصان حضور دارند و دو نفر دیگر در انتهای ستون جهت تعریض معبر برای ورود نیروهای موج دوم (قایق سوار).

مابقی غواصان با سلاح‌های مختلف شامل تک تیرانداز، آرپی چی زن، کمک آرپی چی زن، تیربارچی، کمک تیربارچی (و بعضاً نارنجک تفنگی انداز) می‌شوند.

هر دسته با مشاوره مسئول اطلاعات همان معبر، و با هدایت و همفکری فرمانده گردان، مانوری جهت شکستن خط تهیه نموده و استعداد خود را بر مبنای همان مانور آرایش داد. فرمانده دسته معبر اول گردان امام محمد باقر (ع)، آرایش و مانور دسته خود را که با سایر دسته‌های این گردان مشابه است، چنین تشریح می‌کند:

« ما، از مجموع استعداد ۲۵ نفره، دو تیم تأمین در چپ و راست معبر تشکیل می‌دهیم که شامل آرپی چی زن و کمک و یک تک تیرانداز در هر سمت می‌باشد. پس از آن تیم الف و ب حرکت می‌کنند. تیم الف تشکیل شده از یک نفر اطلاعات معبر، یک نفر آرپی چی زن به همراه کمک، تیربارچی به همراه

کمک و در انتها دو نفر

تک تیرانداز. تیم ب نیز

با سازمانی مشابه، به

اضافه دو نفر

تخریب چی در انتهای

ستون، پشت سر تیم

نقطه رهایی	گردان	محور	شماره معبر
جزیره سلیمان خاطر، حد فاصل نهر سعدونی و رفیه	امام محمد باقر(ع)	یک	یک
جزیره شهید قللی‌زاده، حد فاصل نهر رفیه و حمیه	امام محمد باقر(ع)	یک	دو
جزیره لوطالب، حد فاصل نهر بوفلفل و بوسدرین	امام محمد باقر(ع)	یک	سه
جزیره لوطالب، حد فاصل نهر بوفلفل و بوسدرین	امام محمد باقر(ع)	یک	چهار
جزیره لوطالب، حد فاصل نهر بوفلفل و بوسدرین	یارسول(ص)	دو	پنج
جزیره لوطالب، حد فاصل نهر بوفلفل و بوسدرین	یارسول(ص)	دو	شش
جزیره شهید امیر، حد فاصل نهر بوسدرین و خجسته	یارسول(ص)	دو	هفت
حد فاصل نهر خجسته و نهر منطقه	یارسول(ص)	دو	هشت

الف حرکت خواهد کرد. ابتدا تخریب چی با سیم چین خود

سیم رامی برد و اگر مین وجود داشت آن را خنثی خواهد کرد.

سپس به جلو می‌رود و پشت سرش سایر نیروهای غواص

حرکت خواهند کرد. در این حالت تیم‌های تأمین در چپ و

راست معبر آماده‌اند و تا پایان عبور همه غواصان باقی

خواهند ماند تا اگر دشمن اقدام به تیراندازی کرد، جواب‌گو

باشند و معبر را حفظ نمایند.

غواصان پس از عبور از معبر در زیر خط دشمن آرایش

می‌گیرند، دو نفر تخریب چی در کنار معبر باقی می‌مانند که با

شروع عملیات، به سرعت موانع خورشیدی را منفجر و معبر

را عریض تر می‌کنند. آخرین نفر نیز از اطلاعات است که با

چراغ قوه مخصوص، جهت هدایت قایق‌ها مشخص شده

است.»^۱

نمونه‌هایی از آرایش و مانور و غواصان گردان یارسول نیز

قابل ذکر است. فرمانده دسته اول (معبر پنجم) آرایش و مانور

دسته خود را چنین شرح می‌دهد:

« استعداد نیروی ما ۱۵ نفر در قالب دو تیم است. تیم اول

۸ نفر شامل مسئول اطلاعات معبر، فرمانده دسته، ۲ نفر

تخریب چی و ۲ نفر آرپی چی زن به همراه کمک. تیم دوم ۷ نفر

شامل اطلاعات، جانشین دسته، ۲ آرپی چی زن با کمک و یک

نارنجک انداز.

ابتدا تیم اول حرکت می‌کند و با شاخص قرار دادن یک

درخت و یک منبع آب خود را به معبر می‌رساند. تیم اول زیر

سیم خاردار متوقف خواهد شد، اطلاعات و خودم (مسئول

دسته) در طرفین معبر می‌ایستیم و ۲ نفر تخریب چی جهت

ایجاد راه داخل موانع می‌شوند. در این هنگام هر یک از

آرپی چی زن های تیم اول با کمک خود به طرف راست و چپ رفته تا ۳۰ متر از ما فاصله می گیرند و جناحین را رو به اسکله ها تأمین می کنند.

پس از باز شدن راه، ابتدا تیم دوم وارد می شود، این تیم موظف است خودش را به زیر سنگرهای دشمن برساند. اگر دشمن متوجه حضورشان نشد تا رسیدن مابقی نیروها صبر می کنند و اگر درگیر شدند، داخل خواهند شد و بلافاصله دو آرپی چی زن خود را به طرفین می فرستند و بقیه نیز پس از وارد شدن، به چپ و راست رفته و پاکسازی می کنند و...»^۵

فرمانده معبر ششم از همین گردان، علاوه بر بیان سازمان و آرایشی مشابه معبر پنج، اضافه می کند:

«ما پس از عبور از معبر به سه تیم تقسیم می شویم. تیم اول که خودم به عهده دارم به طرف جلو می رویم برای سنگرهای روبه رو و تأمین معبر و تیم های دوم و سوم به طرفین گسترش و پاکسازی می کنند تا نیروهای موج دوم برسند.»^۶

فرمانده معبر هفتم می گوید:

«بعد از معبر، دسته را به پنج تیم تقسیم کردیم و یک تیم مستقیم به سنگرها می زند و تأمین معبر را برقرار می نماید. و به هر جناح (راست و چپ) دو تیم جهت پاکسازی و الحاق با معبر طرفین حرکت و گسترش پیدا خواهد کرد.»^۷

کلیه غواصان حرکت خود را در حالی که آب راکد است (مد یا جزر راکد) به سمت معبر آغاز می کنند و با حفظ



غافلگیری، خود را به ساحل دشمن رسانده، آرایش می گیرند. در آنجا می بایست قبل از شروع درگیری سیم خاردارها چیده شود و معبر جهت عبور غواصان توسط تخریب چی های ابتدای ستون باز شود. غواصان پس از باز شدن معبر وارد آن شده، خود را تا حد امکان به دشمن نزدیک کرده و در صورت توان از خط عبور کرده و خود را به پشت سنگرها برسانند تا پس از آغاز درگیری، سنگرهای دشمن را از پشت مورد حمله قرار دهند.

در بحث احتمالات، بیش از همه چیز انحراف غواصان بر اثر جریان آب یا تاریکی دیده شدن توسط دشمن مطرح بود. به همین خاطر به کلیه غواصان اعلام شد که در صورت انحراف، بایست از هر نقطه ای که رسیده اند کار خود را شروع کرده و مأموریت خود را از همان نقطه انجام دهند. همچنین پس از رهایی به هیچ وجه اجازه بازگشت به مبدأ را ندارند و در صورت دیده شدن توسط دشمن، باید به کمک تدابیری که از طرف لشکر جهت حمایت از آنان به عمل می آید حرکت خود را ادامه دهند و خود را به دشمن برسانند.

پاکسازی خط اول دشمن

پس از شکسته شدن خط یا آغاز درگیری، مسئله پاکسازی و ادامه درگیری مطرح بود که در این زمینه، گروهان های باقیمانده از دو گردان خط شکن مورد استفاده قرار می گیرد. برای این منظور مقرر گردید که نیروهای این گروهان ها با سوار شدن بر قایق هایشان، آماده شروع درگیری باشند و به محض اعلام درگیری، حرکت خود را به سمت دشمن طبق مانور خود آغاز کنند.

در محور ۱، گردان امام محمد باقر (ع) دو گروهان نیروی باقیمانده خود را از دو نهر بوفلغل و رفیه رها خواهد کرد و طبق طرح برای استفاده از کمترین فاصله جهت رسیدن به دشمن، در هر نهر یک گروهان سوار قایق شده و در تاریکی و سکوت، خود را به ابتدای نهر (ساحل اروند) می رسانند و به محض شروع درگیری موتور قایق ها را روشن نموده، خود را به ساحل دشمن خواهند رساند و با هدایت غواصان

«ما ۳ گروهان خود را تبدیل به ۲ گروهان یا ۲ گروه کردیم. گروه غواص و گروه موج ۲. سپس گروهان موج دوم را به چهار دسته کردیم و برای هر معبر یک دسته اختصاص دادیم.»^۹

مانور گروهان قایق سوار از زبان فرمانده این گروهان چنین تشریح شد:

«ما، در جزیره امیر مستقر هستیم و گروهان مادارای چهار دسته است. قایق های مادر دو نهر خجسته و بوسدرین آماده می شوند و ما نیز قرار است با استفاده از این دو نهر وارد عمل شویم. آبراه سمت راست (خجسته) درست در مقابل معبر هفتم و هشتم است، لذا دو دسته از این نهر حرکت می کنند و از معابر مذکور وارد می شوند. دو دسته دیگر هم، از نهر بوسدرین به معابر پنج و شش رفته، با استفاده از آن وارد عمل خواهند شد.»^{۱۰}

با این حال، هر گروهان موظف شده بود که به محض شکسته شدن خط، حرکت خود را آغاز و از بهترین و اولین معبری که باز می شود خود را بر خط دشمن سوار کند و با گسترش به طرفین و پاکسازی سنگرها، به الحاق با جناحین پردازد.

در مجموع، لشکر کربلا در نظر داشت که با دو گردان عمل خط شکنی و پاکسازی آن را انجام دهد و ضمن آن با لشکرهای مجاور خود، ولی عصر (عج) و عاشورا نیز الحاق در خط صورت دهد. در این زمینه نزدیک به ۲۰۰ غواص جهت شکستن خط و حدود ۳۰۰ نفر رزمنده قایق سوار جهت پاکسازی آن و الحاق با یگان های مجاور پیش بینی گردیده بود.

حرکت در عمق، پاکسازی شهر فاو و تانک فارم ها

قدم بعد که بلافاصله پس از پاکسازی خط صورت می گیرد، پاکسازی و تصرف شهر فاو در محور یکم و پاکسازی و تصرف تأسیسات نفتی و تانک فارم ها در محور دوم بود. در هر محور برای این منظور یک گردان در نظر گرفته شد و با در اختیار گذاردن قایق مقرر گردید که به دنبال قایق سواران

انتخاب گردان مالک نیز برای این مأموریت، به دلیل وجود عناصر و کادرهای با تجربه در جنگ شهری صورت گرفت و با ملحق شدن نیروهایی که تخصص در جنگ شهری داشتند، تقویت گردید.

خط شکن وارد معابر مربوط به خود می شوند و پاکسازی را انجام می دهند.

مانور هر یک از گروهان های این گردان به شکل زیر طراحی شد:

گروهان اول با استعداد ۷۰ نفر از نهر رفیه حرکت خواهد کرد و از یک معبر وارد خط دشمن می شود. فرمانده گردان امام محمد باقر (ع) ابتدا در نظر داشت تا این گروهان را از دو معبر وارد کند که این طرح با مخالفت برادر قربانی مواجه شد و نهایتاً نیروها با طرح ورود تمرکزی از یک معبر توجیه شدند. گروهان دوم همین گردان نیز با استعداد ۷۰ نفر از نهر بوفلفل وارد عمل می شود. این گروهان نیز طبق نظر برادر مرتضی قربانی به طور تمرکزی از بهترین معبر وارد منطقه شده، پاکسازی را انجام می دهد. الحاق در خط با گردان مجاور (یا رسول) از محور ۲ نیز به عهده این گروهان گذاشته شد.

همچنین به دلیل آنکه این گردان در محدوده شهر فاو در ساحل آن اقدام به خط شکنی می کند و در این محدوده، ساختمان ها و خیابان ها در مجاورت ساحل و در نزدیکی خط قرار دارند، فرماندهی لشکر از این گردان خواست تا منازل ابتدای شهر را نیز پاکسازی نمایند.^{۱۱}

در محور ۲، گردان یار رسول، کلیه نیروهای قایق سوار را در یک گروهان سازمان داده بود. به عبارتی، کل نیروهای غواص در یک گروهان و کل نیروهای غیر غواص نیز در یک گروهان شکل گرفتند. فرمانده این گردان می گوید:

گردان های خط شکن، حرکت نمایند و از معابر باز شده وارد عمل شوند و بدون درگیری، خط دشمن را پشت سر گذاشته خود را به اهداف مورد نظر برسانند و آن را تأمین نمایند. بدین صورت گردان مالک از محور ۱ مأموریت شهر فاو و گردان مسلم از محور ۲ مأموریت تأسیسات نفتی و تانک فارم ها را به عهده گرفتند.

انتخاب گردان مالک نیز برای این مأموریت، به دلیل وجود عناصر و کادرهای با تجربه در جنگ شهری صورت گرفت و با ملحق شدن نیروهایی که تخصص در جنگ شهری داشتند، تقویت گردید.^{۱۲}

پاکسازی شهر فاو نه تنها در سطح لشکر، بلکه در سطح قرارگاه کربلا و قرارگاه مرکزی خاتم نیز حائز اهمیت بود و همواره مورد توجه و نظر قرار داشت. لذا این موضوع پس از امر خط شکنی، از مهم ترین مسائل و موضوعات به شمار می آمد و مورد پیگیری فرماندهی و سایر عناصر لشکر بود. برادر محسن رضایی شخصاً در مورد چگونگی تصرف شهر نظر داشتند که:

« باید شهر را دور بزیند و حتی شب دوم به مرور شهر را پاکسازی کنید.»^{۱۳}

گرچه برادر مرتضی قربانی نیز چنین نظری داشتند، لیکن نسبت به باقی ماندن دشمن در شهر هم مقداری خوف و تردید وجود داشت، در مجموع، با نظرات متفاوتی که ابراز شد، مانور گردان مالک به شکلی طرح ریزی گردید که برادر نوبخت فرمانده این گردان آن را چنین تشریح می کند:

« طرح ما محاصره شهر و سپس پاکسازی بود لذا مانور را چنین چیدیم: به دنبال موج دوم گردان امام محمد باقر (ع)، یک گروهان (جندالله) در جناح چپ از نهر رفیه و با استفاده از معبر دوم وارد منطقه خواهد شد و در سمت چپ شهر شروع به پاکسازی می کند، به نحوی که دسته ویژه آن، به طرف آخرین حد چپ گردان یعنی نهر ۱۱ می رود و بارساندن خود به پل های نهر، با لشکر ولی عصر (عج) الحاق می کند. گروهان ثارالله در جناح راست از نهر بوفلفل وارد منطقه

می شود و پاکسازی جاده حد فاصل شهر و تانک فارم ها را بدون توقف انجام می دهد تا بتواند سریعاً به جاده فاو-البحار رسیده، از پشت (بالا)، داخل شهر شود. پشت سر این گروهان، گروه ویژه مربوط به گردان ما وارد عمل می شود. این گروه مأموریت دارند سمت راست جاده را پاکسازی و با گردان مسلم در جناح راست (داخل تانک فارم ها) الحاق نمایند. گروهان سوم (روح الله) نیز حرکت خود را پشت سر گروهان دوم انجام می دهد تا در محور جاده فاو-البحار در قسمت های بالای این جاده به پاکسازی بپردازد. در مجموع، در نظر داریم که شهر را بدین طریق دور بزینم و بایک گروهان از پایین (جندالله) و دو گروهان از بالا (ثارالله و روح الله) وارد شهر بشویم و آن را پاکسازی کنیم.»^{۱۴}

البته گردان فوق بنا به وضعیت مشخص شهر و وجود عوارض متعدد همچون خیابان ها و کوچه در آن، موفق شده بود که تارده دسته های خود نیز، مانور پاکسازی تهیه نماید، که بنا به اهمیت امر، فرماندهی لشکر دستور داد که تا حد دسته های این گردان به بی سیم مجهز شوند.

با وجود این، برادر مرتضی همچنان در توانایی این گردان جهت پاکسازی شهر، پس از محاصره تردید داشت و همواره از ماندن دشمن و مقاومت احتمالی با توجه به تجاربی که شخصاً در جریان خرمشهر داشت می ترسید، مضافاً اینکه اطلاعاتی نیز مبنی بر خراب کردن قسمت هایی از شهر توسط دشمن، به ایشان رسیده بود. این امر می توانست حکایت از آن داشته باشد که دشمن برای مقاومت در شهر برنامه و طرح دارد، و خود را مهبیای جنگ شهری نموده است.

مجموع عوامل بالا منجر گردید که درست یک روز قبل از عملیات فرماندهی از این گردان بخواهد که عمده قوای خود را از پیشانی گذاشته و از جلو وارد شهر شوند و پاکسازی نمایند. ضمن آنکه به لحاظ تغییرات جزئی که در مانور محور ۲ صورت گرفته بود و طبق آن می بایستی محور ۲ بیشتر از قبل به سمت راست کشیده شود، لذا از این گردان نیز خواسته شد که در جناح راست منطقه بیشتری را با همکاری

شاخص ترین مسئله در طراحی مانور که نقطه مشترک هر دو محور می باشد. مسئله خط شکنی است. این مسئله از مباحث اصلی و مهمی است که نه تنها فرماندهی لشکر با دقت، جزئیات مربوط به آن را پیگیری می کند، بلکه مورد توجه خاص همه عناصر عملیاتی است که به نحوی از انجام عملیات و کیفیت آن اطلاع یافته و با آن در ارتباطند.

جهت رهایی این گردان از ساحل خودی و پهلو گرفتن قایق هایش دو نهر رفیه و بوفلفل مشخص گردید. که یک گروهان کامل به همراه دسته ویژه گردان از نهر رفیه و دو گروهان باقیمانده از نهر بوفلفل حرکت خواهند کرد و عبور از بهترین معبری که باز خواهد شد، جزء دستور کار برادران قرار گرفت.

گردان مسلم از محور ۲، در کنار این حرکت به پاکسازی شهرکی می پردازد که در سمت راست تانک فارم ها قرار دارد و در عمق تا روی جاده فاو البحار و پاکسازی آن به پیش می رود. تأمین سه راهی (تقاطع جاده عمودی تانک فارم تا جاده فاو بصره) نیز بر عهده این گردان گذاشته شده است. لازم به تذکر است که بخشی از تانک فارم های سمت راست فاو نیز جزء مأموریت این گردان است. در مجموع الحاق با لشکر عاشورادر سمت راست و با گردان مالک در سمت چپ از جمله مأموریت های این گردان می باشد.^{۱۷}

خط حد ابتدایی گردان از بین اسکله ۲ و ۳ در سمت چپ آغاز می شد و تا سمت راست اسکله ۱ (منطقه لشکر عاشورا) ادامه می یافت. این خط حد از ساحل تا عمق امتداد پیدا می کرد و گردان مذکور مانور خود را بر همین اساس طراحی نمود:

«ابتدا گروهان میثم ما از جناح چپ (نهر بوسدرین) وارد

گردان مجاور خود پاکسازی کند و بیشتر از طرح وارد تانک فارم شود. بدین صورت گردان مسلم نیز به خاطر مأموریت مهمی که در جناح راست لشکر به عهده داشت قادر می شد که در محور خود به طور فعال تری وارد عمل شود. فرمانده لشکر در جلسه ای با اشاره به خرابی های موجود در شهر، خطاب به فرمانده گردان مالک می گوید:

«شما باید در ابتدای امر، خانه های اولیه شهر را تا ابتدای خرابه ها پاکسازی کنید. بعد سمت راست شهر را به وسیله گروهان بعدی از پشت خرابی ها عمل کنید و از بالا بیابید به طور دورانی به سمت خرابی ها و وسط شهر. احتمال ۵۰٪ وجود دارد که شهر مسئله دار شود. لذا اولویت اول در پاکسازی شهر تا ابتدای خرابی هاست.»^{۱۸}

در ضمن فرماندهی تأکید داشت که در جناح راست باید با گردان مجاور خود (مسلم) در سه نقطه الحاق کنند: ۱- در خط؛ ۲- در تانک فارم ها؛ ۳- روی جاده فاو البحار. برادر نویخت فرمانده گردان مالک در مورد تغییر مانور گردان خود چنین توضیح می دهد:

«در آخرین جلسه، برادر مرتضی گفتند که طرح مانور شما باید از پیشانی باشد و پاکسازی کردن منطقه از جلو. یک گروهان در عمق برود و دشمن را دور بزند (از جناح راست جاده ای که بین شهر و تأسیسات نفتی وجود دارد). در این مانور قرار شد که ما هیچ الحاقی در جناح چپ با لشکر ولی عصر (عج) نداشته باشیم، در صورتی که در مانور قبلی، الحاق با لشکر ولی عصر (عج) (کنار پل های نهر ۱۱) جزء مأموریت ما بود. انجام این مأموریت به گردان امام حسین (ع) واگذار شد. از طرف دیگر قرار بود که در جناح راست تا تانک فارم دوم را پاکسازی کنیم ولی در مانور نهایی گفتند که باید کلیه تانک فارم های سمت راست شهر را پاکسازی کنیم. در نتیجه، مانور گردان نهایتاً به این شکل شد که دو گروهان از پیشانی بزند و داخل شهر شود و یک گروهان از سمت راست شهر بالا برود و دور بزند، و به صورت چکش سندان شهر را بزنیم.»^{۱۹}

عمل می‌شود. گروهان بعدی، سلمان است که قرار است در محور راست (از نهر خجسته) به طرف جاده عمودی (بین تانک فارم‌ها و شهرک سمت راست آن) برود تا ضمن پاکسازی این جاده، سه‌راهی فاو - البحار را تأمین نماید. گروهان سوم (ابوذر) پشت سر گروهان سلمان وارد عمل خواهد شد و در جناح راست ما (شهرک در سمت راست تانک فارم) عمل می‌کند و تا جاده فاو - البحار به پیش می‌رود و با لشکر عاشورا در جناح راست خود الحاق حاصل می‌کند.^{۱۸}

وجود شهرک از یک طرف و احتمال عدم موفقیت لشکر عاشورا در سمت راست از طرف دیگر، موجب گردید که فرماندهی حساسیت بیشتری در این محور از خود نشان دهد. لذا برادر مرتضی از این گردان خواست که تا یک کیلومتر سمت راست جاده عمودی را پاکسازی کند^{۱۹} و ضمن آن درخواست نمود تا توان بیشتری در منطقه راست جاده عمودی صرف کند. در مانور پیشنهادی فرماندهی چنین مطرح شد که:

«گروهان اول در جناح چپ تا جاده عمودی بین شهرک و تانک فارم را پاکسازی کند. گروهان دوم را برای شهرک بگذارد، گروهان سوم منطقه سمت راست شهرک را کاملاً پاکسازی کند.^{۲۰}

تذکر این نکته لازم است که فرماندهی، جهت کمک به

غواصان پس از عبور از معبر در زیر خط

دشمن آرایش می‌گیرند، دو نفر

تخریب چی در کنار معبر باقی می‌مانند که

با شروع عملیات، به سرعت موانع

خورشیدی را منفجر و معبر را عریض تر

می‌کنند. آخرین نفر نیز از اطلاعات است

که با چراغ قوه مخصوص، جهت هدایت

قایق‌ها مشخص شده است.

اجرای مانور این گردان که جناح دار منطقه عملیاتی است، از گردان مالک خواست تا در پاکسازی تانک فارم‌ها نقش بیشتری به عهده بگیرد.

در مجموع گردان خود را موظف دید که پیشنهاد برادر مرتضی را عملی سازد، لذا در انتها مقرر گردید یک گروهان در سمت چپ جاده و دو گروهان در سمت راست جاده که شهرک را نیز شامل می‌شد عمل کرده تا جاده فاو البحار به پیش روند. این گردان و گردان مالک اشتر که آغاز حرکت در عمق لشکر را به عهده داشتند، علاوه بر مأموریت‌های ذکر شده موظف به برنامه ریزی جهت مأموریت‌های احتمالی نیز شده‌اند. از جمله این احتمالات، شکسته نشدن خط و لزوم خط‌شکنی توسط این ۲ گردان است، همچنین کمک در رفع مشکلات احتمالی گردان مجاور، در دستور کار آنها قرار داشت.

ادامه حرکت در عمق، تصرف جاده فاو بصره

در ادامه تدابیر و طراحی حرکت در عمق، هدف مهم و اساسی، جاده فاو - بصره بود که می‌بایست ضمن پاکسازی حد فاصل دو جاده فاو - البحار و فاو - بصره، این جاده نیز به تصرف درآید.^{۲۱}

محور یکم (سمت چپ لشکر) برای این مرحله به گردان امام حسین (ع) مأموریت داد که پاکسازی منطقه‌ای حد فاصل جاده فاو - البحار تا فاو - بصره و تانک فارم‌های موجود در انتهای منطقه را انجام دهد. خط حد این گردان در جناح راست، انتهای سمت راست تانک فارم‌ها (روی جاده فاو - بصره) و در جناح چپ، دکل رازیت و یا تقاطع جاده فاو - بصره با ضلع شرقی مستطیلی (خط حد یگان با لشکر ولی عصر (عج) بود.^{۲۲}

جزئیات مانور این گردان به نقل از فرمانده آن چنین است: «قرار بود که از یک نهر بوفلفل سوار قایق بشویم و جهت عبور نیز معبری در محور اسکله ۴ پیش‌بینی شده بود، انتخاب این معبر به چند دلیل بود از جمله:

۱- روبه روی نهر بوفلفل قرار داشت.



گردان حمزه سیدالشهدا در سمت راست گردان امام حسین (ع) به موازات این حرکت در محدوده محور ۲ و حد فاصل جاده فاو - البحار تا جاده فاو - بصره، موظف به انجام پاکسازی است. این گردان می‌بایست که منطقه مذکور را تا سمت راست جاده ارتباطی فاو - البحار، فاو - بصره پاکسازی کند و ضمن آن چهارراه مهم فاو - بصره و همین طور سه راهی با اهمیت و استراتژیک فاو - ام‌القصر را تصرف نماید.

بر مبنای این مأموریت، گردان تصمیم داشت که با استفاده از دو گروهان خود به انجام عملیات بپردازد و یک گروهان را در پشتیبانی نزدیک نگهدارد، ولی از آنجا که فرماندهی نظر خاصی روی جناح راست لشکر داشت، از طرف ایشان تأکید شد تا توان بیشتری در سمت راست جاده عمودی و ارتباطی به کار گرفته شود. لذا با توجه به تذکرات فرماندهی لشکر، نهایتاً مانور گردان طراحی گردید. برادر مکتبی فرمانده گردان حمزه در تشریح مأموریت گردان خود می‌گوید:

«هدف ما تصرف جاده فاو - بصره در منطقه محوله (منتهی الیه تانک فارم بالایی تا ۵۰۰ الی ۱۰۰۰ متر در سمت راست جاده ارتباطی) و پاکسازی تاسه راهی ام‌القصر است. حد راست ما ۵۰۰ متر سمت راست چهارراه فاو - بصره است که باید در آنجا بالشکر عاشورا الحاق صورت گیرد و از چپ حدود یک کیلومتر (از چهارراه مذکور) حد داشتیم. هر سه

۲- در نزدیکی جاده عمودی سمت راست نهر فاو (جاده بین تانک فارم ها و فاو) بود که باید از این طریق به طرف هدف می‌رفتیم.

در ضمن، ما باید از بین دو گردان مسلم و مالک، بدون درگیری عبور کنیم و برای رفتن به عمق، جاده بین تانک فارم و شهر، مشخصه ما می‌باشد.

ابتدا گروه ویژه جلو حرکت می‌کند و پاکسازی را در محور جاده و به خصوص شهرکی که در جنوب شهر فاو (آن طرف جاده فاو - البحار) وجود دارد، با کمک یک دسته از گروهان دوم ما به عهده دارند. دو دسته دیگر از گروهان دوم در امتداد جاده عمودی به عمق را پاکسازی می‌کند، گروهان یکم نیز در سمت راست جاده پاکسازی می‌کند و ضمن آن باید با گردان حمزه در جناح راست الحاق نماید. همچنین گروهان سوم در سمت چپ جاده، به طرف دکل رازیت و به منظور الحاق با لشکر ولی عصر (عج) در رازیت عمل خواهد کرد. در انتها گروهان دوم پس از پاکسازی محور جاده و رساندن خود به خاکریز پشت تانک فارم، عامل الحاق با گروه‌های اول و سوم خواهد بود که در انتهای هدف (خاکریز پشت تانک فارم یا داخل مستطیل) انجام می‌گیرد.»^{۳۳}

همان‌طور که گفته شد، خط حد لشکر کربلا با لشکر ولی عصر (عج) جاده عمودی واقع در انتهای سمت چپ تانک فارم بود. از این جهت دکل رازیت در محدوده لشکر ولی عصر (عج) قرار می‌گرفت و با وجود این فرماندهی جهت تضمین الحاق، از گردان خود خواسته بود تا دکل رازیت پیش رود.

لازم به تذکر است که پس از محول شدن مأموریت پاکسازی داخل مستطیلی به لشکر کربلا، فرماندهی این لشکر با توجه به ضعف توان محور سوم در انجام کامل این مأموریت، از گردان امام حسین (ع) خواست، تا بنا به دستور، وارد مستطیلی شده و ضلع شرقی آن را پاکسازی نماید. لذا گردان امام حسین (ع) می‌بایست جهت این مأموریت احتمالی نیز خود را آماده نماید.

به عبارت دیگر، طرح‌های مانور برای

چنین مراحل

تنها در یک صورت قابل اجرا خواهد بود

و آن اینکه مراحل قبلی عملیات،

کاملاً منطبق با طراحی‌های

انجام شده به پیش رفته باشد

و دشمن نیز همچنان

در موضعی انفعالی

به انتظار اقدامات بعدی ما

نشسته باشد.

مرحله، کار دیگری نمی‌توان انجام داد.

به عبارت دیگر، طرح‌های مانور برای چنین مراحل تنها در یک صورت قابل اجرا خواهد بود و آن اینکه مراحل قبلی عملیات، کاملاً منطبق با طراحی‌های انجام شده به پیش رفته باشد و دشمن نیز همچنان در موضعی انفعالی به انتظار اقدامات بعدی ما نشسته باشد.

روشن است که ما کمتر شاهد پیش آمدن چنین شرایطی در جنگ بوده‌ایم و حساسیت منطقه عملیاتی، دشمن را بر آن می‌دارد که با تمام توان وارد صحنه شود، و از انجام هر گونه اقدامی خودداری نکند. لذا طراحی برای این مرحله از عملیات بیشتر به سرعت عمل در مراحل قبلی اتکا دارد و لازم است که تا قبل از آنکه دشمن موفق به بازیابی خود شود، ضربه دیگری بر او وارد آید. به همین جهت این موضوع (مراحل عملیات) تا روزهای آخر قبل از عملیات، همچنان در سطح قرارگاه خاتم ادامه داشت و بالطبع، قرارگاه‌ها و یگان‌های تابعه نیز تکلیف مشخصی در این باره نداشته‌اند. تصرف پایگاه موشکی نیز از این جمله است.

مأموریت این مرحله از عملیات که طراحی دقیق آن در زمان عملیات توسط فرماندهی صورت خواهد پذیرفت، به عهده

گروهان پاکسازی را از جاده فاو - البحار آغاز و تا تصرف جاده فاو - بصره ادامه خواهند داد. ضمن آنکه می‌بایست در جناح راست با لشکر عاشورا و در جناح چپ با گردان امام حسین (ع) الحاق حاصل کنیم. گروهان اول، از جناح چپ جاده، گروهان دوم در محور خود جاده منتهی به سه راه ام‌القصر، گروهان سوم در سمت راست جاده و الحاق با لشکر عاشورا»^{۲۳}

لازم به توضیح است که نحوه به کارگیری نیرو و گذاشتن احتیاط در این مانور تغییر کرد و به جای آنکه یک گروهان به طور کامل در احتیاط قرار بگیرد، از هر گروهان یک دسته به عنوان احتیاط در نظر گرفته شد. بدین صورت سازمان هر سه گروهان عملاً وارد کار شده و به کارگیری نیرو با قوت سازماندهی بیشتری صورت می‌گرفت.

برای انتقال نیرو از ساحل خودی به آن طرف اروند، سه نهر در نظر گرفته شد که قایق‌ها در این سه نهر اقدام به سوار کردن نیرو و شروع حرکت نمایند. این گردان نیز دو گروهان خود را از نهر بوصدرین و گروهان سوم را از نهر خجسته آماده حرکت می‌کند.

در مجموع، به دلیل وجود احتمالات مختلف در میزان موفقیت عملیات لشکر تا این برهه از عملیات، هر دو گردان (حمزه سیدالشهدا و امام حسین (ع) نسبت به کمک‌رسانی احتمالی و داشتن آمادگی جهت انجام مأموریت گردان‌های جلوی خود توجیه شدند.

تکمیل حرکت در عمق، پاکسازی مستطیلی و تصرف پایگاه موشکی

همان‌طور که قبلاً گفته شد، به هنگام طراحی مانور برای مراحل نهایی عملیات، احتمالات فراوانی در پیش روی طراحان، خودنمایی می‌کرد. مانور در این مرحله به میزان توان لشکر در آن موقعیت، میزان موفقیت‌های به دست آمده در تمام منطقه عملیاتی، میزان سرمایه‌گذاری و توان دشمن جهت بازپس‌گیری مناطق از دست داده خود وابستگی کامل دارد. لذا جز یک ذهنیت کلی و تعیین‌مشی احتمالی، برای این

کربلا نیز لشکر ولی عصر (عج) را جهت کمک روی ضلع شرقی مستطیلی توجیه نمود. اما تصمیم قطعی آن به شرایط عملیات موکول شده بود.^{۲۵}

از طرفی برادر حیدرپور فرمانده محور ۳ معتقد بود که با توجه به توان سه گردان خود، قادر نخواهد بود که خود را حتی به خاکریز موربی که وسط مستطیلی وجود داشت برساند. برادر قربانی فرمانده لشکر نیز از آنجا که احتمال به کارگیری این محور در تقویت محورهای ۱ و ۲ را دور نمی دید و از طرفی برای سه راهی ام القصر اهمیت قائل بود. با طرح برادر حیدرپور فرمانده محور سوم موافقت داشت و ضمن آن قرار شد که یک گردان را در محور سه راهی ام القصر به کار گیرد و با استقرار دو گردان دیگر ضمن انهدام پایگاه موشکی در پشت خاکریز مورب و غربی داخل مستطیلی موقتاً پدافند کند. برادر مرتضی در جزئیات این طرح می گفت:

«دو گروهان از گردان روح الله را بگذارید برای سه راهی ام القصر، چون مهم است البته اگر لشکر آمد و عبور کرد، از اهمیت خواهد افتاد. گردان دوم از ابتدای سیل بند تا نزدیک پایگاه پاکسازی کند و مستقر شود. گردان سوم پس از انهدام پایگاه موشکی، پشت خاکریز مورب مستقر شود. مابقی (زمین های پاکسازی نشده در موضع مستطیلی) را بگذاریم برای بعد، یا دیگری پاکسازی نماید.»^{۲۶}

در مجموع روی جزئیات این طرح کار زیادی صورت نگرفت و تنها ظرف چند دقیقه در جلسه فوق و همچنین جلسه توجیهی روز بیستم، این امر برای فرمانده گردان ها و کادر آنها تبیین شد.

جمع بندی مأموریت و مانور لشکر

در مجموع، لشکر کربلا موظف شده بود در عرض ۳ کیلومتر از ساحل رودخانه اروند خط را شکسته و تا بیش از ۵ کیلومتر در عمق را پاکسازی نماید. لذا بنا به وضعیت منطقه، حرکت خود را به چند مرحله تقسیم نمود و برای ۳ محور (۳ تیپ و به عبارتی ۹ گردان) خود مانور چید.

در اولین قدم، دو گردان با کمک گرفتن از نیروهای غواص

محور سوم لشکر (گردان های یاسوج) قرار داشت که شامل سه گردان بود. طبیعتاً برخورد فرماندهی با این محور، بنا به نامشخص بودن مأموریت شان در عمق، نسبت به دیگر گردان ها بسیار کم بود و عمدتاً به نظر می رسید که فرماندهی قصد دارد آنها را طبق وضعیتی که پیش خواهد آمد، به کار بگیرد.

این وضعیت ادامه داشت، تا اینکه پنج روز قبل از عملیات طی مباحثی در قرارگاه خاتم با پیشنهاد فرماندهی لشکر ۲۵ مأموریت حرکت در جاده ام القصر از این لشکر به لشکر دیگری سپرده شد و پاکسازی داخل مستطیلی به این یگان واگذار گردید این موضوع تنها سه روز قبل از عملیات به نتیجه رسید و به یگان ابلاغ شد.

فرماندهی لشکر در این وقت باقیمانده تنها به توجیه فرمانده محور اکتفا کرد و بالاخره در انتهای روز نوزدهم بهمن فرمانده محور ۳ و فرماندهان گردان های آن را در جلسه ای جمع کرده، درباره مانور صحبت نمود. وی از آن جهت که در نظر داشت محور ۳ را در صورت لزوم به عنوان احتیاط محور ۱ و ۲ به کار گیرد، لذا از همان ابتدا جهت پاکسازی تمامی مستطیلی احساس کمبود نیرو می کرد و انتظار داشت که در این امر، از سوی یگان دیگری به ایشان کمک شود. قرارگاه

پس از شکسته شدن خط یا آغاز

درگیری، مسئله پاکسازی و ادامه درگیری مطرح بود که در این زمینه، گروهان های باقیمانده از دو گردان خط شکن مورد استفاده قرار می گیرد. برای این منظور مقرر گردید که نیروهای این گروهان ها با سوار شدن بر قایق هایشان، آماده شروع درگیری باشند و به محض اعلام درگیری، حرکت خود را به سمت دشمن طبق مانور خود آغاز کنند.

خود، خط را خواهند شکست. در گام بعدی دو گردان وارد عمل شده، منطقه حد فاصل خط مقدم تا جاده فاو - البحار به اضافه شهر فاو و تأسیسات نفتی آن و تانک فارم ها را پاکسازی خواهند کرد. در مرحله بعد نیز پاکسازی منطقه حد فاصل جاده فاو - البحار تا جاده فاو - بصره را دو گردان دیگر انجام می دهند و از آن پس در صورتی که از نیروهای محور ۳ در پشتیبانی عملیات انجام شده استفاده ای نشده باشد سه گردان از این محور، پاکسازی داخل مستطیلی را انجام می دهند. پیش بینی شده بود که در صورت موفقیت طرح، کلیه مراحل فوق در همان شب اول اجرا گردد و لشکر پس از ایجاد استحکامات در جناح راست خود، (سمت جاده عمودی)، به پدافند بپردازد و آماده دستور برای ادامه عملیات باشد.

شکستن خط، پیشروی در عمق و تصرف اهداف

در آستانه عملیات

بعد از ظهر روز بیستم بهمن ماه، فرماندهی لشکر پس از اطمینان از آماده بودن تمامی کارها، جهت استقرار در سنگر هدایت عملیات که از قبل در خط مقدم و در جزیره شهید دستغیب مشخص شده بود حرکت کردند. در طول مسیر نیز به چند واحد سرکشی کردند، مجموعاً همه واحدها آماده بودند. در حین سرکشی به امور مهندسی، یکی از تانک ها مشاهده می شد که بر روی سطحه پی ام پی سوار و بلدوزری نیز در حال سوار شدن بر سطحه ای دیگر بود.

خمپاره ها در مواضع مشخص، آماده بودند. مهمات آن از جعبه ها بیرون آورده شده و دور تا دور قبضه ها چیده شده بود. زرهی نیز با استقرار خدمه در تانک ها آماده فرا رسیدن زمان عملیات می شد.

تحرك و شلوغی عجیبی در منطقه، خصوصاً جاده عرضی، حاکم بود. احتمالاً همه می دانستند که امشب عملیات است. التهاب و خوشحالی ناشی از آن در چهره ها نمایان و مشخص بود. با اینکه پیش بینی می کردند با شروع عملیات شاید تا چندین شب فرصت استراحت پیدا نکنند، لیکن شدیداً تلاش می کردند.

در هر صورت برادر مرتضی قربانی از ساعت ۱۶ روز ۱۳۶۴/۱۷۲۰ در محل هدایت عملیات واقع در خط مقدم استقرار یافت. ایشان چند روزی بود که از ناحیه پا و سپس سر، احساس ناراحتی و درد می کرد. تا قبل از ظهر حال ایشان بسیار بد بود. با وجود این خللی در فعالیت هایشان به وجود نیامد و با مداوایی که توسط یک پزشک حاضر در لشکر صورت گرفت حال ایشان رو به بهبود گذاشت. لذا پس از استقرار در سنگر فرماندهی و هدایت عملیات، تصمیم گرفت کمی استراحت کند، ولی التهاب شروع عملیات به ایشان اجازه استراحت نمی داد و نهایتاً نتوانست بخوابد.

کم کم سنگر فرماندهی شلوغ می شد. برادران، به خصوص مسئولین واحدها، پس از اطمینان از آمادگی به این محل مراجعه و در کنار فرماندهی قرار می گرفتند.

در این مقطع کلیه ارتباطات به صورت تلفنی برقرار می شد. این شبکه با سیم، با تلاش های فراوان برادران مخابرات و کشیدن کیلومترها سیم ایجاد شده بود. بی سیم ها نیز آماده بودند ولی کسی اجازه روشن کردن آن را تا آغاز عملیات نداشت.

در ساعت ۱۷ نامه ای از سوی قرارگاه کربلا، به دست برادر مرتضی رسید که در آن نام عملیات و اسم رمز آن اعلام شده بود. بر طبق این نوشته، نام عملیات "نصرالمسلین" و رمز آن "یا فاطمه الزهرا (س)" اعلام شده بود. قبل از آن نیز برادر غلامپور فرمانده قرارگاه کربلا، به طور حضوری ساعت شروع را ۲۲ اعلام کرده بود و با توجه به اینکه از ساعت ۱۹ تاریکی مطلق شروع می شود برادر طوسی ابراز می داشت که زمان خوبی برای شروع درگیری است. چرا که تا ساعت ۴۵:۱۹ جزر راکد است و غواصان به راحتی می توانند عبور کنند.

با توجه به اطلاعاتی که از زمان های جزر و مد آب به دست آمده بود پیش بینی می شد که غواصان در فاصله ساعت ۱۸:۳۰ تا ۱۸:۴۵ از خط خودی رها شوند و تا ساعت ۱۹:۳۰ به کنار ارونند برسند.^{۳۷}

رهایی و حرکت غواص ها

تلفنی غواص ها^{۲۸} به اطلاع فرماندهی لشکر می رسید. در ابتدا معبر پنج اعلام آمادگی نمود. پس از آن معبر هفت نیز آمادگی خود را اعلام داشت.

در محور یکم ارتباط با معبر دو نیز برقرار بود، همه در انتظار تماس دیگر معابر بودند تا ورود به آب غواصان به طور هماهنگ آغاز شود، اما این انتظار سودی نبخشید، چرا که عمدتاً سیم های تلفن موجود در سایر معبرها قطع شده بود و امکان تماس تلفنی وجود نداشت. زمان به سرعت می گذشت و بر نگرانی فرماندهی لشکر و همچنین دیگر مسئولان، افزوده می شد. آنان نگران وضعیت غواصان بودند. اما کاری از کسی ساخته نبود. در ساعت ۱۰:۲۰ برادر کمیل قائم مقام فرماندهی لشکر که همراه غواصان معبر شش بود، با مراجعه به مقر محور ۲ موفق به تماس با فرماندهی لشکر شد. وی در این تماس خود اعلام نمود که غواصان معابر پنج و شش را راهی آب کرده است. با توجه به گذشتن ساعت از ۲۰ به هر ترتیب تصمیم بر رهایی غواصان در آب گرفته می شود. فرماندهی با تماس های مکرر از محورهای می خواهد که با فرستادن بیک، غواصان را راهی آب کنند در معبر دوم برادران غواص که مشغول آزمایش آب بودند با مشاهده جریان آب به تصور اینکه صبر و تأمل باعث فرا رسیدن جزر کامل می شود خواهان فرصت بیشتری بودند که با تأکیدات فرماندهی لشکر نزدیک ساعت ۲۰:۳۰ وارد آب شدند و در این ساعت تا اندازه ای نسبت به حرکت غواصان اطمینان حاصل شد.

پیش از آنکه حرکت غواصان به تمامی انجام پذیرد و در شرایطی که هنوز ذهن فرماندهی و مسئولان لشکر مشغول ایجاد ارتباط با غواصان و رها کردن آنها بود، در ساعت ۲۰ برادر عمرانی طی تماسی تلفنی خبر بسته شدن آبراه بوسدرین را به وسیله یک پل پی.ام.پی به اطلاع فرماندهی رساند. وی گفت:

«نمی دانم چه کسی یک پل پی.ام.پی را انداخته توی آبراه بوسدرین و جلوی تعدادی از قایق های ما را گرفته.»^{۳۰}

به هر حال، قبل از ساعت ۱۹، تماس های تلفنی پی در پی آغاز شد و محور اصلی پیگیری در این تماس ها حرکت غواص ها بود. طی صحبت هایی که برادر مرتضی با محورها انجام داد، اعلام آمادگی کامل آنها را دریافت نموده. از طرف دیگر، قرارگاه نیز برای ایجاد هماهنگی در حرکت غواصان مرتباً با ایشان تماس می گرفتند. عموماً غواصان در محورهای مختلف از بعد از ظهر با پوشیدن لباس خود و خوردن غذایی به طور سرپایی، آماده شده بودند و با نزدیکی غروب آفتاب راهی خط مقدم شدند به نحوی که تا قبل از ساعت ۱۹ همگی به خط مقدم رسیدند. نماز مغرب و عشاء غواصان در خط مقدم برگزار شد و پس از آن حرکت به طرف رودخانه اروند آغاز گردید. طبق دستور فرماندهی، برادران بشارتی (از اطلاعات) و عبدالله (از عناصر فرماندهی) در معبر دوم و برادران طوسی و کمیل نیز در معبر ششم، غواصان را همراهی می کردند. یکی از محورهای حرکت غواصان درست در امتداد محل حضور فرماندهی لشکر قرار داشت. لذا برادر مرتضی در ساعت ۱۸:۲۵ با مشاهده تعدادی از غواصان که آماده حرکت بودند به همراهی آنان پرداخت و تا نیمه راه، در چولان های ساحلی آنان را همراهی نموده پس از خداحافظی با تک تک آنان به سنگر خود بازگشت.

در مجموع، حرکت کلیه غواصان از خط مقدم به سمت رودخانه در ساعت ۱۹ آغاز شد و از این پس، حالت انتظار برای تماس تلفنی آنان و اعلام وضعیت شان، بر همه افراد لشکر اعم از برادر مرتضی و فرماندهان محورها و گردان ها سایه افکند. در کلیه معابر با آمادگی قبلی و احد مخابرات، سیم تلفن کشیده شده بود. قرار بود که غواصان به محض رسیدن به کناره رودخانه اروند، تماس تلفنی حاصل کنند تا ورود آنها به داخل رودخانه، به صورتی هماهنگ انجام شود.

همچنین در این لحظه، کلیه نیروهای پیاده گردان های خط شکن و همچنین گردان های مالک و مسلم در کنار اسکله ها حاضر شده و یا سوار بر قایق آماده بودند.

دقایقی پس از ساعت ۱۹ کم کم خبرهایی مبنی بر تماس

در مجموع، لشکر کربلا در نظر داشت که با دو گردان عمل خط شکنی و پاکسازی آن را انجام دهد و ضمن آن با لشکرهای مجاور خود، ولی عصر (عج) و عاشورا نیز الحاق در خط صورت دهد. در این زمینه نزدیک به ۲۰۰ غواص جهت شکستن خط و حدود ۳۰۰ نفر رزمنده قایق سوار جهت پاکسازی آن و الحاق با یگان های مجاور پیش بینی گردیده بود.

برادر مرتضی با مشاهده وضعیت پیش آمده و اوضاع حرکت غواصان، نسبت به حرکت نیروهای موج دوم احساس خطر می کند و با تأکید فراوان خواهان رفع این مانع به هر طریق ممکن، حتی انفجار می شود. هر چه زمان می گذشت موضوع فوق اهمیت بیشتری می یافت، چرا که غواصان از ساحل خودی رها شده بودند و دشمن نیز تیراندازی و آتش شدید را آغاز کرده بود. هر لحظه امکان لزوم استفاده از گردان های قایق سوار افزایش می یافت. برادر

عمرانی که با انفجار پل به دلیل ایجاد سر و صدا و حساس نمودن دشمن مخالفت می ورزید، در صدد برآمد تا با استفاده از جرقه قایق ها را به جلوی پل منتقل نمایند. نهایتاً در ساعت ۲۱:۳۵ خبر رسید که مشکل مزبور برطرف گردیده است.^{۳۱}

تیراندازی دشمن قبل از عملیات

در ساعت ۲۱ هنوز مشکل آبراه بوسدرین حل نشده بود که حادثه دیگری آن را تحت الشعاع قرار داد در این ساعت مشاهده شد که دشمن اقدام به تیراندازی و اجرای آتش کرده است. به دنبال آن تعدادی منور نیز در آسمان روشن شد. همه تصور می کردند که تک لو رفته و عملیات آغاز شده است. برادر عمرانی طی تماسی ضمن دادن خبر فوق، از شروع شدن درگیری سخن می گفت. برادر کسائیان نیز اعلام نمود که در محور آنان دشمن، اجرای آتش می کند. برادر مرتضی با حفظ خونسردی از سنگر خارج شد و با رفتن به روی سنگر و مشاهده وضعیت مذکور، به این نتیجه رسید که وضع عادی است لذا از فرماندهان محورها خواست که در کنار اروند، تیراندازی با تفنگ ژ ۳ را ادامه دهند تا برای دشمن اطمینان حاصل شود که ما همچنان در حالت پدافندی به سر می بریم.

«همین که به ساحل دشمن رسیدیم، یک مرتبه عراقی ها باداد و فریاد که کاملاً وحشت زدگی از صدایشان مشهود بود، همدیگر را صدا کرده و سنگرها را به سرعت پر کردند و بلافاصله شروع کردند به تیراندازی و ریختن آتش، مادرست زیر یک دولول بودیم که به طور مداوم می زد. تیربارها شلیک می کردند. با آربی جی ۱۱ شلیک می کردند. و پنج سنگر جلوی ما بود که دائم تیراندازی می کردند. ما هم زیر سنگرها خوابیده بودیم، یعنی موانع خورشیدی را پشت سر گذاشته بودیم. وقتی آتش شدید شد. بچه ها گفتند شروع کنیم، ولی به فکر من رسید که این نمی تواند (نشانه) عملیات باشد، چرا که از طرف خودی، آتشی نبود.»^{۳۲}

در مجموع با خودداری برادران از عکس العمل، پس از دقایقی، آتش دشمن قطع شد و بدون هیچ حادثه ای منطقه شاهد آرامش قبل از طوفان شد. برادر آذرنیا در ادامه مشاهدات خود می گوید:

« پس از قطع شدن، سنگرها خالی شد و با شنیدن سر و صدای عراقیان و شوخی و خنده آنان احساس کردیم که دشمن مطمئن شده خبری نیست.»^{۳۳}

بی سیم ها از ساعت ۲۱:۳۰ به انتظار تماس غواصان روشن شد، گرچه کسی حق استفاده از بی سیم تا قبل از شروع عملیات را نداشت لیکن از قبل مقرر گردیده بود که در هر معبر به محض رسیدن ستون غواصان به ساحل دشمن،

برادر مرتضی با مشاهده وضعیت پیش آمده و اوضاع حرکت غواصان، نسبت به حرکت نیروهای موج دوم احساس خطر می کند و با تأکید فراوان خواهان رفع این مانع به هر طریق ممکن، حتی انفجار می شود. هر چه زمان می گذشت موضوع فوق اهمیت بیشتری می یافت، چرا که غواصان از ساحل خودی رها شده بودند و دشمن نیز تیراندازی و آتش شدید را آغاز کرده بود. هر لحظه امکان لزوم استفاده از گردان های قایق سوار افزایش می یافت. برادر عمرانی که با انفجار پل به دلیل ایجاد سر و صدا و حساس نمودن دشمن مخالفت می ورزید، در صدد برآمد تا با استفاده از جرقه قایق ها را به جلوی پل منتقل نمایند. نهایتاً در ساعت ۲۱:۳۵ خبر رسید که مشکل مزبور برطرف گردیده است.^{۳۱}

تیراندازی دشمن قبل از عملیات

در ساعت ۲۱ هنوز مشکل آبراه بوسدرین حل نشده بود که حادثه دیگری آن را تحت الشعاع قرار داد در این ساعت مشاهده شد که دشمن اقدام به تیراندازی و اجرای آتش کرده است. به دنبال آن تعدادی منور نیز در آسمان روشن شد. همه تصور می کردند که تک لو رفته و عملیات آغاز شده است. برادر عمرانی طی تماسی ضمن دادن خبر فوق، از شروع شدن درگیری سخن می گفت. برادر کسائیان نیز اعلام نمود که در محور آنان دشمن، اجرای آتش می کند. برادر مرتضی با حفظ خونسردی از سنگر خارج شد و با رفتن به روی سنگر و مشاهده وضعیت مذکور، به این نتیجه رسید که وضع عادی است لذا از فرماندهان محورها خواست که در کنار اروند، تیراندازی با تفنگ ژ ۳ را ادامه دهند تا برای دشمن اطمینان حاصل شود که ما همچنان در حالت پدافندی به سر می بریم.

آن است که نسبت به موفقیت غواص ها تقریباً قطع امید شده است:

«در هر صورت ما تماس با غواص ها نداریم و هر وقت بگویید وارد عمل می شویم.»

از طرف دیگر، فرماندهی نمی توانست کاملاً نسبت به حرکت غواصان ناامید باشد. چرا که با قطع تماس بی سیمی غواصان^{۳۳} هیچ گونه اطلاعی از وضعیت آنها در دست نبود و اظهارات غواصان بازگشته نیز نمی توانست شامل وضعیت همه غواصان شود.

«چه خواهد شد؟» سؤالی بود که در اذهان تمام افراد موجود در سنگر فرماندهی ایجاد شده بود تا اینکه لحظاتی پس از ساعت ۲۲ فردی که مشخص نبود به چه صورت موفق به یافتن سنگر فرماندهی لشکر در آن تاریکی شده است وارد سنگر شد. وی حامل بسته ای از سوی فرماندهی سپاه بود که آن را به برادر مرتضی تحویل دهد. برادر مرتضی بسته را باز کردند پرچم سبز و معطری بود به همراه یک نامه. در آن نامه ضمن مقدماتی نوشته شده بود: این پرچم گنبد حضرت ثامن الائمه (ع) می باشد و به طور امانت به دست شما سپرده می شود تا آن را روی بلندترین مناره شهر فاو نصب کنید.

عطر این پرچم فضای سنگر را پر کرده بود. همه متحیر و بی خبر شاهد حلقه زدن اشک در چشمان برادر مرتضی بودند. با توضیحات برادر مرتضی، تحول عجیبی در افراد حاضر در سنگر به وجود آمد. سپس فرمانده لشکر از مسئول تبلیغات که فردی روحانی می باشد خواست که فردا صبح، پرچم را در بالای مناره مسجد جامع فاو نصب کند. برادران با کشیدن دست بر روی پرچم و مالیدن به سر و صورت و تبرک از آن مشغول بودند و صدای گریه از میان آنها به گوش می رسید. گویی همه چیز فراموش شده بود که ناگهان برادر مرتضی به خود آمد و در ساعت ۲۲:۱۰ تصمیم به تماس مجدد با غواصان گرفت. با پیگیری زیاد تنها معبر پاسخ داد و اعلام آمادگی نمود. ولی از سایر معابر جوابی شنیده نشد.

غواصان و رسیدن به خط

شماره معبر از طریق بی سیم اعلام شود و بدین طریق فرماندهی از رسیدن ستون به ساحل دشمن مطلع گردد اما هیچ تماسی گرفته نشد و هیچ اطلاعی از غواصان در دست نبود که چگونه عبور کرده اند؟ آیا اصلاً موفق به عبور شده اند یا نه؟...

در ساعت ۲۱:۳۵ برادر عمرانی طی تماسی تلفنی خیر داد که یکی از غواصان معبر ۵ به ساحل خودی برگشته و از وضعیت بد و خطرناک دیگر غواصان صحبت می کند. هنوز دقایقی از این خیر نگذشته بود که برادر مرتضی قربانی از حضور سه غواص دیگر در بیرون سنگر فرماندهی مطلع شد و بلافاصله برای مشاهده و پرسش از وضعیت آنان و سایر غواصان از سنگر بیرون رفت. در بیرون سنگر برادران کم سن و سالی را دید که یکی از آنها هنوز مویی در صورت نداشت. لرزش شدیدی ناشی از سرما، توأم با اضطراب و دلهره بر آنان چیره شده بود. برادری از میان آنها می گفت:

«ما تا نزدیک اسکله رسیده بودیم، آب فشارش زیاد بود، بچه ها خسته شده بودند، مادر تیم دوم بودیم. همه بر اثر فشار آب پراکنده شدند، تعدادی غرق شدند، و ما توانستیم به عقب برگردیم.»

در همین اوقات، برادر کمیل نیز طی تماسی اعلام کرد که یک غواص از معبر ششم بازگشته است. گفته های این غواص نیز که از جانب برادر کمیل نقل می شد با اظهارات سایر غواص های بازگشته تشابه فراوانی داشت. با رسیدن این اخبار با توجه به قطع تماس بی سیمی با غواصان و کمی فرصت باقیمانده تا ساعت شروع عملیات، احساس می شد که برادران در موفقیت غواصان دچار تردید شده اند. به ناچار برادر مرتضی در جواب برادر کمیل و سایر برادران دستور آمادگی برای اقدامات لازم را دادند و اعلام کردند که:

«به هر ترتیب باید آماده باشید و بنا به دستور وارد عمل شوید.»

لحن برادر مرتضی در پاسخ به برادر غلامپور فرمانده قرارگاه کربلا که از وضعیت لشکر سؤال کرده بود نیز گویای



در مجموع همه غواصان در همه معابر مشکل آب را از وسط رودخانه به بعد داشتند و این مسئله باعث انحراف در رسیدن به نقطه مورد نظرشان بود اما از آنجا که جریان مد در دهانه رودخانه به طور کامل به سمت بالا بود، معابر ۱ و ۲ به سمت راست منحرف شدند و غواصان سایر معابر از جمله معابر ۷ و ۸ در نیمه راه با ابتدای جریان مد مواجه شده بودند. که در وسط رودخانه به سمت بالا و در کناره های آن به سمت پایین بوده است (حالتی شبیه گرداب)، انحرافشان عمدتاً به سمت چپ بوده است. لذا برخلاف تصور فرماندهی، غواص ها با اختلاف زمانی بسیار، به هر شکل خود را به ساحل دشمن رسانده اند و برخی معابر به محض شروع درگیری به ساحل رسیده اند و برخی معابر دیگر یک ساعت در انتظار شروع درگیری به سر برده اند و در نتیجه عمده نیروهای غواص با پشت سر گذاردن موانع خورشیدی، پای سیم خاردارها به انتظار نشستند و سایر غواصان که دیرتر به ساحل رسیده و موفق به تصحیح انحراف خود نشدند در نقاطی غیر از معبر خود، اقدام به نفوذ کرده اند. به عنوان مثال تیم دوم از معبر هفتم به واسطه انحراف به چپ و عدم موفقیت در تصحیح آن، نهایتاً در فاصله بین معبر ۶ و ۷ نفوذ نمودند و غواصان معبر دوم، به سمت راست معبر سوم منحرف شده و همان جا اقدام به عملیات نمودند.

پیش از آنکه عملیات را از سنگر فرماندهی ادامه دهیم، لازم است به ذکر نمونه هایی از وضعیت غواصان در این شرایط بپردازیم.^{۳۵}

غواصان عموماً از ساعت ۲۰ به بعد، حرکت خود را در رودخانه آغاز کردند. تا اواسط رود، همه چیز عادی و خوب بود ولی عده ای از آنها در اواخر راه، گرفتار جریان مد آب شدند. هوا خوب نبود. نم بارانی می زد، رودخانه دچار طوفان شده و موج آب با قدرت به طرف بالا می آمد. سرعت و موج آب، غواصان را دستخوش خود نمود و درگیری شدید غواصان با آب آغاز شد. برادر آذرنیا مسئول اطلاعات معبر هشتم در این زمینه می گوید:

«به وسط آب که رسیدیم درگیری شدیدی با آب ایجاد شد، هوا خراب بود، طوفانی شده بود. از آن به بعد بچه ها حسابی خسته شدند. در نیمه دوم رودخانه جریان آب هم شدیدتر بود، کولاک بود، ما شروع کردیم به دست و پا زدن. در آن موقع دیگر هیچ امیدی برای رسیدن به آن طرف نداشتیم و بعضاً بچه ها داشتند غرق می شدند. لذا سلاح های خود را رها کردند. به هر ترتیب با ۳۰۰ متر انحراف به ساحل رسیدیم و از کنار ساحل آرام آرام خود را به طرف هدف رساندیم.»^{۳۶} برادر دیگری از معبر هفتم چنین گزارش می دهد:

«به محض اینکه وارد آب شدیم، بعضی از بچه ها فین هایشان افتاد. به سختی و با کمک دیگران می آمدند... در وسط آب جریان زیاد بود، بچه ها خسته شده بودند، آنهایی که فین نداشتند توان ادامه مسیر را نداشتند. حتی ما هم که فین داشتیم خسته شده بودیم، سر و صدای زیادی ایجاد شده بود. یا مهدی یا مهدی می گفتند. این قدر سر و صدا بود که فرمانده گردان ما (در ساحل خودی) می گفت من صدای شما را می شنیدم. ولی خوشبختانه دشمن نفهمیده بود، بچه ها ذکر می گفتند. و جعلنا می خواندند، بعضاً آنهایی که داشتند غرق می شدند داد و قال می کردند... نهایتاً تیربارم را انداختم و به کمک آنها رفتم... به هر ترتیب با تلاش زیاد و ناامیدی به ساحل رسیدیم، و با ۱۰۰ الی ۲۰۰ متر انحراف به چپ.»^{۳۷}

آنها موفق به نجات خود و رسیدن به خط دشمن شدند. این در حالی بود که فرماندهی لشکر بدون آنکه در تماس با غواصان موفقیتی حاصل کند، تنها با شنیدن اعلام آمادگی معبر ۱، خود را در لحظات آغاز عملیات می دید.

آغاز عملیات

تلاش برای تماس با سایر غواصان ادامه داشت که صدای تیراندازی ناشی از شروع عملیات از اطراف شنیده شد. ساعت ۲۲:۱۲ را نشان می داد. برادر مرتضی بلافاصله به کلیه واحدهای خود اعم از توپخانه، ادوات، زرهی و دیگران، دستور شروع عملیات را صادر نمود. اجرای آتش پر حجم در خط آغاز شد. از طرف دیگر، از قایق سواران در هر دو محور خواسته شد که حرکتشان را آغاز نمایند، در حالی که هنوز هیچ اطلاع دقیقی از وضعیت غواصان وجود نداشت.

در مجموع، غواصان نیز به محض شروع درگیری و مشاهده تیراندازی های شدید از سمت ساحل خودی، متوجه آغاز عملیات شدند و عملیات را از هر نقطه ای که بودند، شروع کردند. جا دارد به نمونه هایی از نحوه شکستن خط توسط برادران اشاره کنیم.

برادر آذرنیا در معبر هشتم این چنین تعریف می کند:

«حدود سه ربع زیر موانع خوابیده بودیم. در این فرصت بچه ها را تقسیم کردیم. هر یک از سنگرها را برای یک آربی جی زن مشخص کردیم. یک مرتبه دیدیم همه جاروشن شد. متوجه شدیم عملیات آغاز شده است. با شروع آتش خودی سکوت عجیبی در سنگرها و خط دشمن حاکم شد. فرصت برای تخریبچی نبود که سیم خاردارها را ببرد. قبلاً هم به دلیل ایجاد سر و صدا از بریدن آن خودداری کرده بودیم، وقتی دیدیم بردین سیم خاردارها طول می کشد، همه هجوم بردند به طرف سیم خاردار از روی سیم خاردارها به خاطر بلندیشان نمی توانستیم برویم. یک نفر به طرف سنگری که تیراندازی می کرد آتش ریخت، ساکت شد. بلافاصله یک نفر از داخل سه ردیف سیم خاردار عبور کرد که زخمی هم شد ولی اعتنایی نکرد و رفت. به دنبال او ما، سه نفر دیگر از لابلای

در مجموع، غواصان اقدامات لازم جهت شکستن خط را از هر نقطه ای که به آن رسیده بودند، آغاز کردند و در این میان برادرانی بودند که پس از متفرق شدن در آب و گم شدن نفرات، با تعداد محدودی وارد عمل شدند.^{۳۸}

برادر طوسی، مسئول اطلاعات لشکر نیز در جمع بندی خود از حرکت غواصان می گوید:

«با اینکه در انتخاب نیروهای غواص تلاش بسیاری شده بود و موضوع کیفیت از مسائل مهم ما بود ولی باز در شب عملیات در این باره مشکلاتی داشتیم. بعضاً از کیفیت لازم و کافی برخوردار نبودند. یک سری برگشتند عقب، یا به شکلی نتوانستند بروند. یک سری ایجاد سر و صدا کردند. مثلاً در معبر پنجم، زیر اسکله، در حالی که دشمن هم بالای سرشان بود، فردی داد و بیداد کرده بود، یا حسین، یا علی، یا مهدی، می گفت. در معبر اول هم چنین حادثه ای رخ داد که برادری در حال غرق شدن سر و صدا می کرد. ... آنچه که ما به جمع بندی رسیدیم، حداکثر در هر معبری ۸ تا ۱۰ نفر غواص توانسته اند خودشان را به طور مؤثر به خط دشمن برسانند. البته تعدادی دیگر هم عبور کردند اما مؤثر نبودند.»^{۳۹}

در مجموع، غواصانی که دیرتر حرکت کرده بودند و یا به دهانه اروند نزدیک تر بودند، به دلیل روبه رو شدن با جریان تند آب، آرایش جمعی خود را از دست داده و تعداد کمی از

پاکسازی شهر فاو نه تنها در سطح لشکر، بلکه در سطح قرارگاه کربلا و قرارگاه مرکزی خاتم نیز حائز اهمیت بود و همواره مورد توجه و نظر قرار داشت. در ادامه تدابیر و طراحی حرکت در عمق، هدف مهم و اساسی، جاده فاو - بصره بود که می بایست ضمن پاکسازی حد فاصل دو جاده فاو - البحار و فاو - بصره، این جاده نیز به تصرف درآید.

سیم خاردارها عبور کردیم. اولین کاری که کردیم بانارنجک سنگرهای اول را زدیم، سپس سیم خاردارها را بردیم و بقیه بچه‌ها به ما پیوستند و با استفاده از نارنجک‌های عراقی، پاکسازی سنگرها را ادامه دادیم.» در دیگر معابر نیز وضعیت مشابهی وجود داشت. برادران غواص عموماً تا قبل از شروع عملیات، تنها از موانع هشت پر خورشیدی عبور کرده بودند و بنا به دلایلی که ذکر شد از بردن سیم خاردار و عبور از آنها تا قبل از عملیات خودداری کرده بودند، لذا با شروع عملیات، عبور تعجیلی از سیم خاردارها موجب زخمی شدن و جراحت بسیاری از برادران گردید چرا که تأمل و درنگ پشت موانع به صلاح آنها نبود.

به هر ترتیب، بدون اطلاع از وضعیت غواصان به محض شروع عملیات قایق سواران طبق طرح قبلی بلافاصله حرکت خود را به طرف دشمن آغاز کردند و ظرف چند دقیقه به ساحل دشمن رسیدند. در این زمان، هنوز آتش زیادی در خط مقدم دشمن مشاهده می‌شد که عمدتاً در محور اسکله‌ها بود. سنگر فرماندهی در نقطه‌ای قرار داشت که کاملاً بر منطقه مسلط بود. لذا هر جا که تیراندازی از طرف دشمن صورت می‌گرفت با راهنمایی برادران مسئول و به وسیله تانک‌ها و ادوات، آتش شدیدی روی آن اجرامی شد که بسیار مؤثر واقع گشت.

از مجموع اخباری که عمدتاً از طریق فرماندهان محورها به برادر مرتضی می‌رسید، استنباط می‌شد که معابر ۸ و سپس ۷ (در محور دوم) و معبر ۳ (در محور اول) موفق‌ترین معابر بوده و زودتر از هر معبر دیگر خط را شکسته و پاکسازی را آغاز کرده بودند. برادر عمرانی فرمانده محور دوم از برادر بصیر فرمانده گردان یارسول خواسته بود که با عبور از معابر موفق (۷ و ۸) و نفوذ به خط دشمن، به کمک معابر ۵ و ۶ بروند و در پاکسازی خط دشمن به آنها یاری کنند.

در محور اول نیز برادر طوسی اظهار داشت که فقط معبر سوم به هدف خود رسیده و روی خط دشمن قرار گرفته است. معبر چهارم موفقیتی حاصل نکرده و معابر ۱ و ۲ نیز انحراف

در مجموع، لشکر کربلا موظف شده بود در عرض ۳ کیلومتر از ساحل رودخانه اروند خط را شکسته و تا بیش از ۵ کیلومتر در عمق را پاکسازی نماید. لذا بنا به وضعیت منطقه، حرکت خود را به چند مرحله تقسیم نمود و برای ۳ محور (۳ تیپ و به عبارتی ۹ گردان) خود مانور چید.

زیادی به سمت راست داشته‌اند و احتمالاً در حوالی معبر ۳ به خط زده‌اند. در جمع‌بندی مطلب فوق می‌توان گفت که عمدتاً موفقیت در محور اسکله مشاهده نشده است و یا به سختی حاصل شده است. از طرف دیگر به دلیل انحراف غواصان معابر ۱ و ۲ به سمت راست، فاصله لشکر ۲۵ و ۷ (ولی عصر (عج) همچنان شاهد حضور نیروهای دشمن می‌باشد. لشکر عاشورا در سمت راست نیز موفق به شکستن خط نشده و دشمن به تیراندازی‌های خود خصوصاً در اسکله‌ها ادامه می‌دهد.

در این میان، تنها یک خبر مبنی بر روشن شدن چراغ قوه، جهت هدایت قایق‌ها به فرماندهی رسید.

حرکت قایق سواران پاکسازی خط

با وجود وضعیت مبهم خط دشمن، قایق‌ها در هر محور و بنا به توجیه قبلی به طرف معابر خود حرکت کرده بودند. در تاریکی هوا پیدا کردن معابر بدون راهنمایی غواصان بسیار مشکل بود و غواصان نیز به هر دلیل علامتی از ساحل مخابره نمی‌کردند.^{۲۰} از طرفی، وجود آتش‌های پراکنده در خط که از سنگرهای پاکسازی نشده به روی اروند روانه می‌شد عامل ایجاد دستپاچگی و رعب در سکاندران شده بود، به نحوی که نمی‌دانستند در تاریکی شب به کدام قسمت از ساحل دشمن نزدیک شوند. مجموعه عوامل فوق موجب گردید که قایق‌ها نتوانند معابر مربوطه را بیابند. در نتیجه نیروهای قایق سوار نیز با پهلو گرفتن قایق در کنار موانع، خود را به آب انداختند و با

نیز یکی از قایق‌ها هدف آرپی جی دشمن قرار گرفت و چند نفر سوختند. که مجموعاً با ۵، ۶ شهید و ۳، ۴ زخمی وارد منطقه شده و پاکسازی را که غواصان شروع کرده بودند ادامه دادیم.»^{۱۱}

در محور دیگر فرمانده گردان یارسول، نحوه شکستن خط را چنین توصیف می‌کرد:

«ابتدا معبر ۸ و سپس معبر ۷ باز شده بود. معابر ۵ و ۶ نیروهای غواص موفق نبودند که همه با هم برسند و خللی در کارشان ایجاد شده بود، حتی بعضی از برادران برگشته بودند، لذا معبر ۵ و ۶ عمدتاً با قایق زدیم و مسئله اش حل شد. بین معابر ۶ و ۷، دو قایق ما را زیر اسکله چوبی زدند. در نهایت در شکستن خط ۵، ۶ شهید به من گزارش شد.»^{۱۲}

می‌توان گفت که نیروهای غواص آنچنان که باید مورد استفاده قرار نگرفت و تنها از نظر رعایت غافلگیری و شکستن خط دشمن و ایجاد تزلزل در جبهه دشمن برای آماده ساختن زمینه حضور نیروهای قایق سوار تا حدی موفق بودند، اما تأثیر عمده‌ای در پاکسازی موانع و باز کردن معابر جهت قایق‌ها و پهلو گرفتن آنها در ساحل نداشتند به نحوی که کلیه نیروهای قایق سوار از داخل موانع عبور کرده و با لباس‌ها و تجهیزات کاملاً خیس و گل آلود وارد خط دشمن شدند. نه تنها گردان‌های خط شکن، که اولین گردان‌های مربوط به حرکت در عمق نیز که به دنبال قایق سواران خط شکن در حرکت بودند، دچار مشکلاتی از قبیل آنچه که ذکر کردیم شدند.

البته برای سایر گردان‌های حرکت در عمق، معابر مناسبی ایجاد شد که با تعریض آن و روشن کردن چراغ قوه و علائم مخصوص قابل استفاده گردید. برادر نوبخت فرمانده گردان مالک (در محور ۱) می‌گوید:

«به محض شروع درگیری و شنیدن سر و صدای زیاد، بلافاصله حرکت کرده و رفتیم. از دور بچه‌ها می‌گفتند چراغی روشن شده و به طرف آن رفتیم. وقتی رسیدیم به ساحل دیدیم چراغ نبوده، بلکه منور است. در آنجا دیدیم

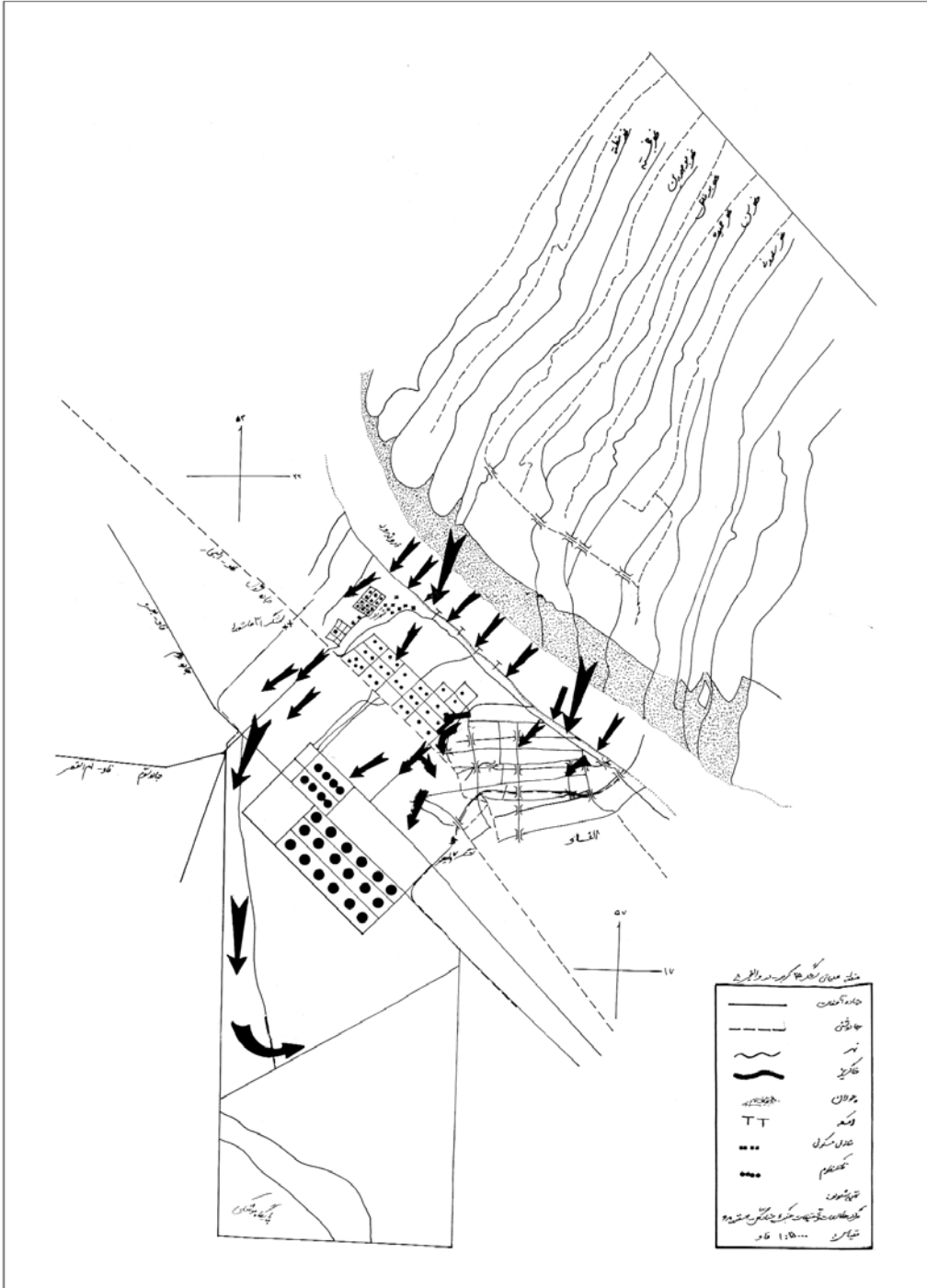
عبور از زیر و روی سیم خاردارها خود را به ساحل دشمن رساندند.

اخباری که در سنگر فرماندهی می‌رسید. حاوی جزئیات ماجرا و کیفیت دقیق عملکرد نیروها نبود و تنها به بیان کلیاتی از قبیل عبور، سقوط و... پرداخته می‌شد و این امر به دلیل لزوم رعایت اختصار در مکالمات بی‌سیم گریزناپذیر بود. برای پی بردن به آنچه که در بیرون سنگر فرماندهی رخ می‌داد باید به ذکر وقایع از زبان برخی افراد حاضر در آن صحنه پیردازیم. برادر بلباسی فرمانده گردان امام محمد باقر (ع) از محور ۱، نحوه شکستن خط را چنین بیان می‌کند:

«در مجموع، معابر ۱ و ۲ منحرف شده و در نزدیکی معابر ۳ و ۴ خط را شکسته و وارد منطقه شده بودند. ما موج دوم را تا قبل از عملیات با پارو تا نزدیکی ارونند آورده بودیم و به محض شروع درگیری دستور حرکت دادیم. ما از دو نهر خارج می‌شدیم و قرار بود هر نهر در معابر رویه روی خود وارد عمل شود. در محور نهر بوفلفل قرار بود از معابر ۳ و ۴ حوالی اسکله ۴ وارد عمل شویم و از محور نهر رفیه نیز از معابر ۱ و ۲. به محض حرکت، محور رفیه بارسیدن به ساحل متوجه شد که معبری باز نشده، و از آن جهت که خیلی سریع رسیده بودند هنوز دشمن حضور داشت. لذا تلفاتی بر آنان وارد شد. چند قایق مورد هدف آتش‌های دشمن قرار گرفت و از جمله جانشین گردان نیز در همین قایق‌ها به شهادت رسید.

در محور بوفلفل (حوالی اسکله ۴) غواص‌ها موفق بودند. کلیه قایق‌ها رفتند. چراغی روشن نبود ولی با استفاده از یک منور موفق به یافتن معبر شدند. غواصان هنوز فرصت تعریض تر کردن معبر را نیافته بودند و از طرفی قایق‌ها در پشت موانع ساحلی دشمن تجمع کرده بودند. دیدیم دیگر نباید منتظر چیزی ماند. الله اکبر گفتیم و پریدیم در آب و از داخل موانع که ابتدای آن تا سینه در آب بودیم عبور کردیم.

خودم می‌دیدم سیم خاردارها به بدن بچه‌ها گیر می‌کرد. دست‌هایشان را می‌کشیدند و می‌رفتند. گوشت بدنشان کنده می‌شد یا حداقل خراشیده و خونی می‌شد. در این محور



«به محض درگیری، ما حرکتمان را آغاز کردیم، ولی معبری در کار نبود. گردان یارسول نتوانسته بود خط را بشکند، هیچ علامتی برای ما نبود. لذا احساس می‌کنم هیچ معبری باز نبود. بچه‌های ما خودشان را با قایق به ساحل رسانده و همین جوری از روی موانع عبور کردند.^{۲۶} اولین نیروهای ما رسیدند به بغل اسکله یک (طرف اسکله چوبی) بچه‌ها با سرعت قایق را زدند به موانع (خورشیدی‌ها). از آنجا پیاده شدند و رفتند داخل بچه‌ها از همین وسط آب با دشمن درگیر شدند و با درگیری خود را به ساحل رساندند. هیچ چاره‌ای نبود، معبری باز نبود، کسی هم به کسی نبود که برای آنها علامتی بدهد. سه، چهار قایق ما روی آب زده شد و کاملاً با نیرو منهدم و مفقود شدند. جانشین خود من نیز روی آب شهید شد.»^{۲۷}

مجموعاً دقایقی پس از آغاز عملیات، با تلاش غواصان و نیروهای قایق سوار خط دشمن شکسته شد و بلافاصله نیروهای مریوط به حرکت در عمق راهی ارون شدند و با تلفاتی که در مسیر به آنها وارد آمد. از خط دشمن عبور نمودند و قسمتی از توان خود را نیز صرف کمک در پاکسازی خط کردند.

تا ساعت ۲۳:۱۵ هنوز خیرهایی مبنی بر وجود آتش‌های پراکنده در خط به فرماندهی می‌رسید اما در این ساعت برادر سرخیلی پس از مشاهده وضعیت از بام سنگر هدایت عملیات، اعلام کردند که دیگر در ساحل چیزی نیست. این خبر نشان می‌داد که برادران موفق شده‌اند ظرف یک ساعت اول، خط را کاملاً پاکسازی کرده، دو گردان خط‌شکن با هم الحاق نمایند. در این هنگام مأموریت آتش ساحلی (ثارالله) تمام شد و فرماندهی دستور قطع آتش ساحلی را به آنان ابلاغ کرد. همچنین در این زمان گردان‌های مسلم و مالک حرکت اصلی خود را آغاز و به طرف اهداف خود در حرکت و پاکسازی بودند.

در این قسمت از حرکت، چند موضوع مهم همچنان ذهن فرماندهی را به خود معطوف داشته بود، اولین مسئله عدم موفقیت لشکر عاشورا (در جناح راست لشکر) در شکستن

**بعد از ظهر روز بیستم بهمن ماه،
فرماندهی لشکر پس از اطمینان از
آماده بودن تمامی کارها،
جهت استقرار در سنگر هدایت عملیات که
از قبل در خط مقدم
و در جزیره شهید دستغیب
مشخص شده بود
حرکت کردند. در طول مسیر نیز به
چند واحد سرکشی کردند،
مجموعاً همه واحدها آماده بودند.**

قایق‌ها در آب سرگردانند، بچه‌ها از داخل قایق‌ها شروع به تیراندازی کردند خبری از معبر نبود. بسیاری از بچه‌ها شهید شده بودند. هنوز تعدادی از نیروهای گردان امام محمد باقر (ع) در آب بودند. در این محور (مربوط به معابر ۱ و ۲) یک گروهان مادر همان آب با تلفاتی که بر آن وارد شد و تعدادی کادر که از آن به شهادت رسید تقریباً از بین رفته بود. یعنی یک گروهان (محور چپ) ما در آنجا منهدم شد و به استثناء ۱۴ نفر که صبح روز بعد متوجه شدیم، مابقی در همان آب مجروح یا شهید شده‌اند. بعداً با خبر شدیم که در معبر دوم غواص‌ها توانسته بودند عمل کنند.^{۲۸} من خودم با تعداد اندکی از بچه‌ها که اکثرشان از گروه ویژه بودند از روی موانع زدیم و به هر ترتیب عبور کردیم. در ابتدای موانع به ناچار باید از قایق پایین می‌آمدیم، در همانجا تا گردن داخل آب شده و سیم خاردارها را لگردان می‌کردیم و می‌رفتیم. الحمدلله سالم رسیدیم به ساحل. ولی در محور راست ما^{۲۹}، نیروهای ما به راحتی بالا آمده بودند. آن‌طور که نقل می‌کردند، وارد آب شدند. به راحتی قایق توانست در ابتدای معبر نیرو را پیاده کند و نیرو از داخل معبر عبور کرد.»^{۳۰}

مشابه این وضعیت را برادر اکبر نژاد فرمانده گردان مسلم در محور ۲ (معابر ۵ تا ۸) بیان می‌کند:

خط دشمن بود. همچنین به دلیل انحراف غواصان معابر ۱ و ۲ به سمت راست، بین لشکر کربلا و لشکر ولی عصر (عج) در سمت چپ نیز پاکسازی صورت نگرفته است و موضوع الحاق در جناحین^{۲۸} اولین مسئله عمده در پیش روی فرماندهی بود.

موضوع دیگر که پس از انتقال اولین گردان‌های حرکت در عمق بروز نمود، کمبود قایق جهت انتقال نیروها به آن سوی اروند بود. چرا که طبق برنامه قبلی، به خاطر در اختیار نداشتن قایق به میزان کافی، سایر گردان‌های حرکت در عمق می‌بایستی منتظر بازگشت قایق‌هایی شوند که گردان‌های قبلی را انتقال داده‌اند. اما تعدادی از این قایق‌ها در جریان اولین انتقال منهدم شده، تعدادی دچار اشکالات فنی گردیده و تعدادی نیز بر اثر ترس و وحشت سکانداران در آن طرف رودخانه باقی مانده بود. برخی از سکانداران نیز به دنبال نهر خود در پهنه اروند سرگردان بودند. تا جایی که در ساعت ۱۰:۲۳ یعنی یک ساعت پس از آغاز حرکت قایق‌ها، از محور ۱ اطلاع رسید که هنوز قایقی برای بردن نیرو به عقب برنگشته است و در ساعت ۲۵:۲۳ خبر رسیدن تعداد بسیار کمی از قایق‌ها را اعلام می‌کنند. لذا کلیه تلاش مسئولان لشکر به پیگیری موضوع فوق منحصراً شد. در همین حال، گردان‌های مسلم و مالک به طرف اهداف خود در عمق در حال پیشروی بودند و بدون هیچ اشکالی به پاکسازی ادامه می‌دادند.

ابتدا برادر مرتضی در ساعت ۱۵ دقیقه بامداد (۱۳۶۴/۱۷۲۱) با قرارگاه تماس گرفت و مشکلات خود مبنی بر عدم الحاق در خط (جناحین) و کمبود قایق را مطرح کرد و طی همین تماس آماده بودن شرایط عمل برای لشکر ۱۷ علی بن ابی طالب (ع) را نیز اعلام کرد و گفتند: «راه باز است، هر چه زودتر لشکر ۱۷ را وارد کنید مانور را انجام دهد.»

بلافاصله در ساعت ۳۵ دقیقه بامداد از طرف قرارگاه جواب داده شد که جهت انتقال نیرو و بالشکر ۲۷ حضرت رسول (ص) هماهنگی لازم به عمل آمد و در صورت پیگیری فرماندهی، می‌توانید از قایق‌های آنها استفاده کنید. برادر مرتضی نیز فوراً

برادر کمیل را جهت پیگیری این امر توجیه و روانه نمود. علاوه بر وی، مسئول اطلاعات و مسئول ستاد لشکر نیز جهت پیگیری این امور مربوط به انتقال در لشکر، روانه شدند. در مجموع با رسیدن تعداد محدودی از قایق‌های لشکر، گردان امام حسین (ع) تا قبل از ساعت ۲ بامداد و گردان حمزه تا قبل از ساعت ۳ منتقل شد و سپس به ترتیب از ساعت ۴ صبح انتقال گردان‌های محور سوم آغاز گردید که تا روز ادامه یافت و همگی وارد منطقه مربوط به خود شدند.

به موازات این حرکت، دو گردان لشکر در دو جناح، تلاش خود را جهت برقراری الحاق و اتمام پاکسازی در خط ادامه می‌دادند و به همین جهت دچار کمبود نیرو و مهمات شده بودند. هر چه از عملیات می‌گذشت، موضوع الحاق مهم‌تر می‌شد. خصوصاً آنکه حرکت در عمق نیز بدون الحاق در حال انجام بود.

برادر مرتضی قربانی ضمن تماس‌هایی با قرارگاه و یگان‌های مجاور جهت هماهنگی و الحاق، از محور دوم خود خواست که از گردان حمزه جهت برقراری ارتباط با لشکر عاشورا استفاده نماید. همچنین از محور ۱ خواست که گروهان ویژه خود را به کمک گردان امام محمد باقر (ع) بفرستند. در ساعت ۱۰:۳۰ شخصاً با برادر مکتبی (فرمانده گردان حمزه) که مأموریت در عمق را داشت تماس گرفته و تأکید کردند که: «یک گروهان خودت را جهت الحاق با جناح راست در خط، در اختیار گردان یار رسول بگذار و بادو گروهان اهداف را تأمین کن.»

از طرف دیگر، یک گروهان از گردان مسلم نیز که با گردان خود تماس نداشت، با راهنمایی برادر عمرانی توسط گردان یار رسول به کار گرفته شده بود و پاکسازی را به طرف راست ادامه می‌دادند. در مجموع فرماندهی با تقویت گردان‌های در خط تلاش خود را انجام داد اما الحاق حاصل نمی‌شد و چاره دیگری هم نبود.

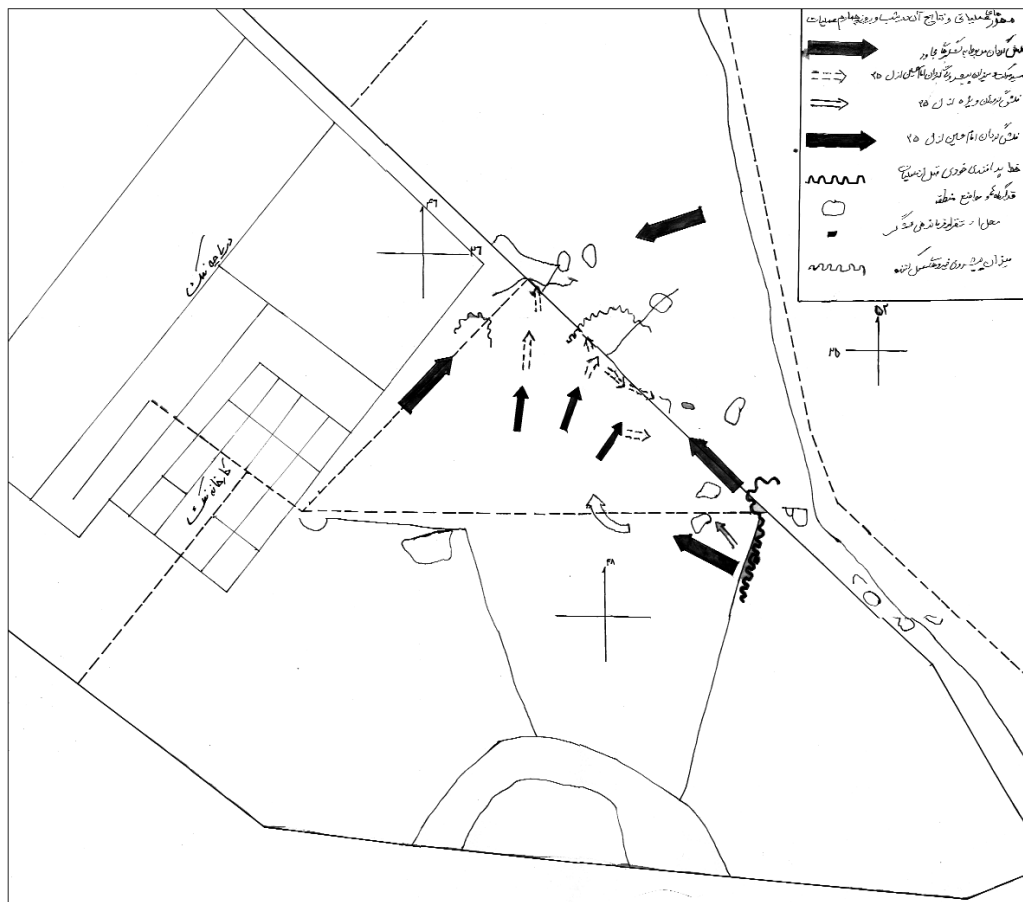
فرمانده گردان یار رسول درباره موضوع الحاق لشکر در جناح راست با لشکر عاشورا چنین می‌گوید:

حضور داشت^{۹۹} و از لشکر عاشورا خبری نبود. ما هم به زمین آشنا نبودیم، به داخل نخلستان‌ها رسیدیم، باز هم ادامه دادیم تا اینکه در ساعت ۳ بامداد حساب کردیم یک کیلومتر و نیم بیش از حد راست خودمان پاکسازی و پیشروی کردیم. در آن نقطه دیگر در حد ۲ دسته بیشتر بر ایمان توان باقی نمانده بود. از جهت دیگر زمین برای ما گنگ بود و احساس خطر کردیم لذا از برادران خواستیم با ایجاد خطی تأمینی جناح راست را در همان نقطه تشکیل دهند و مستقر شدیم.^{۱۰۰}

در باره الحاق در جناح چپ بالشکر ولی عصر (عج) نیز برادر بلباسی چنین توضیح می‌دهد:

«در جناح چپ، از یک طرف ۲ معبر ما در سمت چپ (معبر ۱ و ۲) موفق نبود و از یک طرف لشکر ولی عصر (عج) هم نیامده بود. ناگزیر یک کیلومتر و نیم از سمت راست به طرف چپ پاکسازی کردیم. الحاق در آن شب مقداری مشکل شده

«ما خط را کاملاً ظرف یک ساعت پاکسازی کردیم. حتی قسمتی از نیروها تا ۵۰۰ متر به عمق رفته و پاکسازی کردند. بعد از پاکسازی دیدیم لشکر عاشورا نیامده است. رفتیم به طرف راست ولی دیگر نیرو هم نداشتیم. نیرو پخش شده بود در سرتاسر خط، با وجود این به مادستور داده شده که باز هم به راست برویم. من هیچ سر و صدای تیری از آن طرف نمی‌شنیدم. احساس کردم که آنها (لشکر عاشورا) نیامده‌اند. وقتی به من تأکید شد که برای پاکسازی باید بیشتر به طرف راست برویم در جواب گفتم که یکی دو گروهان نیاز دارم. بلافاصله یک گروهان برای من فرستاده شد که از گردان مسلم بودند. دو مین گروهان نیز از گردان حمزه در اختیار ما قرار گرفت. ما هم با گذاشتن کادر خودمان، سازماندهی کردیم و در مجموع ۳ فلش تشکیل دادیم و هر فلش با استعداد ۲ دسته به طرف راست حرکت کردیم. هر چه می‌رفتیم باز هم دشمن



**تحرک و شلوغی عجیبی در منطقه،
خصوصاً جاده عرضی، حاکم بود. احتمالاً
همه می دانستند که امشب عملیات است.
التهاب و خوشحالی ناشی از آن در
چهره‌ها نمایان و مشخص بود. با اینکه
پیش بینی می کردند با شروع عملیات
شاید تا چندین شب فرصت استراحت
پیدا نکنند، لیکن شدیداً تلاش می کردند.**

بود، دچار کمبود نیرو شده بودیم. یک کالیبر هم بین ما مانده بود. خیلی تلاش کردیم اما موفق به الحاق نشدیم.»^{۵۱}
در مجموع طی یک ساعت اول، کلیه خط مقدم دشمن در حد واگذار شده به لشکر، کاملاً پاکسازی شد و سپس عمده تلاش صرف الحاق با جناحین گردید که این تلاش تا صبح، همچنان ادامه یافت.

پاکسازی و حرکت در عمق

پس از ذکر نحوه حضور گردان‌های مالک و مسلم در منطقه دشمن، و بیان مشکلات به وجود آمده در طی این مرحله از کار، به شرح عملیات این دو گردان در منطقه مأموریتشان می پردازیم.

گردان مالک: پاکسازی در شهر

در محور ۱ (سمت چپ)، بلافاصله پس از آغاز عملیات نیروهای گردان مالک که سوار بر قایق و آماده بودند، حرکت خود را با مشکلات بسیاری که ذکر شد آغاز کردند و به هر ترتیب خود را به خط رساندند. گردان پس از سازماندهی مجدد به دلیل از هم پاشیدگی موقت و پراکندگی ناشی از عبور، حرکت خود را به طرف عمق آغاز نمود. برادر نوبخت فرمانده گردان مالک نحوه اجرای مأموریت خود را چنین بیان می کند:

« ما ۳۰ درصد توانمان را از دست داده بودیم، دو گروهان باقی مانده را پس از انتقال یک سازماندهی مجدد در همان

خط کردیم. سپس از حدود ساعت ۳۰ دقیقه بامداد تا حرکت به عمق و پاکسازی شهر را شروع کردیم. پاکسازی خیلی سریع انجام می شد. گروهان ۲، مأموریتش را خوب انجام داد، یعنی با دو دسته پیشانی شهر را پاکسازی کرده و جلورفته بود و.... اما در خط نتوانستیم با گردان مسلم الحاق کنیم. از طرفی هم دیر شده بود. لذا توان و زمان زیادی صرف نکردیم و حرکت به عمق را ترجیح دادیم.

در سمت راست، گروهان سوم با پاکسازی قسمتی از تانک فارم‌ها در کنار شهر، خود را سریع به جاده البحار رسانید. در این محور تا انتهای تانک فارم‌ها (جاده) رفته بودیم، درست در جایی که باید با گردان مسلم الحاق کنیم ولی گردان مسلم نیامده بود.

از طرف دیگر با لشکر ولی عصر (عج) هم الحاق صورت نگرفته بود. هنوز دشمن میان ما و در شهر حضور داشت. پاکسازی کامل انجام نشده بود در تاریکی شب، بچه‌ها متوجه وجود یک مقر تیپ در جناح چپمان نشدند. لذا دشمن حضور داشت و در حالی که محاصره شده بود، مقاومت می کرد. اضافه بر آن یک مقر گردان هم در کنار جاده البحار (بالای شهر) وجود داشت که آن را محاصره کردیم و پاکسازی اش به صبح موکول شد.^{۵۲}

این گردان موفق نشده بود تا ساعت ۳ بامداد در جناح راست شهر، خود را به جاده البحار برساند و از پیشانی، قسمت عمده شهر را پاکسازی کند و باقیمانده دشمن را در محاصره خود قرار دهد. در این مدت الحاق با گردان مسلم و لشکر ولی عصر (عج) صورت نگرفته بود و طبیعتاً دشمن در این نقاط پاکسازی نشده بود. با چنین وضعیتی، فرماندهی لشکر، الحاق بین گردان‌های خود را ترجیح داد و سپس از این گردان خواست تا بیشترین تلاش خود را صرف انجام الحاق با گردان مسلم نماید.»^{۵۳}

گردان مسلم: تأسیسات نفتی و تانک فارم‌ها

گردان مسلم در محور ۲ (سمت راست) بلافاصله پس از ورود به منطقه، حرکت به عمق و پاکسازی تانک فارم‌ها و شهرک را

موضوع الحاق با جناحین خصوصاً در جناح راست، از مشکلات عمده محسوب می شد، مضافاً اینکه الحاق گردان مسلم و مالک نیز صورت نگرفته بود، اما در مجموع، تلاش عمده فرماندهی لشکر بیشتر متوجه الحاق بین گردان های خود بود و الحاق با جناحین در اولویت بعدی قرار داشت.

ادامه حرکت در عمق تکمیل اهداف تاجاده فاو - بصره

در پشت سر دو گردان فوق، گردان های حمزه و امام حسین (ع) قرار داشتند. این دو گردان بنا به دلیلی که ذکر شد با فاصله زمانی بیشتر از آنچه که تصور می رفت منتقل شدند و بلافاصله پس از انتقال، خود را به جاده البحار رسانده و از همان جا شروع به پاکسازی کردند.

گردان امام حسین (ع)، با عبور از گردان مالک در محور جاده سمت راست شهر، خود را به جاده البحار رساند و از آن پس پاکسازی را شروع نمود. برادر رحیمیان در این باره می گوید: «پس از سازماندهی و منظم کردن نیرو از ساعت ۱:۳۰

حرکت را آغاز کردیم و از طریق جاده سمت راست شهر، در ساعت ۲ به جاده فاو - البحار رسیدیم. نیروها را پشت جاده آرایش دادیم. گروهان ۱ از سمت چپ حرکت کرد تا برای پاکسازی شهرک بالای جاده و قسمتی از تانک فارم ها اقدام کند گروهان ۲ با دو دسته در محور جاده عمودی، مستقیماً حرکت به طرف تانک فارم ها را آغاز کرد و پاکسازی نمود. یک دسته دیگر از این گروهان به اضافه یک تیم دیگر در محور جاده فاو - البحار جهت کمک به گردان مالک برای الحاق با گردان مسلم به کار گرفته شد. گروهان سوم هم در سمت جاده عمودی حرکت کرد و پاکسازی آن منطقه را انجام داد.»^{۵۷}

در جناح راست این گردان مسئله چندانی وجود نداشت، چرا که تانک فارم ها به راحتی پاکسازی شد و به دنبال آن در ساعت ۴:۳۰ با گردان حمزه الحاق صورت گرفت. اما آنچه که حائز اهمیت و مورد پیگیری فرماندهی لشکر بود، حرکت این گردان به سمت چپ جهت الحاق با یکی از گردان های لشکر ولی عصر (عج) بود که می بایست در محور جاده فاو - بصره

آغاز نمود و خیلی سریع، موفق شد که خود را به جاده البحار برساند. در ساعت ۰۱:۳۰ با مامداد فرمانده این گردان به فرماندهی لشکر اعلام نمود که همه اهداف مربوط به خود را گرفته و آماده راهنمایی و یا کمک به سایر گردان ها از جمله گردان حمزه می باشد.

حرکت این گردان به قدری از سرعت برخوردار بود که دائماً به وسیله بی سیم اعلام می کردند که آتش خودی روی سرشان اجرا می شود و لازم است که کمی آن را بلندتر اجرا کنند. هنوز زمانی از بلند کردن آتش نمی گذشت^{۵۸} که بار دیگر درخواست خود را تکرار می نمودند، برادر اکبرنژاد جزئیات حرکت این گردان را چنین نقل می کند:

« پس از انتقال به ساحل دشمن، یک ربع در خط درگیر بودیم. سپس سازماندهی کردیم و حرکت به طرف عمق آغاز شد. با تلفاتی که داشتیم و نیروهایی که گم شده بودند،^{۵۹} مجموعاً ۱۰۰ نفر مانده بود و ما مأموریتمان را در ساعت ۲۳ شروع کردیم. پس از خط اول در ۳۰۰، ۴۰۰ متری آن با خط دوم دشمن مواجه شدیم که نیروهای خط اول به آنجا فرار کرده بودند و حتی تعدادی تانک در آن بود. برادران محکم به این خط زدند و تانک ها زده شد، دشمن منهدم شد و تعدادی از آنها هم فرار کردند. به هر حال توانستیم تا قبل از ساعت ۱ با مامداد به روی جاده فاو - البحار برسیم و تأمین سه راهی آن را هم برقرار کنیم. دشمن در تانک فارم ها نیروی قابل توجهی نداشت، ولی سمت چپ تانک فارم ها (در حاشیه جاده فاو - البحار) مقرر بود که درگیر آن شدیم. تنها در شهرک، دشمن، حضور فعالی داشت و بعضاً در ساختمان ها مقاومت مشاهده می شد ولی در مجموع مشکلی ایجاد نکرد. با فرستادن دو دسته کمک به داخل شهرک تا ساعت ۱ پاکسازی آن به اتمام رسید. با رسیدن به جاده البحار به نیرو گفتیم بایستد و پدافند کند تا نیروهای بعدی از ما عبور کنند. همان شب ۶ گردان از لشکرهای دیگر آمداز ما عبور کرد که همه را راهنمایی کردیم.»^{۶۰}

تا ساعت ۳ با مامداد که لشکر به جاده البحار رسیده بود،

صورت پذیرد. در این باره برادر رحیمیان چنین ادامه می دهد: «پس از پاکسازی محور وسط، گروهان ۲ را فراخواندیم و آن تیمی را که از این گروهان به جاده فاو - البحار رفته بود نیز فراخواندیم برای حرکت در جناح چپ و تصرف رازیت و الحاق بال لشکر ولی عصر (عج)».^{۵۸}

به موازات حرکت گردان امام حسین (ع)، گردان حمزه نیز وارد عمل گردید. با اینکه این گردان دیرتر وارد عمل شد و بخشی از توان خود را در خط به کار گرفته بود،^{۵۹} موفق شد مأموریت خود را انجام دهد و با گردان امام حسین (ع) الحاق حاصل کند. فرمانده این گردان نحوه عمل گردان خود را چنین توصیف می کند:

«ساعت حدود ۳ بود که کم کم (با پراکندگی) به ساحل دشمن منتقل شدیم و پس از سازماندهی و منظم کردن نیروها، حرکت در عمق را آغاز کردیم. مسیر ما کاملاً پاکسازی شده بود. برادر اکبرنژاد فرمانده گردان مسلم، ما را راهنمایی می کرد. یک گروهان مادر در خط به کار گرفته شد و درگیر بود. مجموعاً با دو گروهان و یک دسته ویژه که داشتیم، در کمتر از یک ساعت مأموریتمان را انجام دادیم. در ساعت ۴ صبح به جاده فاو - بصره رسیدیم و سه راهی ام القصر را نیز تأمین نمودیم. حد فاصل جاده فاو - البحار و فاو - بصره دشمن نیروی ضعیفی داشت و بچه ها با پاکسازی و درگیری پیشروی می کردند. الحاق بال لشکر عاشورا انجام نشده بود ولی با گردان امام حسین (ع) الحاق صورت گرفته بود. ما بلافاصله یک خط پدافندی در پشت خاکریزهای سمت راست جاده عمودی تشکیل دادیم و گردان هایی را که به عمق

شهر فاو تا اندازه ای توسط گردان مالک

پاکسازی شده بود،

فقط چند قرارگاه و فرماندهی دشمن

در حد تیپ و گردان

باقی مانده بود که پاکسازی و

درگیری با آنها همچنان ادامه داشت.

می رفتند هدایت می کردیم».^{۶۰}

در مجموع، لشکر کربلا در ادامه حرکت خود تا قبل از ساعت ۶ صبح به طور کامل روی جاده فاو - بصره استقرار یافته بود. اما الحاق در جناحین هنوز صورت نگرفته بود. در منطقه لشکر، به خصوص در داخل شهر نیز، چند مقر از دشمن همچنان باقیمانده و مقاومت می کرد که کار پاکسازی آنها نیز به روز کشیده شد.

ادامه عملیات در روز (روز اول عملیات)

گردان امام حسین (ع) پس از فراخوانی گروهان و تیم مربوط به آن، از محور وسط و جاده فاو - البحار، تلاش اصلی خود را به طرف چپ و برای الحاق بال لشکر ولی عصر (عج) به کار گرفت. اما پیشروی به سمت چپ به دلیل مقاومت دشمن، کند شد و به روز کشید.

حدود ساعت ۶:۳۰ تا ۷ صبح پاکسازی منطقه رازیت به پایان رسید لیکن درگیری به شدت ادامه داشت. نیروهای این گردان از پشت و پهلو به گروه کثیری از نیروهای دشمن فشار وارد می آوردند که این گروه در مقابل نیروهای لشکر ولی عصر (عج) و لشکر ثارالله سرسختانه مقاومت به خرج می داد، همین فشار مؤثر، باعث شده بود که گردان مذکور از طرفین زیر آتش قرار بگیرد و نهایتاً در ساعت ۷ صبح، گردان اعلام کرد که به ابتدای ضلع شرقی مستطیلی رسیده است ولی همچنان الحاق بال لشکر ولی عصر (عج) صورت نگرفته است. فرماندهی لشکر با شنیدن این خبر از آنان خواست که اولویت را به الحاق بال لشکر ولی عصر (عج) بدهند و پس از انجام آن، حرکت روی ضلع شرقی مستطیلی برای رسیدن به نقطه الحاق با محور سوم را ادامه دهند.

عملکرد محور سوم در مستطیلی

انتقال نیروهای محور سوم به غرب ارونند، به دلیل مشکلاتی که برای قایق ها به وجود آمده بود. به کندی صورت گرفت و از ساعت ۳ بامداد تا ۹ صبح به طول انجامید.

در ابتدا گردان روح الله وارد عمل شد و ضمن کمک به گردان حمزه در تأمین سه راهی، پاکسازی ضلع غربی

عموماً غواصان در محورهای مختلف از بعد از ظهر با پوشیدن لباس خود و خوردن غذایی به طور سرپایی، آماده شده بودند و با نزدیکی غروب آفتاب راهی خط مقدم شدند به نحوی که تا قبل از ساعت ۱۹ همگی به خط مقدم رسیدند. نماز مغرب و عشاء غواصان در خط مقدم برگزار شد و پس از آن حرکت به طرف رودخانه ارونند آغاز گردید.

گشتند.

موضوع مهم، الحاق با جناحین بود. در محور راست پس از تلاش فراوان و حرکت به داخل محدوده لشکر عاشورا بالاخره در ساعت ۸ صبح برادران اعلام کردند که بخشی از نیروهای لشکر عاشورا را دیده‌اند و الحاق نسبی صورت گرفته است. آن لشکر تا جاده البحار بیشتر جلو نیامده بود. در جناح چپ به رغم پیشروی بیش از حد گردان‌ها، هنوز الحاق با لشکر ولی عصر (عج) صورت نگرفته است.

در مجموع، لشکر به ۸۰٪ اهداف خود رسیده بود. در جناح راست تا جاده فاو - البحار پیش آمده و با لشکر عاشورا الحاق و سپس به طرف راست، خط تشکیل داده بود. از حرکت لشکرهای دیگر در جناح راست خبری در دست نبود و فرماندهی چندان به آن اهمیت نمی‌داد. با وجود این مشاهده می‌شد که دشمن در محور جاده ام‌القصر و فاو - بصره حضور دارد و از آن جهت که برادران با سرعت به اهداف خود رسیده بودند، دشمن نمی‌توانست تصور صحیحی از وضعیت حضور نیروهای ما داشته باشد لذا ایفاهای حامل تدارکات یا پر از نیرو، بدون اطلاع از حضور نیروهای خودی از طریق جاده‌های بصره و ام‌القصر به طرف فاو حرکت می‌کردند و بدون هیچ مشکلی در دام نیروهای خودی افتاده و منهدم می‌شدند و به همین جهت انهدام خوبی از دشمن در این دو

مستطیلی را آغاز نمود. این حرکت بلافاصله با رسیدن به گردان پدالله تقویت شد و لشکر کربلا تا تقاطع خاکریز مورب خود را به جلو کشید. با رسیدن گردان سیف‌الله که مأموریت انهدام پایگاه موشکی را داشت، هوا روشن شده بود. ضعف اعتقاد درباره ادامه عملیات در روشنی هوا از یک طرف، و کم اهمیت جلوه کردن این محور (پایگاه موشکی) در ذهن فرماندهی، باعث شد تا گردان سیف‌الله به دستور برادر مرتضی بدون درگیری پشت خاکریز مورب مستقر شود، در حالی که هنوز با سمت چپ خود الحاق ندارد.^{۶۱}

جمع‌بندی عملیات لشکر تا ساعت ۹ صبح و آخرین وضعیت لشکر کربلا موفق شد ظرف یک ساعت با استفاده از دو گردان خط ساحلی دشمن را شکسته و پاکسازی نماید. در این زمینه، آتش ساحل به ساحل که تحت عنوان «نارالله از آن یاد می‌شد تأثیر بسزایی در سرعت بخشیدن به امر پاکسازی داشت. البته الحاق با جناحین در خط، تا صبح به طول انجامید. روی هم رفته در مدت زمان شکستن خط و پاکسازی آن، تلفات زیادی متوجه نیروهای لشکر نگردید و تعداد شهدا در مجموع شاید به ۲۵ نفر بالغ می‌شد که نصف این تعداد مجروحین بودند.

شهر فاو تا اندازه‌ای توسط گردان مالک پاکسازی شده بود، فقط چند قرارگاه و فرماندهی دشمن در حد تیب و گردان باقی مانده بود که پاکسازی و درگیری با آنها همچنان ادامه داشت. به موازات آن گردان مسلم نیز تانک‌فارم‌ها و شهرک را کاملاً پاکسازی کرده و در حاشیه جاده فاو - البحار مستقر شده بود و همچنان یک مقر گردان در روی این جاده مانع از الحاق دو گردان فوق بود.

گردان‌های امام حسین (ع) و حمزه با وجود تاخیر در انتقالشان، موفق شدند عملیات خود را کاملاً انجام داده و به اهدافشان برسند.

انتقال نیروهای محور سوم لشکر با توجه به مشکل کمبود قایق، تا این ساعت به طول انجامید و حرکت این محور به روز کشیده شد و در خاکریز مورب، وسط مستطیلی متوقف

محور صورت گرفت.

در محور چپ، الحاق بال لشکر ولی عصر (عج) در طول خط صورت گرفته بود اما الحاق اصلی که در دو جاده فاو - بصره و فاو - البحار مورد نظر بود، همچنان باقی مانده بود. تعداد تلفات بر طبق آمار تقریبی که توسط فرمانده گردان ها ارائه می شود تا صبح امروز حدود ۷۰ شهید و ۱۷۰ مجروح گزارش شده است.^{۶۲}

ادامه پاکسازی و اقدامات لشکر در روز اول

وضعیت فوق تقریباً مورد رضایت فرماندهی قرار داشت لذا با توجه به این وضعیت در ساعت ۹:۳۰ خود وارد منطقه عملیاتی شد. درگیری ها همچنان ادامه داشت و برادران برای تکمیل اهداف و تحکیم مواضع به دست آورده جنگ را ادامه می دادند. در فاصله بین گردان مسلم و مالک روی جاده فاو - البحار، یک یا دو ساختمان که احتمال می رفت پاسگاه فرماندهی باشد، به شدت مقاومت می کرد.

نیروهای محور ۲ در جناح راست خود روی جاده سمت راست فاو و توسط محور سوم روی ضلع غربی مستطیلی تا نزدیکی پایگاه مستقر شده بودند.

تانک هایی از دشمن به غنیمت گرفته شده بود و به طور پراکنده و نامنظم در خطوط پدافندی و درگیری مورد استفاده قرار می گرفت.

اوضاع دشمن در محورهای جاده فاو - بصره و حد فاصل آن تا جاده فاو - البحار بسیار بد، و از هم پاشیده بود و به دلیل عدم اطلاع از کیفیت حضور نیروهای ما، به راحتی در تحرکات خود ضربه پذیر بودند و صحنه ورود ایفاهای دشمن به کمینگاه نیروهای خودی، بارها و بارها تکرار می شد و موجب بالا رفتن روحیه نیروهای خودی گردیده بود.

برادر مرتضی با مشاهده در هم پاشیدگی و ضعف دشمن از گردان های مسلم و حمزه خواست که با نیروی اندکی پیشروی را به طرف جلو (جناح راست لشکر) ادامه دهند تا لشکر عاشورا بتواند جلوتر بیاید و در مجموع برادر مرتضی

سه موضوع را در مقابل داشت که عبارت بودند از:

۱ - تکمیل و پاکسازی انتهای مستطیلی و تصرف پایگاه موشکی.

۲ - تلاش جهت پاکسازی مقرهای دشمن و الحاق بال لشکر ولی عصر (عج).

۳ - ادامه حرکت در جناح راست با کمک سایر لشکرها و رسیدن به کارخانه نمک.

فرماندهی در باره دو بند اول خطری احساس نمی کرد و حل مشکلات مربوط به آن را به عهده گردان های عمل کننده در آن محورها سپرد، ولی آنچه که مورد تأکید وی بود و قرارگاه مرکزی خاتم نیز بدان اهمیت می داد، ادامه حرکت در جناح راست برای رسیدن به کارخانه نمک بود. گرچه مأموریت این اقدام، در بحث های قبل از عملیات، از این یگان سلب شده بود ولی با توجه به وضعیت منطقه و توان لشکر، و اهمیت این نقطه استراتژیک، برادر مرتضی بر آن شد که داوطلبانه حرکاتی را در جناح راست داشته باشد. به همین جهت برادر مرتضی سنگری در ابتدای ضلع غربی مستطیلی انتخاب نمود و در آن مستقر شد.

از طرفی گردان های مسلم، مالک و امام حسین (ع) پیگیری و تلاش خود را جهت تصرف قرارگاه های دشمن و از میان برداشتن موانع الحاق ادامه می دادند. یک مقر فرماندهی گردان (ارکان) و یک مقر که احتمالاً ساختمان اداره توجیه سیاسی تیپ ۱۱۱ بود، در حد فاصل گردان های مسلم و مالک روی جاده فاو - البحار وجود داشت. و قرارگاه فرماندهی تیپ ۱۱۱ نیز در محور جاده فاو - البحار مانع از الحاق بال لشکر ولی عصر (عج) گردیده بود. گر چه این قرارگاه کاملاً در محدوده عملیاتی لشکر ولی عصر (عج) قرار داشت لیکن از آنجا که لشکر ولی عصر (عج) در پیشروی خود دچار کندی و مشکلات شده بود برادر مرتضی از گردان امام حسین خواست تا پیشروی را بیشتر از حد مأموریت خود انجام دهد. گردان امام حسین (ع) عمدتاً درگیر این قرارگاه بود و بخشی از گردان مالک نیز به آن کمک می کرد. برادر رحیمیان فرمانده

می کردیم ولی مؤثر واقع نمی شد، بالاخره با ۱۰۶ زدییم و نهایتاً در ساعت ۵ بعد از ظهر سقوط کرد. حدود ۶۰، ۷۰ نفرشان کشته شدند و تعدادی هم اسیر گرفتیم.^{۶۵}

به موازات این حرکت، تمام تلاش گردان مالک صرف پاکسازی و تکمیل تسلط بر روی شهر می شد. این گردان در طول شب تنها در جناح راست خود (سمت راست شهر) که همان محور پارک بود موفق بر پاکسازی و پیشروی شد و تا جاده البحار رسیده بود. اما بنا به دلایلی که در قسمت های گذشته آمد. نیروهای این گردان موفق به پاکسازی سمت چپ شهر نشدند و در نتیجه قسمت میانی شهر و امر الحاق با لشکر ولی عصر (عج) باقی مانده بود.

باروشن شدن هوا، تمام تلاش فرماندهی این گردان متوجه تکمیل اهداف خود و پاکسازی شهر بود. روی این جهت می بایست در ابتدای امر به جمع آوری مجدد نیروها و سازماندهی مناسب آنها اقدام نماید. برادر نویخت به این منظور به خط ساحلی برگشت و از آن جهت که در طول شب از گروهان دوم خود بی خبر بود، به دنبال آنان می گشت و در نتیجه مشاهده اجساد کادر این گروهان در خط و ... متوجه شد که این گروهان به هیچ وجه حرکتی در پاکسازی شهر نداشته است. لذا با جمع آوری باقیمانده این گروهان که ۱۶ نفر بودند و تقویت آنان با ۱۰ نفر باقیمانده از دسته ای دیگر از گروهان یکم که پس از مأموریتشان بیکار بودند، حرکت برای پاکسازی کامل شهر را آغاز کرد.

محور این حرکت در حاشیه نهر ۱۱ (جناح چپ و سمت چپ شهر) به طرف جاده البحار بود و از آن طرف نیز از نیروهای مستقر در جاده البحار خواستند که به طرف آنان از بالای شهر، حرکتی داشته باشند و به تعبیر فرماندهی چکش را به سندان بزنند.

پاکسازی شهر در روز ادامه یافت و این عمل با ورود به تک تک ساختمان ها و عموماً کشتن عراقی ها صورت می پذیرفت و خانه به خانه پیشروی می کردند. برادران به دلیل کمبود نیرو قادر به گذاشتن نفرات تأمین در مناطق

گردان امام حسین درباره نحوه پاکسازی مقر چنین می گوید: «ابتدا از برادر مرتضی درخواست یک تفنگ ۱۰۶ کردیم. با رسیدن ۱۰۶، پدافند هوایی دشمن را زدیم.^{۶۶} بعد از خاموش شدن ضد هوایی، یک هماهنگی با فرمانده گردان لشکر ولی عصر (عج) انجام دادیم و با اینکه مأموریت مادر اینجانب بود ولی سرگرم این محور شدیم چون جلوی تردهای ما را هم گرفته بود. از آنها خواستیم فشار بیاورند. از این طرف تانک آوردیم و ساختمان ها را با تانک و ۱۰۶ زدیم. نیروهای دشمن از این ساختمان به آن ساختمان می رفتند. طی هماهنگی با لشکر ولی عصر (عج)، قرار بود ما از پشت و آنها از جلو به دشمن بزنیم. در همین موقع لشکر ثارالله هم از راه رسید و از بغل به دشمن زد. نهایتاً با همکاری خوبی که صورت گرفت به رغم مقاومت شدید دشمن، پایگاه سقوط کرد و تلفات زیادی هم بر آنها وارد شد. حدود ۶۰ تا ۷۰ نفر را فقط گردان ما اسیر گرفت و پس از آن الحاق برقرار شد و با تحویل دادن منطقه، برگشتیم.»^{۶۷}

مشابه این هماهنگی و حرکت بین گردان مسلم و بخشی از نیروهای گردان مالک صورت می گیرد و با تلاش زیاد و به کارگیری سلاح ۱۰۶ موفق به سقوط مقر گردان ارکان و مرکز توجیه سیاسی تیپ ۱۱۱ در حاشیه جاده فاو - البحار می شوند. در این باره برادر اکبر نژاد توضیح می دهد:

«سمت راست جاده البحار یک مقر فرماندهی تیپ وجود داشت (مقر توجیه سیاسی تیپ ۱۱۱)، تقریباً به اندازه یک پادگان کوچک بود. حدود ۱۱۰ تا ۱۲۰ بیست نفر نیرو در آن بود. همین مانع الحاق ما شده بود. البته علاوه بر این، یک مقر گردان (ارکان) نیز بین ما و گردان مالک وجود داشت. صبح رفتیم، عراقی ها دو قبضه پدافند ۱۴/۵ داشتند که برادران با آرپی جی زدند ولی باز مقاومت می کردند. از برادر مرتضی ۱۰۶ خواستیم. قبل از رسیدن ۱۰۶ موفق شدیم مقر گردان را تصرف کنیم ولی مقر توجیه سیاسی تیپ همچنان مقاومت می کرد. تا اینکه بعد از ظهر ۱۰۶ رسید. حدود ۱۰، ۱۲ تیر شلیک کرد. البته قبل از آن با خمپاره ۶۰ و نارنجک تفنگی کار

پاکسازی شده نبودند لذا بسیار اتفاق می افتاد که پس از پاکسازی آن، مجدداً عراقی های باقیمانده در شهر که عمدتاً از منطقه لشکر ولی عصر (عج) گریخته بودند وارد ساختمان ها می شدند و شهر را آلوده می کردند. برادر نوبخت در این مورد اظهار می داشت که گاه یک نقطه را تا سه بار پاکسازی می کردیم.

به هر ترتیب گردان مالک موفق شد در محور چپ شهر، پاکسازی را انجام دهد و خود را به جاده البحار برساند و سپس دشمن باقیمانده در میانه شهر را پاکسازی نماید. اما پاکسازی شهر، بدون الحاق با لشکر ولی عصر (عج) عملاً تکمیل نمی شد روی این جهت تلاش عمده این گردان برای الحاق با لشکر ولی عصر (عج) بود.

در این زمینه، برادر نوبخت که توسط برادر کسائیان (فرمانده محور ۱) همراهی می شد تلاش بسیاری به خرج داد و با پیگیری بیشتر متوجه شدند که لشکر ولی عصر (عج) به نقطه مقرر نرسیده و در نهر هشتم متوقف شده است. با مشاهده این وضعیت، برادران مذکور راساً اقدام کرده و نیروهای لشکر

یکی از محورهای حرکت غواصان

درست در امتداد محل حضور

فرماندهی لشکر قرار داشت. لذا

برادر مرتضی در ساعت ۱۸:۲۵ با

مشاهده تعدادی از غواصان که

آماده حرکت بودند به همراهی آنان

پرداخت و تا نیمه راه، در چولان های

ساحلی آنان را همراهی نموده پس

از خدا حافظی با تک تک آنان به

سنگر خود باز گشت.

ولی عصر (عج) را تا نهر ۱۱ که تقریباً پاکسازی شده بود، هدایت و مستقر کردند. با استقرار این نیرو که تا بعد از ظهر به طول انجامید کار الحاق عملاً به پایان رسید و شهر تحت کنترل نیروهای خودی درآمد.

حرکت جدید، پیشروی در امتداد جاده بصره

به موازات حرکت گردان های محور ۱ در طول روز، ذهن فرماندهی عمدتاً متوجه جناح راست عملیات لشکر بود، برای این منظور، از گردان های مسلم و حمزه قبل از ظهر می خواهد که با فرستادن نیروی کمی پیشروی را در جناح راست لشکر جهت انهدام دشمن و تصرف زمین بیشتر ادامه دهند. از طرف دیگر به کل محور ۱ اعلام آماده باش داده و جهت ادامه عملیات از آنان می خواهد که نیروهایشان را جمع و سازماندهی مجدد کنند.

در این مرحله، تنها گردان حمزه بلافاصله پس از امر فرماندهی دو دسته خود را راهی منطقه نمود و در سمت راست جاده بصره، به طرف شمال غرب، مقداری از دشمن را پاکسازی نمود. این حرکت روی هم رفته حرکت ضعیفی بود تا اینکه در ساعت ۱۵ برادر احمد کاظمی فرمانده لشکر ۸ نجف نزد برادر مرتضی آمده و می گوید: «امین (لشکر ۳۱ عاشورا) هنوز پشت جاده البحار است و نیروی شما (لشکر کربلا) مقداری در خاکریزهای بین دو جاده اصلی هستند. وضع دشمن خراب است، همین الان باید کاری کنیم و امین بیاید جلوتر.»^{۶۷}

برادر مرتضی که تاکنون اطلاع دقیقی از وضعیت یگان هادر این محور نداشت. با شنیدن این خبر به همراه برادر احمد تصمیم می گیرند که حرکتی به طرف شمال (راست) انجام داده و به لشکر عاشورا برای رسیدن به جاده فاو - بصره کمک کنند برادر مرتضی شخصاً فرماندهی و هدایت حرکت را به عهده می گیرند. چند تانک موجود را در محور جاده بصره و نیروهایی را از گردان حمزه در سمت راست جاده به حرکت انداختند و خود ایشان نیز با نشستن روی یک تانک پیشروی را انجام دادند.

توپخانه را تقویت می نمود.

دشمن فعالیت زمینی قابل ملاحظه ای نداشت، نیروهای عراقی بسیار پراکنده و ضعیف بودند، گویا هنوز فرصت تقویت منطقه، به دشمن نداده بود.

در سوی دیگر، یعنی در جبهه خودی، ضعف شدیدی در امر تخلیه مجروحین مشاهده می شد و گاه مجروح با پای خود و یا حداکثر با موتور سیکلت به عقب برمی گشت و کسانی که توانایی حرکتی نداشتند، می بایست ساعات زیادی را در منطقه بمانند. هنوز امکانات مورد نیاز برای تخلیه مجروحین، به فو منتقل نشده بود و خودروهای غنیمتی نیز سازمان نگرفته بودند. برای حضور بهداری در منطقه دشمن زمان زیادتری وقت لازم بود و روی هم رفته ضعف انتقال امکانات به آن سوی اروند عمده ترین مشکل لشکر به شمار می آمد که علاوه بر تأثیرات منفی که روی تخلیه مجروحین می گذاشت، باعث نارسایی در امر گذارسانی، مهمات و سوخت و سایر امکانات نیز شده بود.

برنامه ریزی برای عملیات شب دوم

پس از حرکتی که منجر به جلو آوردن لشکر عاشورا تا خاکریزهای بین دو جاده فاو - البحار و فاو - بصره گردید، فرماندهان لشکرهای ۲۵ کربلا، ۸ نجف، ۱۴ امام حسین (ع) و ۳۱ عاشورا در قرارگاه تصرف شده دشمن که اکنون مقر فرماندهی و ادامه عملیات شده است، جمع شدند و درباره چگونگی ادامه عملیات به بحث و تبادل نظر پرداختند. نظر برادران عمدتاً بر این محور بود که چون دشمن دچار ضعف و پراکندگی و از هم پاشیدگی شدید شده است، بهتر است که عملیات را در همین شب ادامه دهند و تا جاده شنی سمت راست کارخانه نمک پیشروی کنند. مانور این حرکت نیز طی نشست کوتاهی به این شکل طراحی شد:

لشکر عاشورا در امتداد جاده البحار حرکت نموده، پاکسازی را تا جاده شنی ادامه دهد.

لشکر نجف نیز در جناح چپ آن و در سمت راست جاده بصره و کارخانه نمک تا جاده شنی پیشروی نماید و پشت این

از آنجا که حضور دشمن، به صورت پراکنده بود و هیچگونه اطلاعی از کیفیت حضور نیروی ما در منطقه نداشتند. به سرعت با این اقدام، منطقه مذکور پاکسازی شد. برادر مرتضی با ابراز رضایت از نتیجه این حرکت، بیان داشت: «این بهترین جنگی بود که تا به حال در روز و با تانک انجام دادیم. تا به حال فکر نمی کردیم که تانک اینقدر مؤثر باشد!»

تانک ها به دنبال نیروهای عراقی حرکت می کردند و با شلیک گلوله تانک و حتی کالیبر آن روی دشمن تلفات سنگینی به عراقی ها وارد ساختند. از سوی دیگر نیروهای پیاده گردان حمزه نیز با موفقیت به انهدام دشمن و پیشروی مشغول بودند. برادر مکتبی می گوید:

« من خودم دو دسته نیرو را برداشتم و رفتم به منطقه، با درگیری داخل یک قرارگاه شدیم. قرارگاه بزرگی بود. داخل قرارگاه نیز درگیری ادامه یافت. مجموعاً ۳۰، ۴۰ نفر در قرارگاه کشته شدند و حدود ۳۰ نفر هم اسیر گرفتیم به اضافه غنائم بسیاری که در قرارگاه وجود داشت.»^{۶۷}

برادران موفق شدند با این حرکت، نزدیک به سه کیلومتر در حد فاصل جاده فاو - البحار و فاو - بصره پیشروی کنند و گردان حمزه در خاکریزهای مقطع پشت قرارگاه اصلی و بزرگ، مستقر شود. برادر احمد کاظمی فرمانده لشکر ۸ نجف نیز با هماهنگی های انجام شده با لشکر عاشورا، یک گردان از لشکر عاشورا را که در خط فاو - البحار مستقر شده بود به جلو کشید و پشت خاکریزهای بین دو جاده استقرار داد.

در طی این روز دشمن دچار سرگردانی بود و هر چه زمان از آغاز عملیات می گذشت از میزان این سرگردانی کاسته می شد و با حداقل امکانات موجود در منطقه خود را یافته و تلاش در مقابله می کرد. تا ظهر به هیچ وجه حرکت یا آتشی از دشمن مشاهده نشد. اما بعد از ظهر آتش ضعیفی آغاز شد و به تدریج تا غروب آفتاب شدت یافت. فعالیت هوایی نیز از بعد از ظهر این روز آغاز و با بمباران های متوالی که بیشتر متوجه عقبه یگان ها در جزیره آبادان می شد، آتش ضعیف

جاده بال لشکر عاشورا الحاق و خط پدافندی تشکیل دهد. لشکر کربلا تصرف و پاکسازی منطقه جنوب کارخانه را انجام دهد و سپس در دیواره جنوبی کارخانه پدافند نماید.

شب دوم عملیات

به دنبال جلسه مذکور، برادر مرتضی در ساعت ۶ بعد از ظهر، فرمانده محور دوم را فراخواند و به وی اعلام نمود که از سه گردان موجود خود، تا هر مقدار که امکان دارد، نیرو برداشت کند و آنان را جهت شرکت در این عملیات آماده نماید. با تلاش برادران، هر سه گردان این محور با استعداد زیر در ساعت ۱۲ شب خود را به قرارگاه (محل حضور فرماندهی) رساندند و اعلام آمادگی نمودند: گردان یارسول: با استعداد ۱۳۰ نفر. گردان حمزه: با استعداد ۲ گروهان. گردان مسلم: با استعداد ۲ گروهان.

قبل از وارد عمل شدن نیروها، مجدداً فرماندهان چهار لشکر ۸ نجف، ۲۵ کربلا، ۳۱ عاشورا، ۱۴ امام حسین (ع) گرد آمدند و بار دیگر درباره چگونگی عملیات به بحث پرداختند. در این بحث برخی از فرماندهان با بیان مشکلات خود در انجام این عملیات و عمق زیاد و عدم توانایی در احداث خاکریز، با اجرای عملیات موافق نبودند ولی برادران احمد کاظمی و مرتضی قربانی بر انجام عملیات و استفاده از این فرصت استثنایی اصرار داشتند و معتقد بودند که اگر امشب به دشمن حمله نشود و دشمن متحمل تلفات نگردد، فردا صبح قادر به ایراد تلفات سنگین بر ما خواهد بود. ضمن آنکه انجام همین عملیات در روزهای بعد به مراتب مشکل تر و با تلفات بیشتر خواهد بود.

در مجموع، بحث فوق به نتیجه ای نرسید و اجرای عملیات منتفی شد.

برادر مرتضی که ماندن لشکر خود و نیروهای رزمنده رادر خط کنار جاده عمودی فاو، صلاح نمی دانست شخصاً تصمیم گرفت که حداقل تا خاکریز مورب بر جاده بصره که منتهی به پایگاه موشکی (در جاده ام القصر) می شد، پیشروی

کند و در همان جا مستقر شود و با این تصمیم، برادر امین شریعتی نیز آمادگی لشکر عاشورا برای احداث خاکریز در امتداد خاکریز مورب، بین دو جاده البحار و بصره را اعلام نمود. تا در صورت موفقیت، همه لشکرها پشت آن مستقر شوند.^{۶۸}

به همین جهت، برای شناسایی خاکریز مذکور، فردی از نیروهای اطلاعات فرستاده شد و از طرف دیگر به فرمانده گردان ها که از فرط خستگی توانایی باز نگهداشتن چشمانشان را نداشتند، اجازه داده شد تا کمی بخوابند.^{۶۹} در این هنگام قرارگاه خبر داد که لشکر ۱۷ علی بن ابی طالب، پایگاه موشکی را به تصرف خود درآورده است و برادر احمد کاظمی خبر از انتقال تعداد زیادی تانک توسط دشمن به منطقه می دهد.

در ساعت ۳:۳۰ با بازگشت فردی که برای شناسایی خاکریز رفته بود، پیشروی تا این خاکریز نیز منتفی گردید، چرا که وی اصلاً موفق به یافتن این خاکریز نشده بود. در چنین وضعیتی برادر مرتضی تصمیم گرفت که گردان یارسول را در همان مکان، در خاکریزهای قطعه قطعه و اطراف جاده بصره گسترش دهد و گردان های حمزه و مسلم را به خط قبلی لشکر بازگرداند.

در این حالت، محل حضور فرماندهی، مبدل به خط مقدم شده بود. خطی بدون امتداد که هر لحظه امکان دور خوردن آن وجود داشت. با این وصف، برادران اعتنایی به این موضوع نکردند و هر دو فرمانده لشکرهای کربلا و نجف به همراه برخی از کادرهای این دو لشکر، شب رادر همانجا خوابیدند.

روز دوم عملیات

روز دوم عملیات که مصادف با بیست و دوم بهمن است در شرایطی آغاز شد که لشکر کربلا در جناح راست عملیات خود (به موازات جاده عمودی و ارتباطی سمت راست تانک فارم ها) خط پدافندی اصلی خود را تشکیل داده است و به استعداد یک گردان آن نیز به طور پراکنده در چهار، پنج کیلومتر جلوتر، حذفاصل جاده های البحار و بصره حضور

دارند.

برادر رحیم از ایشان خواست تا پایان این مأموریت کار دیگری به برادر عمرانی محول نکند.

فرماندهان لشکرهای نجف و کربلا که در منطقه حضور داشته و به طور کامل بر اوضاع مشرف بودند، اعتقاد داشتند که باید پیشروی نمایند. با وجود این برادران به عملی ساختن دستورات ایشان پرداختند و مقید بودند که در کنار تحکیم خط فاو، پیشروی های مورد نظر خود را هم برنامه ریزی کرده، انجام دهند.

سستی در تصرف پایگاه موشکی

در کنار این موضوع، از طرف برادر محسن رضایی، فرمانده عملیات، به برادر مرتضی تأکید شد که برای تصرف پایگاه موشکی اقدامات لازم را انجام دهد. پیش از این نیز در ساعت ۹:۳۰ به فرمانده لشکر اطلاع داده شد که لشکر ثارالله از قرارگاه نوح در ضلع شرقی مستطیلی نزدیک دشمن شده و از لشکر کربلا می خواهد که جهت الحاق حرکتی انجام دهد. اما محور سوم لشکر موفق به انجام یک اقدام جدی در این جبهه نمی شود و در مقابل قبضه های ضدهوایی دشمن متوقف می گردد.

دشمن، با استفاده از فرصت به دست آمده، اقدام به تخلیه پایگاه به وسیله هاورکرافت می کرد و از مشاهده تردد هاورکرافت ها چنین برداشت می شد که دشمن مشغول تقویت پایگاه و آوردن نیروی کمکی است و فرمانده محور ۳، برادر بهنام در تماس ساعت ۱۲ خود می گوید: « پایگاه موشکی از طریق دریا تدارک می شود. دیده شده که با هاورکرافت به منطقه آمدند.» و یا در ساعت ۱۵ می گوید: « دشمن با هاورکرافت و بالگرد نیرو می آورد به پایگاه موشکی.»

در مجموع، برادر مرتضی به تصرف این پایگاه بهای چندانی نمی داد و در پاسخ این سؤال که چرا اقدامی جدی در این مورد صورت نمی گیرد، می گفت:

«پایگاه خطری ندارد، بالاخره همه شان اسیر می شوند، راه فرار ندارند. الان مسئله اصلی حرکت به طرف بالا

از طرف دیگر، در تصرف پایگاه موشکی ناموفق بود و نیروها همچنان پشت خاکریز مورب داخل مستطیلی متوقف هستند. در شهر و جناح چپ همچنان خبرهایی حاکی از بروز درگیری های پراکنده به گوش فرماندهی می رسد و حرکت دشمن منحصر به اجرای آتش محدود یا انجام بمباران های هوایی گردیده است.

موضع قرارگاه خاتم در قبال ادامه عملیات

ساعت ۷ صبح برادر مرتضی مطلع شد که برادر رحیم صفوی به منطقه آمده و در نقطه ای در نزدیکی رودخانه در انتظار ایشان می باشد. فرماندهی لشکر کربلا به همراه برادر احمد کاظمی نزد ایشان رفته، به گفت و گو پرداختند در این جلسه که فرماندهی و عناصر مسئول قرارگاه کربلا نیز حضور داشتند، یگان ها گزارشی از وضعیت منطقه و یگان خود ارائه دادند و ضمن آن برادران احمد کاظمی و مرتضی قربانی، نظر قرارگاه خاتم را درباره ادامه عملیات و اهداف مورد نظر جویا شدند که برادر رحیم در پاسخ به این خواسته گفت:

« محکم و صریح می گویم، ما می خواهیم دفاع کنیم. خط اول ما خاکریز منتهی به پایگاه موشکی ام القصر و در امتداد آن تا روند و خط دوم ما هم یک کیلومتر جلوتر از جاده عمودی و ارتباطی در نزدیکی فاواست، تا بعد ببینیم چه می شود.»^۶ با توجه به وضعیتی که از اظهارات برادر رحیم برداشت می شد، خط اول تأمین برای خط دوم به حساب می آمد و لذا ذهن برادران بیشتر متوجه خط دوم و تثبیت آن بود. در این باره برادر رحیم خطاب به برادر مرتضی و برادر عمرانی تأکید زیادی در مستحکم تر نمودن خط فوق نمودند و حتی جهت آوردن و وسایل سنگین نیز اولویت را به لشکر دادند تا بتواند سریع تر خط مورد نظر خود را تکمیل نماید.

قابل توضیح است که لزوم استحکام خط مذکور، از قبل از عملیات مورد نظر بود و از روز گذشته نیز برادر مرتضی فرمانده محور ۲ خود را مأمور احداث خاکریز، حفر کانال و استحکامات لازم کرده بود و در این جلسه با تأکید بیشتر،

(کارخانه نمک) است.»

رسیدن پی در پی اخباری که مبتنی بر تردد بیش از حد معمول هاورکرافت‌ها در پایگاه موشکی بود و تأکید برادر محسن از طرف دیگر، باعث شد که برادر مرتضی اقدام به فرستادن تعدادی تانک و تفنگ ۱۰۶ به آن محور کند تا شاید بدین وسیله موفق به الحاق با لشکر ۴۱ ثارالله، که خیر از نزدیک شدن خود به پایگاه می‌داد، بشوند. اما مأموریت حل این معضل همچنان به عهده برادر بهنام (فرمانده محور ۳) بود تا با استفاده از امکانات همین محور، کار را تمام کند.

برنامه ریزی برای عملیات شب سوم

در کنار این موضوع در ساعت ۱۱:۲۰ بار دیگر برادر احمد کاظمی نزد فرماندهی لشکر کربلا که در جاده فاو - بصره (نزدیکی تانک فارم‌ها) حضور داشت، آمد و ابزار داشت:

«مادر حدفاصل جاده اول و دوم خیلی پیش رفتیم و دیواره کارخانه نمک را می‌بینیم. امشب می‌توانیم تا کارخانه نمک ادامه بدهیم. وضع دشمن خراب است. هنوز به آن صورت تانک نیاورده. بچه‌ها با موشک یک ستون ایفا را زدند.»^{۷۱}

اظهارات برادر کاظمی حاکی از این بود که لشکر نجف پس از ملاقاتی با برادر رحیم، یک گردان را وارد عمل ساخته و پیشروی خوبی انجام داده است. ضمناً تلفات زیادی به دشمن وارد آورده و تا نزدیکی کارخانه نمک از سمت جنوب پیش رفته و مستقر شده است. پس از این صحبت فرماندهان دو لشکر تصمیم گرفتند که امشب از موفقیت به دست آمده استفاده کنند و پیش از حضور جدی دشمن، خود را به کارخانه نمک برسانند. سپس برادر قربانی طی پیامی از گردان‌های یارسول، محمدباقر (ع)، مسلم و مالک خواست که ضمن تجهیز و سازماندهی نیروهای خود آماده شرکت در عملیات شوند. سپس مجدداً در ساعت ۱۳:۳۰ برادران احمد کاظمی و امین شریعتی به محل فرماندهی لشکر آمدند و پس از کمی گفت‌وگو به عناصر قرارگاه کربلا نیز اطلاع داده شد تا در این جلسه حاضر شوند. با آمدن برادر غلامپور و محتاج، بحث درباره چگونگی ادامه عملیات و بررسی آخرین

وضعیت، ادامه یافت و به نتایج رسید. در این جلسه عمدتاً گزارش آخرین وضعیت توسط برادران امین شریعتی و احمد کاظمی ارائه می‌شد. برادر امین گفت:

«دیشب می‌خواستیم خاکریزی بین جاده اول و دوم (در امتداد خاکریز منتهی به پایگاه موشکی) بزنیم. خاکریز تکمیل نیست ولی الان مستقر شده‌ایم. لشکر نجف هم هست. الحاق با لشکر علی بن ابی طالب هم برقرار می‌باشد.»^{۷۲}

و یا برادر احمد کاظمی چنین اظهار می‌داشت:

«تلفات زیادی از دشمن گرفتیم. با وجود این خاکریز فعلی خوب نیست کوتاه است. و با خشایار تدارک می‌کنیم.»^{۷۳}

در این گفت‌وگو برادر احمد کاظمی معتقد بود که در سمت جاده بصره تا کارخانه و در سمت راست تا دو کیلومتری جنوب کارخانه پیشروی صورت بگیرد. در طول این گفت‌وگوها، روی دو طرح فوق بحث و بررسی صورت گرفت و در انتها، برادر غلامپور جمع‌بندی ذیل را ارائه نمود.

«دیشب لشکر حضرت رسول (ص) پایگاه موشکی اول را گرفت و لشکر علی بن ابی طالب (ع) هم به یک کیلومتری کارخانه نمک رسید. الحمدلله وضع خوب است.»

و در انتها مصوبه جلسه را با توجه به زمینه‌هایی که از افکار عناصر قرارگاه خاتم داشت چنین اعلام کرد:

«پدافند محکم، همراه با آفند است. لذا در سمت چپ کارخانه نمک، لشکر حضرت رسول (ص) را موظف به ادامه پیشروی تا جاده شنی اول می‌کنیم و لشکر ۱۷ هم کمکش کند. لشکر نجف با کمک لشکر کربلا در محور سمت چپ جاده بصره تا ضلع جنوبی کارخانه و در سمت راست جاده نیز تا یک کیلومتری کارخانه پیشروی کنند و مستقر شوند. لشکر عاشورا نیز در امتداد لشکر نجف فاصله بین دو جاده اصلی را پاکسازی کند و مستقر شود.»^{۷۴}

با این هدف، احداث خاکریزی بین دو جاده اصلی در یک کیلومتری کارخانه و بلند نمودن خود جاده از این نقطه تا کارخانه، از محورهای اصلی این حرکت به شمار می‌آمد. لذا مقرر گردید که یگان‌ها، کلیه وسایل مهندسی را بسیج نموده

برادر مرتضی با مشاهده در هم پائیدگی و ضعف دشمن از گردان های مسلم و حمزه خواست که با نیروی اندکی پیشروی را به طرف جلو (جناح راست لشکر) ادامه دهند تا لشکر عاشورا بتواند جلوتر بیاید و در مجموع برادر مرتضی سه موضوع را در مقابل داشت که عبارت بودند از:

- ۱- تکمیل و پاکسازی انتهای مستطیلی و تصرف پایگاه موشکی.
- ۲- تلاش جهت پاکسازی مقرهای دشمن و الحاق با لشکر ولی عصر (عج).
- ۳- ادامه حرکت در جناح راست با کمک سایر لشکرها و رسیدن به کارخانه نمک.

در کنار یکدیگر قرار گرفته عملیات را در محور جاده بصره هدایت می کردند. برای این شب نیز پاکسازی منطقه (جاده بصره تا سه راهی کارخانه نمک) به عهده لشکر نجف و استقرار و پدافند در دیواره جنوبی کارخانه را لشکر کربلا پذیرفته بود.

برادر مرتضی قصد داشت که نیروی خود را بدون درگیری پشت سر لشکر نجف راه بیندازد و در ضلع جنوبی کارخانه استقرار دهد. اما از طرف دیگر وجود خبرهایی مبنی بر حضور دشمن در سمت چپ این حرکت (ضلع چپ مثلث) ایشان را بر آن می داشت که بر روی این محور نیز فکر کنند. برادران اطلاعات که از شب قبل به شناسایی منطقه پرداخته بودند ابراز داشتند که در محور ضلع چپ مثلث^۶ عارضه مشخصی جهت هدایت نیروها وجود ندارد و احتمال گم شدن نیرو زیاد است. با این خبر، فرماندهی تصمیم گرفت که تنها در محور جاده و آن هم پشت سر نیروهای لشکر نجف وارد عمل شود و لذا به برادر احمد کاظمی اظهار داشت: «ما پشت سر نیروهای شما حرکت می کنیم. در آن محور (چپ) می ترسم بچه ها گم شوند.»

البته در پاسخ به سؤال برادر احمد کاظمی که پرسیدند پاکسازی آن محور چه می شود، جوابی نداد. اما برادر کمیل صبح روز بعد می گفت که گردان مسلم را پشت سر گردان یارسول به عنوان احتیاط قرار دادیم و در نظر داشتیم در صورت موفقیت گردان یارسول، در جناح چپ آن را وارد

و پای کار آوردند.

شب سوم (تلاش ناموفق در محور جاده فاو - بصره)
برادر مرتضی در پی فراغت از جریان پایگاه موشکی مجدداً به عقب بازگشت و اقدامات لازم جهت شرکت در عملیات شب بیست و سوم را آغاز نمود. در اولین قدم، هماهنگی جهت احداث خاکریز صورت گرفت و برادر شمایل^۵ طی گزارشی به برادران احمد کاظمی و مرتضی قربانی اظهار داشت که چند دستگاه از لشکر علی بن ابی طالب و تعدادی نیز از جهاد گرفته اند. برادر قربانی نیز طی نامه ای، کلیه دستگاه های موجود در لشکر را در اختیار ایشان گذاشت. پس از این امر، در ساعت ۱۹:۳۰ راهی مقر خود (قرارگاه سابق دشمن سمت راست جاده فاو - بصره، در چند کیلومتری جنوب کارخانه نمک) شد و در کنار برادر احمد کاظمی مستقر گردید.

گرچه برادر قربانی، جهت شرکت در عملیات و کمک به نیروهای عمل کننده، دو گردان یارسول و مسلم را مدنظر قرار داده بود، لیکن هنوز در چگونگی انجام عملیات و نحوه رسیدن به دیواره کارخانه نمک دچار تردید و تأمل بود.

لازم به توضیح است که به دلیل هماهنگی خوبی که بین برادران احمد کاظمی و مرتضی قربانی وجود داشت، مأموریت های محوله را مشترکاً می پذیرفتند و سپس آن را بین خود تقسیم می کردند. این دو فرمانده که از جهت فرماندهی و روحیه، مشابهت هایی را دارا می باشند از روز اول عملیات

عمل کنیم و ضمن پاکسازی ضلع سمت چپ مثلثی، از آن طریق خود را به دیواره جنوبی کارخانه برسانیم.

در مجموع فکر و مشورت برادر مرتضی درباره مانور تا ساعت ۲۱ به طول انجامید در حالی که از ساعت ۲۰ به بعد، برادر احمد دائماً متذکر می شد که دو گردان از نیروهایش در دو طرف جاده اصلی حرکتشان را آغاز نموده و اصرار داشت که لشکر کربلا هم حرکت نماید، ولی برادر قربانی تأمل می کرد.

به هر حال در ساعت ۹ شب گردان یارسول با استعداد ۱۸۰ نفر،^{۳۷} پس از توجیه، پشت سر نیروهای لشکر نجف حرکت خود را آغاز کرد. این گردان در سمت چپ جاده بصره، پشت سر گردان قمر بنی هاشم (از لشکر نجف) به راه افتاد و بدون هیچ مسئله ای پیش رفت تا اینکه نیروهای لشکر نجف دچار مشکلات شده و گردان فوق از نجف با تلفات زیاد متوقف می گردد. تا جایی که در ساعت ۱۵ دقیقه بامداد روز بیست و سوم برادر احمد کاظمی، به فرمانده لشکر کربلا اعلام کرده و می گوید:

«وسط مثلثی یک خاکریز است که بچه ها در گوشه آن گیر کرده اند. و دشمن از چپ آنان با تانک و تیربار رویشان آتش اجرا می کند. تلفات زیادی از ما گرفته، زودتر باید تصمیم بگیریم.»

پیش بینی حضور گستره دشمن در ضلع سمت چپ مثلث (لوله سفید رنگ) درست بود. دشمن در آن محور حضور فعال داشت و از آن جهت که کلیه یگان ها در سمت راست آنها می خواستند پیشروی نمایند. به راحتی در تیررس آنها قرار گرفته و متوقف شده بودند. اضافه بر آنکه دشمن در محور جاده بصره نیز با کالیبر، تلفات سنگینی به برادران وارد ساخته بود. برادران زیادی از خط آمده و گزارش می دادند. برادری می گفت: «از همه طرف کالیبر روی نیروهاست. از هر جا بخواهند بروند متوقف می شوند و تلفات زیادی دادیم.»

یا برادر دیگری با ناراحتی از زیادی مجروحین و کمبود

آمیولانس گله می کرد.

در مجموع، وضع مناسب نبود. به دلیل توقف نیرو در سمت چپ جاده، حرکت در سمت راست نیز به کندی صورت می گرفت و یا متوقف شده بود. برادر مرتضی با نظر برادر احمد تصمیم گرفت که گردان یارسول را به جلو فرستاده و درگیری را ادامه دهد. لذا گردان یارسول حرکت کرد و از گردان قمر بنی هاشم سبقت گرفت و درگیری را از حدود ساعت ۱ بامداد آغاز نمود. از طرف دیگر، برادر مرتضی به گردان مسلم اعلام آمادگی داد و از آن خواست که در پشت سر گردان یارسول حرکت کند، تا در صورت نیاز وارد عمل شود. تا دقایقی، گردان یارسول ابراز می داشت که خوب پیش می رود و برادران با روحیه خوب سنگر به سنگر می جنگند. اما این اخبار ادامه نیافت. در ساعت ۲ بامداد برادرانی که از خط آمده بودند گزارش دادند که تیربارهای دشمن روی جاده و سمت چپ و راست آن به شدت کار می کند. نیروهای گردان یارسول هم زمین گیر شده اند و امکان پیشروی ندارند. فرد دیگری که از طرف برادر بصیر فرمانده گردان یارسول آمده بود می گفت:

«بچه ها اصلاً تکان نمی توانند بخورند. فقط مجروح و یا شهید می شوند. دشمن سه قبضه کالیبر روی جاده گذاشته، پخش می شویم باز هم می زند. هیچ کاری نمی شود کرد رخمی ها از بالا تا پایین ریخته اند. گردان های لشکر نجف عقب نشینی کرده اند و...»

برادر مرتضی با مشاهده این وضعیت از گردان یارسول خواست به چپ بکشد و پیشروی نماید اما از آن طرف هیچ گونه حرکتی برای نیروها میسر نبود. لذا از گردان مسلم خواست که در محور ضلع سمت چپ مثلث حرکت و پاکسازی را انجام دهد. اما این حرکت نیز نتیجه ای نداشت. در مجموع احساس می شد که دشمن کاملاً مسلط می باشد. آتش پر حجم دشمن قرارگاه فرماندهی را هم بی نصیب نگذاشته بود. فرماندهان اطلاع دقیقی از دشمن نداشتند. نحوه گستردگی دشمن مشخص نبود و علت توقف نیروهای

موفق شد در جلوی آن، جاده را به وسیله یک دستگاه بلدوزر بشکافد. به دنبال آن نیز از کلیه نیروها خواسته شد که تا پشت خاکریز به عقب برگشته و مستقر شوند. ولی پس از ساعتی برادر مرتضی ضمن هماهنگی با لشکر نجف تصمیم گرفت که هر دو گردان خود را کاملاً به عقب برگرداند و در مواضع قبلی لشکر (نزدیکی فاو) استقرار یابند. اما از جهت ادوات و دیگر امکانات برای استحکام خط به لشکر نجف کمک کند.

جمع بندی و نتایج عملیات شب سوم

در طول این شب، چهار گردان از لشکرهای نجف و کربلا وارد عمل شد اما بنا به دلایلی که ذکر خواهد شد، موفقیت لازم را به دست نیاوردند و صبح عملیات با ترمیم خاکریز بین دو جاده و شکافتن جاده بصره، در مواضع قبلی خود مستقر شدند.

از مجموع نظرات برادران، درباره عملیات این شب، می توان علل عدم موفقیت را به این شرح بیان داشت:

- ۱- نداشتن شناسایی دقیق از منطقه عملیاتی.
 - ۲- وارد ساختن نیروی کم به نسبت منطقه عملیاتی.
 - ۳- ضعف در مانور، به شکلی که در نظر بود بدون پاکسازی در جناحین و فقط با حرکت در محور جاده آسفالت فاو - بصره، پیشروی نموده و به کارخانه نمک برسند.
 - ۴- تسلط دشمن و آتش پر حجم آن بر منطقه.
- همچنین در طول عملیات، ضعف شدیدی در امر تخلیه مجروحین و شهدا مشاهده می شد. به نحوی که نهایتاً تعدادی از شهدا و مجروحین (که عمدتاً متعلق به لشکر نجف بودند) به جا ماندند. مشابه این وضعیت در تدارک رسانی وجود داشت و تنها در بین ساعت ۴ تا ۵ بامداد یک دستگاه خشیار برای این امر به کار گرفته شد.

روز سوم عملیات

صبح روز بیست و سوم بهمن ماه (روز سوم عملیات) برادر احمد کاظمی با توجه به وضعیتی که در طول شب قبل با آن مواجه بود، تدبیر جدیدی اتخاذ نمود و تصمیم گرفت که جهت انهدام و پاکسازی دشمن در منطقه جنوب کارخانه

خودی نیز معلوم نبود که به دلیل گستردگی دشمن است و یا اینکه دشمن با نیروی محدود و صرفاً با کمک چند کالیبر روی جاده و احتمالاً چند تانک به مقاومت پرداخته است. اما آنچه که مسلم بود آتش پر حجم توپخانه و ادوات دشمن بود که امان را از نیروهای خودی گرفته و موجب تلفات آنان گشته بود. لذا تیربارها و نیروهای پیاده دشمن با بهره گیری از این آتش پر حجم، مقاومت به خرج می دادند و بر نیروهای خودی تسلط یافته بودند.

البته مقاومت و آمادگی دشمن در این محور با هوشیاری دشمن که جاده فاو - بصره را به عنوان محور اصلی^۸ ادامه حرکات ما می دانست بی ربط نبود.

در مجموع، با تلاش و پیگیری هر دو فرمانده پیشرفتی حاصل نمی شد. برادر مرتضی بارها تکرار می کردند که: «اگر دیشب این عمل را انجام می دادیم، این طور نمی شد.»

فرماندهان با توجه به وضعیت فوق، با هماهنگی یکدیگر تصمیم گرفتند که نیروها را به عقب برگردانند. لذا در ساعت ۲:۳۵ بامداد، برادر احمد کاظمی به نیروهایش اعلام کرد با تخلیه مجروحین و شهدا به عقب برگردند. به دنبال آن نیز برادر مرتضی نزدیک به ساعت ۳ بامداد به گردانهای یارسول و مسلم دستور عقب نشینی داد و تأکید کرد که تا قبل از تقاطع خاکریز (منتهی به پایگاه) مستقر شوند. برادر حاج بصیر فرمانده گردان یارسول در ساعت ۴:۳۰ خود را به مقر فرماندهی رساند و گفت:

«وقتی وارد عمل شدیم از سه طرف با ما مقابله می شد. به خصوص از جناح چپ (ضلع چپ مثلث)، مهمات بچه ها تمام شده بود. تانک های دشمن دنبال بچه ها می کردند و ما عقب تر می آمدیم. الان لشکر نجف ۱۰۰ متر بالاتر از تقاطع (خاکریز با جاده) است و ما هم یک مقدار بالاتر از آن.»

گردان مسلم نیز پس از بازگشت، پشت خاکریز منتهی به پایگاه استقرار یافته بود. لشکر عاشورا نیز خاکریزی را که در روز قبل در امتداد خاکریز منتهی به پایگاه به طور نامرتب و ناقص احداث کرده بود، تکمیل نمود و تا ساعت ۶ صبح نیز

اقدام به عملیات از محوری نماید که لشکر علی بن ابی طالب (ع) در آن مستقر است. لذا در ساعت ۶:۴۵ صبح، دو تن از برادران لشکر را جهت شناسایی، عازم منطقه کرد.

برادران مذکور، پس از یک ساعت باز گشتند و اظهار داشتند که لشکر علی بن ابی طالب (ع) حدود یک کیلومتر از ضلع جنوبی کارخانه را در تصرف خود دارد و در مجموع برای انجام عملیات و وارد ساختن نیرو موقعیت مناسبی را دارا است.

برادر کاظمی از مرتضی قربانی خواست که جهت شناسایی، به منطقه بروند. برادر قربانی نیز این پیشنهاد را پذیرفت و پس از استراحت کوتاهی در ساعت ۸:۳۰ با یک دستگاه جیب عازم منطقه کارخانه نمک شدند. در بین راه برادر جعفری (فرمانده لشکر ۱۷ علی بن ابی طالب) را نیز دیدند و به گفت و گو پرداختند. برادر جعفری می گفت:

«ما یک کیلومتر از دیواره جنوبی کارخانه نمک را گرفته ایم. اما نیرو نداریم که ادامه بدهیم. الان دشمن از دو جناح (جاده ام القصر و دیواره کارخانه) نیروهایش را به ستون دارد وارد می کند. اگر نیرو باشد می توان در روز ادامه داد. ولی دیر است.»

با شنیدن اظهارات برادر جعفری و مشاهده وضعیت، برادران تصمیم گرفتند که با آوردن نیروهای خود، از این طریق وارد عمل شوند و اهداف مورد نظر خود را که چند شب

است به دنبال آن هستند، تصرف نمایند. در این هماهنگی، برادر جعفری قبول کردند که جهت انتقال نیروها، وسیله نقلیه در اختیار برادران قرار دهند.

دشمن در مثلث مورد نظر، حضور فعال و گسترده ای داشت و نیروهای لشکرهای نصر، امام حسین (ع)، نجف و علی بن ابی طالب (ع)، آرایش نعلی شکلی داشتند که دشمن در دل آن قرار داشت. شاید به همین علت بود که دشمن اقدام به انجام پاتک در محور جاده بصره نمی کرد و می خواست تا حصول اطمینان از جناحین خود، حرکتی را در این مسیر انجام ندهد.

پس از آنکه فرماندهان لشکرهای نجف و کربلا تصمیم گرفتند که نیروهای خود را از پشت دشمن وارد کرده و در امتداد حضور لشکر علی بن ابی طالب با دشمن درگیر شوند، نقطه ای را در پشت خاکریز منتهی به پایگاه موشکی، در نزدیکی جاده بصره، انتخاب کردند و در آن مستقر شدند. این خاکریز در واقع خط اولی بود که بخشی از نیروهای لشکر علی بن ابی طالب (ع) پدافند آن را به عهده داشتند. به عنوان اولین قدم، قسمتی از ابتدای خاکریز را (از سمت جاده بصره) از لشکر علی بن ابی طالب (ع) تحویل گرفتند تا نیروهای خود را جهت وارد ساختن در عملیات، به آنجا منتقل کنند.

لشکر کربلا، پس از این اقدام، از گردان امام حسین (ع) به همراه یک گروهان باقیمانده از گردان حمزه خواست که به

به دلیل هماهنگی خوبی که بین برادران احمد کاظمی و مرتضی قربانی وجود

داشت، مأموریت های محوله را مشترکاً می پذیرفتند و سپس آن را بین خود

تقسیم می کردند. این دو فرمانده که از جهت فرماندهی و روحیه،

مشابهت هایی را دارا می باشند از روز اول عملیات در کنار یکدیگر قرار گرفته

عملیات را در محور جاده بصره هدایت می کردند. برای این شب نیز پاکسازی

منطقه (جاده بصره تا سه راهی کارخانه نمک) به عهده لشکر نجف و استقرار و

پدافند در دیواره جنوبی کارخانه را لشکر کربلا پذیرفته بود.

این منطقه بیایند.

گرچه در ابتدا نظر برادران احمد کاظمی و مرتضی قربانی در مورد زمان عملیات با نظر برادر جعفری مطابقت داشت. لیکن پس از مشاهده وضعیت دشمن و حجم گسترده آن، تصمیم به اجرای عملیات در شب گرفتند. از طرف دیگر، طی شناسایی‌های انجام شده در صبح، قرار بود که نیروها از کارخانه نمک رها بشوند. اما پس از صحبت و بررسی بیشتر، این تصمیم نیز تغییر کرد و به دلیل طولانی بودن مسیر و احتمال بروز خستگی در نیروها عمل کننده، نقطه رهایی بار دیگر به جاده بصره تغییر یافت و طرح مانور ذیل طراحی گردید:

لشکر نجف در محور جاده بصره، با دو فلش اصلی و فرعی وارد عمل شود. فلش اصلی در سمت چپ جاده با پاکسازی سنگرها و مواضع تانک و قرارگاه‌ها و فلش فرعی در سمت راست وارد عمل می‌شود. لشکر کربلا نیز به کمک آن حرکت در امتداد لوله (ضلع چپ مثلث) حرکت کرده و تا کارخانه نمک در خط لشکر علی بن ابی طالب (ع) به پیش برود و از آنجا به پهلوی دشمن بزند و در سه راهی کارخانه، به روی جاده آمده با لشکرهای نجف و علی بن ابی طالب (ع) الحاق کند.

با استقرار فرماندهان این دو لشکر در خط مقدم، عناصر و کادرهای واحدهای مورد نیاز لشکر کم کم در منطقه حضور می‌یافتند و با کندن سنگرهای انفرادی (بدون سقف) مستقر می‌شدند. نیروها از ساعت ۱۲ ظهر با حرکت گروهان مذکور از گردان حمزه وارد منطقه شدند و تا ساعت ۶ بعد از ظهر گردان امام حسین (ع) نیز به طور کامل در منطقه حضور یافته بود.

نگاهی به وضعیت دشمن در روز سوم

در طول این سه روز که از آغاز عملیات می‌گذرد، همواره برادران در انتظار برخوردی جدی و محکم از طرف دشمن بودند اما به رغم وجود آتش پر حجم توپخانه و کثرت بمباران‌های هوایی، هیچ‌گونه حرکت زمینی قابل توجه، در

این محور از دشمن مشاهده نشد.

این موضوع با توجه به شناختی که در عملیات‌های گذشته از دشمن به دست آمده بود، تعجب برادران را برانگیخته بود. احتمالاً، آرایش و شکل نعلی خطوط پدافندی، در ایجاد این حالت مؤثر بوده است چرا که جاده بصره در عمق این نعل قرار داشت که دو سر آن با قدرت ایستاده بودند و دشمن طبیعتاً تا زمانی که موفق به حل این مسئله در دو سر نعل نمی‌شد، تمایل به ورود در این قتلگاه نداشت. ضمن آنکه تلاش‌های عمده دشمن برای نفوذ از جناح ساحلی متمرکز شده بود که در صورت به دست آوردن کوچک‌ترین موفقیتی می‌توانست خود را به عقبه کل نیروها نزدیک ساخته و مسئله را به طور کل حل نماید.

از طرفی، آتش پر حجم دشمن به دلیل تجارب چند ساله نیروها، به عنوان یک تهدید جدی تلقی نمی‌شد و نیروها به طور عادی با آن برخورد می‌کردند.

وضعیت پشتیبانی لشکر

می‌توان گفت که در این روز، تمامی لشکر به منطقه فاو منتقل شده بوده. واحدهای پشتیبانی کنند، از جمله تدارکات و بهداری که دو مأموریت اساسی تدارک رسانی و تخلیه مجروحین و شهدا را بر عهده دارند با انتقال نسبی امکانات خود در طی روزهای دوم و سوم، مراکزی را جهت استقرار خود مشخص و آماده کردند.

واحد تدارکات با استفاده از ساختمان‌های موجود، بنه‌های مورد نیاز را بر پا کرد و امکانات انتقالی و غنائم جمع‌آوری شده را در آنها متمرکز ساخت. بهداری نیز با ایجاد پست امداد، یک قدم خود را به مجروحین در خط، نزدیک‌تر نمود. محور عقبه و پشتیبانی لشکر را، روبه روی جاده عرضی (سمت راست شهر) تشکیل می‌داد، امکانات نیز حول و حوش این محور استقرار یافته بود و طبیعتاً ساحل‌سازی نیز در این محور جهت انتقال وسایل و امکانات صورت گرفته بود.

با انتقال نسبی امکانات، مشکلات و معضلاتی که در روز

اول به چشم می خورد تا اندازه ای محو شد و با گذشت زمان تسهیلات بیشتری در زمینه رفع مشکلات فراهم می گشت. لازم به تذکر است که در این زمینه تعدادی از وسایل نیمه سنگین از قبیل ادوات و ... توسط بالگردهای شنوک هوانیروز انتقال یافت.

شب چهارم عملیات

تکمیل طرح

همه چیز برای عملیات آماده بود. برادران در پشت خاکریز به استراحت و دیده بانی می پرداختند. تا اینکه قبل از ساعت ۶ بعد از ظهر برادر حسین خرازی و ابوشهاب (معاون ایشان) نزد برادر مرتضی قربانی آمدند و به صحبت در مورد عملیات امشب پرداختند. برادر خرازی که برخورد کاملاً متفاوتی نسبت به قبل داشت، خواستار هماهنگی جدیدی برای حضور لشکر امام حسین (ع) در عملیات امشب گردید، و پس از گفت و گو مقرر گردید که این لشکر نیز از محل پدافندی فعلی خود (جاده البحار) به دشمن حمله کند و فاصله جاده اول و دوم را پاکسازی نماید. صبح روز بعد این لشکر در کنار سایر لشکرها، پشت خاکریزی که لشکر عاشورا، احداث آن را به عهده دارد، پدافند می نماید.

لازم به توضیح است که طبق مانور، قرار است، نیروهای خودی در سمت راست جاده بصره تا یک کیلومتری کارخانه پیش رفته، در آن نقطه بین دو جاده البحار و بصره را خاکریز احداث نمایند. قاعدتاً از این نقطه تا کارخانه نمک (بر روی جاده بصره) نیز احتیاج به احداث خاکریز و بلند کردن آن دارد تا برای ایجاد مواضع پدافندی و استقرار نیرو مناسب باشد. احداث خاکریز بین دو جاده به عهده لشکر عاشورا گذاشته شده بود.^{۹۹} احداث خاکریز روی یک کیلومتر از جاده بصره نیز به عهده جهاد بود که پس از شناسایی منطقه و حاشیه سمت چپ جاده بصره، از ساعت ۱۷:۳۰ برادران جهاد نزد فرماندهان لشکرهای نجف و کربلا آمدند و اظهار داشتند که به دلیل باتلاقی بودن کناره جاده، امکان زدن خاکریزی روی جاده وجود ندارد. در نتیجه، مقرر شد که این خاکریز در

نزدیک ترین نقطه ممکن، به موازات جاده احداث شود. در تکمیل طرح برادران احمد کاظمی و مرتضی قربانی در نظر داشتند که از طریق جاده شنی در جنوب کارخانه نمک هم، حرکتی از سوی لشکر علی بن ابی طالب (ع) صورت بگیرد و این لشکر، در تصرف سه راهی کارخانه نمک به یگان های دیگر کمک نماید. در این زمینه برادر جعفری (فرمانده لشکر علی بن ابی طالب (ع)) پس از اصرار برادران، با اینکه اظهار می داشت از جهت نیرو و در مضیقه قرار دارد، قبول کرد که حرکت ضعیفی در آن محور انجام دهد.

در این حال، اطلاع دقیقی از وضعیت دشمن در دست نبود ولی خبرهای پراکنده و متفاوتی به گوش فرماندهان این دو یگان می رسید. گاهی خبر از عقب نشینی تانک های دشمن تا سه راه کارخانه و گسترش آنها در آن نقطه می دادند و گاهی خبر از ورود تانک های بسیار دشمن در منطقه، به وسیله تریلی به گوش می رسید!!

شرح عملیات شب چهارم (مجموع به گارد ریاست جمهوری)

همانطور که گفتیم یک گروهان از گردان حمزه به همراه گردان امام حسین (ع) مأموریت انجام عملیات امشب را به عهده دارند. فرماندهی لشکر در ساعت ۱۹:۳۰ فرماندهان این نیروها را توجیه نموده و ضمن آن از گردان امام حسین (ع) خواستند که یک گروهان خود را در احتیاط نگهدارد.

در مجموع، نیروهای فوق دو نقطه رهایی داشتند. ابتدا می بایست از نقطه استقرار فرماندهی لشکر پشت خاکریز منتهی به پایگاه (در ۵۰۰ متری جاده بصره) حرکت کنند و نقطه رهایی اصلی نیز پس از رسیدن به خط لوله (سمت چپ مثلث) بود. جهت راهنمایی و هدایت نیروها، برادران کمیل و طوسی از فرماندهی، این گردان ها را همراهی می نمایند.

فرماندهی گردان حمزه به شدت از خستگی نیروها و فقدان روحیه آنان نگران بود این موضوع را بارها به فرماندهی لشکر ابراز داشت و از وی خواست تا آنان را وارد عمل نسازد، ضمناً پیش از فرا رسیدن زمان حرکت، یک گلوله توپ در میان تجمع نیروهای این گردان فرود آمد که به واسطه انفجار آن،

نمی دانستیم که ما را دیده اند یا نه. در همان اطراف لوله پنج شش مجروح دادیم، تیراندازی شدید شده بود.»^{۸۱}

لشکر نجف درگیری خود را در ساعت ۲۲ آغاز می کند و پیامد آن، دشمن در تمامی منطقه هشیار می شود و تیراندازی را شروع می کند. با وجود این گردان امام حسین (ع) قصد داشت تا خود را بیشتر به دشمن نزدیک کند. لذا از شروع عملیات و درگیری خودداری می کردند. این شیوه مورد موافقت و رضایت فرماندهی لشکر نیز قرار گرفت. برادر رحیمیان شرح عملیات گردان خود را این چنین ادامه می دهد:

« از آنجا به بعد، دیگر سینه خیز می رفتیم، چون فاصله دور بود و اگر می خواستیم شلیک کنیم تأثیری نداشت. تازه از لوله به آن طرف باید یک کیلومتر راه می رفتیم. بالاخره بچه ها به هر ترتیب که بود خود را با سینه خیز و زیر آتش شدید دشمن به جلو کشیدند. به دنبال گروهان اول، گروهان های دوم و سوم را به سختی و با سینه خیز از زیر لوله رد کردیم و آنها هم حرکت خود را آغاز کردند. حوالی لوله بودیم که دشمن از شیمیایی هم استفاده کرد. بچه ها اکثرشان آلوده شدند ولی اجازه ندادیم که از ماسک استفاده کنند چون باعث کاهش قدرت و توان رزمشان می شد. به برادرها گفتیم زودتر خودتان را به تانک ها نزدیک کنید. با به آتش کشیدن آنها از مشکل شیمیایی خلاص شوید. ساعت از ۱۱ شب گذشته بود که درگیری با زدن سه تانک دشمن آغاز شد. با آتش گرفتن تانک ها برادرها بلند شدند و درگیری را به طور جدی با دشمن ادامه دادند.»^{۸۲}

در این هنگام، نیروهای لشکر نجف دچار مشکل شده بودند و به دلیل مقاومت نیروهای دشمن موفق به پیشروی چندانی نشده بودند و تلفات بسیاری نیز بر آنها وارد شده بود.

در طرف دیگر، لشکر امام حسین (ع) درگیری خود را در ساعت ۲۳:۱۵ در سمت راست جاده آسفالت آغاز کرده بود. همه چیز به استثنای محور جاده و محدوده لشکر نجف، به خوبی پیش می رفت.

تعدادی به شهادت رسیده یا زخمی شدند. در نهایت برادر مرتضی قربانی که احساس کرد این گروهان توان رزم ندارد، به آنان اجازه یک شب استراحت داد.

بالاخره تا قبل از ساعت ۲۱ گردان امام حسین (ع) با استعداد ۱۸۰ نفر با راهنمایی برادر کمیل و طوسی حرکت خود را از خاکریز آغاز کرد. بلافاصله گردان چهارده معصوم از لشکر نجف نیز در سمت راست آن حرکت خود را شروع نمود.

فرمانده گردان امام حسین (ع) که در هنگام حرکت اطلاع یافته بود گردان حمزه نمی تواند طبق قرار قبلی در پیشاپیش آنها حرکت نماید. از گروهان دوم خواست که به جای آنکه در کنار لوله به عنوان احتیاط باقی بماند، سریعاً خود را به دنبال گروهان سوم برساند. این گردان با راهنمایی برادران کمیل و طوسی حدود دو کیلومتر راهپیمایی انجام داد. برادر رحیمیان فرمانده گردان امام حسین (ع) در شرح مفصل ماجرا چنین می گوید:

«... در اینجا من به همراه فرمانده گروهان ها رفتیم جلوتر حدود دو کیلومتر دیگر هم به جلو رفتیم ولی لوله را پیدا نکردیم. به ناچار برادر کمیل گفتند چاره ای نیست، با استفاده از نورافکن های تانک بروید جلو، دیگر نمی دانستیم جلوی ما چیست. فقط می دانستیم که دشمن ۳۰ تانک دارد و دو قرارگاه به همراه تعداد زیادی نیرو. برگشتیم پیش نیروها برادر کمیل و... خدا حافظی کردند و رفتند. ما بچه ها را بیدار کردیم و راه افتادند. گروهان یک از وسط، گروهان سه سمت راست، گروهان دو سمت چپ، که فلش ها به طرف جاده و رو به کارخانه نمک بود. از آنجا حرکت کردیم تا رسیدیم به جایی که با برادر کمیل رفته بودیم. حدود ۳۳۰۰ قدم زدیم. در آنجا یکی از فرماندهان گروهان گفت که به لوله رسیده است در آن موقع من به لشکر اعلام کردم که تازه به لوله رسیده ایم. بلافاصله به گروهان ها گفتم که حرکتشان را طبق مانور شروع کنند. ابتدا گروهان یک از لوله عبور کرد و رفت. گروهان دوم که می خواست عبور کند آتش دشمن شروع شد. نورافکن تانک ها روشن بود و منطقه هم روشن، اما

نیروهای لشکر کربلا (گردان امام حسین (ع)) نیز پس از آنکه دقایقی از شروع درگیری خود با دشمن را پشت سر گذاشت، در ساعت ۲۳:۴۵ اعلام نمود که به روی جاده آمده است.^{۸۲} فرماندهی لشکر قبل از هر چیز به الحاق این گردان با نیروهای لشکر نجف اهمیت می داد. لذا از برادر رحیمیان خواست که توان خود را برای حرکت به سمت راست مصرف نماید و همچنین از برادر احمد کاظمی فرمانده لشکر نجف خواست که گردان تازه نفسی را جهت انجام الحاق وارد عمل سازد.

پس از گذشت زمان کوتاهی، گردان امام حسین (ع) ابراز می دارد که از سمت چپ به سه راهی کارخانه نمک رسیده است. با رسیدن این خبر، برادر مرتضی قربانی با فرماندهی لشکر امام حسین (ع) برادر خرازی و فرماندهی لشکر علی بن ابی طالب (ع) برادر جعفری، تماس می گیرد و ضمن اعلام رسیدن این نیرو به سه راهی، خواهان تسریع در امر الحاق با این گردان می شود.

برادر رحیمیان اوضاع گردان خود را در این شرایط چنین بیان می کند:

می توان گفت که در این روز، تمامی لشکر به منطقه فاو منتقل شده بوده. واحدهای پشتیبانی کنند، از جمله تدارکات و بهداری که دو مأموریت اساسی تدارک رسانی و تخلیه مجروحین و شهدا را بر عهده دارند با انتقال نسبی امکانات خود در طی روزهای دوم و سوم، مراکزی را جهت استقرار خود مشخص و آماده کردند.

«فرمانده گروهان یک زخمی شد و ارتباط هم با آنها قطع شده بود. آن گروهان نتوانست خوب عمل کند. از آن طرف فرمانده گروهان سوم در ابتدای درگیری زخمی شده بود. فقط ما معاونین سه گروهان را داشتیم. بچه های یک قرارگاه را (در سمت راست، بین خود و لشکر نجف) محاصره کرده بودند. در مجموع، تلفات ما بالا می رفت و...»^{۸۳}

از ساعت ۲۴ به بعد، تمام تلاش ها صرف پاکسازی و الحاق با یکدیگر شده بود. از مجموع اخباری که درباره نحوه پاکسازی و چگونگی درگیری به فرماندهی می رسید احساس می شد که دشمن به طور گسترده در این منطقه حضور داشته و با توجه به این گستردگی، به نظر می رسید که نیروی وارد عمل شده بسیار کمتر از حد لازم بوده است.

در محور راست، به دلیل عدم توان نیروهای لشکر نجف، الحاق مشکل به نظر می رسید. ولی در محور چپ و سه راهی کارخانه، برادران لشکر کربلا و لشکر امام حسین (ع) به حدی به هم نزدیک شده بودند که خبرهایی مبنی بر تیراندازی به طرف هم به گوش فرماندهی می رسید. به دنبال آن، فرماندهان از طریق بی سیم هماهنگی های لازم را در این زمینه با یکدیگر صورت دادند.

از ساعت ۳۰ دقیقه بامداد به بعد اخباری مبنی بر الحاق نیروهای لشکر ۲۵ کربلا و ۱۴ امام حسین (ع) به فرماندهی داده می شد. برقراری الحاق دو لشکر فوق، بدان معنا بود که نیروی زیادی از دشمن به دلیل عدم موفقیت لشکرهای نجف و عاشورا در منطقه باقی مانده و محاصره شده اند و این موضوع بسیار حائز اهمیت بود. لذا تمام تلاش برادران صرف موضوع فوق شده بود. اما الحاقی که ساعتی پس از نیمه شب صحبت از آن به میان آمد، مورد تأیید برادران لشکر امام حسین (ع) قرار نگرفت. آنها معتقد بودند که نیروی موجود در سه راهی (از لشکر ۲۵) نیروی غیر منسجم و پراکنده ای بوده است که از گردان خود جدا شده و پرت بوده اند. لذا الحاق به طور ۱۰۰٪ صورت نگرفته بود. اما برادر رحیمیان ابراز می دارد:

«ابتدا اطلاع دادیم به لشکر که یک سری نیرو در جلوی

از لشکر ۲۵ کربلا، به دلیل مسمومیت قبلی شیمیایی چشم‌هایشان دچار ناراحتی شده و بعضی از آنها امکان باز کردن چشم خود را نداشتند. لذا این گردان به کلی تخلیه شد. حضور دشمن گسترده بود و توان نیروهای خودی در امر پاکسازی به مراتب افت کرده بود. یگان‌ها نیز از وارد ساختن نیروهای جدید خودداری می‌کردند.

برادر مرتضی قربانی در ساعت ۷ صبح تصمیم جدیدی برای وارد نمودن نیرو اتخاذ کردند که طی آن یک گروه ویژه به اضافه یک گروه دیگر از گردان حمزه را از پیشانی به طرف قرارگاهی که محل مقاومت نیروهای عراقی بود، فرستادند. با مقاومت زیادی که از سوی نیروهای محاصره شده عراقی (حدود سه گردان) مشاهده می‌شد، برادران نسبت به ماهیت این نیروها تحقیق نموده و اطلاع یافتند که نیروهای مذکور از لشکر گارد جمهوری عراق می‌باشند.

عراقی‌های محاصره شده در منطقه، تا مدتی به دلیل عدم توجه به منطقه و یافتن راهی برای فرار، مقاومت شدیدی از خود نشان ندادند، ولی پس از گذشت ساعاتی از روشنایی هوا، عمدتاً حد فاصل دو جاده البحار و بصره و همین‌طور در سمت چپ با پورش به نیروهای لشکر ۱۷ و ۱۴، تلاش‌هایی جهت فرار و شکستن محاصره خود انجام دادند.

به مرور، با فرار بسیاری از نیروهای دشمن نهایتاً، درگیری در دو نقطه قرارگاه مانند محدود شده بود. لذا تمام توجه نیروهای خودی صرف این دو قرارگاه شده بود. در ساعت ۱۰:۳۰ چند تانک و خشایار وارد صحنه شدند که این عمل در روحیه نیروها نیز تأثیر مثبتی داشت. در این فاصله نیروهای لشکر امام حسین (ع) موفق به ایجاد شکاف در جاده بصره، در جلوی سه راهی کارخانه نمک شدند. تقریباً مشکل عمده حل شده بود و دشمن باقیمانده، بسیار ضعیف بود. ولی با وجود این پاکسازی کامل دشمن تا بعد از ظهر به طول انجامید و این در حالی بود که به دلیل حضور دشمن تا این زمان، نیروهای خودی موفق به احداث خاکریز نشده بودند.

هنوز ساعاتی از اتمام پاکسازی نگذشته بود که به دلیل نبودن

خودمان می‌بینیم منتهی دارند ما را می‌زنند. اینها دشمنند یا از لشکر امام حسین (ع) هستند؟ هماهنگی شد با لشکر و ما خواستیم که آنها کلت منور بزنند تا پیدایشان کنیم. (بعد از هماهنگی) کلت زده شد، دیدیم نزدیک ما هستند، کلت بالای سر ما زده شد. گفتیم پس همدیگر را نزنیم. از لشکر امام حسین (ع) بودند. آنها آن طرف جاده و ما این طرف بودیم.»^۸ در مجموع، برادران لشکر امام حسین (ع) معتقدند که تا صبح الحاقی با لشکر ۲۵ انجام ندادند و تنها تعداد کمی از نفرات گم شده را دیده‌اند لیکن با لشکر ۱۷ در سه راهی الحاق داشته‌اند و همچنین تا صبح عملیات، نیروی پدافند کننده از سه راهی کارخانه بوده‌اند.

گردان امام حسین (ع) (لشکر ۲۵) عمده توان خود را صرف تصرف قرارگاهی در جناح راست خود (سمت چپ جاده بصره) کرده بود و فرماندهی این گردان نیز در آن محور مشغول بود.

روز چهارم (ادامه عملیات شب گذشته)

صبح روز بیست و چهارم بهمن فرارسید، در حالی که هنوز وضعیت، مشخص و قابل ترسیم نبود. نیروهای لشکر امام حسین (ع) بدون گذاشتن تأمین در حد فاصل جاده اول و دوم به سه راهی کارخانه رسیده و مستقر شده بودند. لشکر ۱۷ نیز با این نیرو در سه راهی الحاق کرده و روی ضلع جنوبی کارخانه و جاده شنی آن استقرار یافته بود.

نیروهای لشکر کربلا با تحمل تلفات زیاد درگیری با باقیمانده دشمن را ادامه می‌دادند. لشکر نجف علاوه بر اولین گردان ناموفق خود، دومین گردان را در ساعت ۴ صبح وارد عمل ساخته بود. حد فاصل نیروهای لشکر نجف و نیروهای مستقر در سه راهی، همچنان دشمن با استفاده از عارضه‌های مشخص و قرارگاه‌های پراکنده حضور داشته و به طور نسبی در محاصره قرار گرفته بودند.

تلاش جهت انهدام نیروی باقیمانده از دشمن توسط لشکرهای ۲۵ و ۱۸ انجام شد.

با روشن شدن هوا، کلیه نیروهای گردان امام حسین (ع)

خط پدافندی مناسب، در امتداد سه راهی کارخانه بین دو جاده اصلی، دشمن خیلی سریع توانست خود را بیابد و با فشار روی سه راهی، تلفاتی بر نیروهای لشکر ۱۴ امام حسین(ع) و لشکر ۱۷ وارد ساخت و موفق شد که مجدداً سه راهی را تصرف کند و مجموعاً در نتیجه کشمکش های روزانه، لشکر ۱۷ علی بن ابی طالب(ع) از سه راهی فاصله گرفته بود و خط پدافندی دو لشکر ۸ نجف و ۲۵ کربلا در محور جاده بصره، در یک کیلومتری جنوب دیواره کارخانه تثبیت شده بود.

پشتیبانی خوب و پر حجم آتش خودی در این روز قابل ذکر و توجه است و باعث ایراد تلفات بر گارد ریاست جمهوری گردید. نیروهای گارد روز گذشته وارد منطقه شده و احتمالاً برای پاتک در روز چهارم، به استراحت پرداخته بودند. در همان روز حضور یگان های گارد، نیروهای خودی در خطوط مختلف شاهد جریان بودند و به دنبال آن با هدایت انواع آتش های پشتیبانی، تلفات قابل توجهی را در بدو ورود به این لشکر وارد ساختند.

در روز چهارم نیز آتش توپخانه که از حجم بی سابقه ای برخوردار بود، در وارد ساختن تلفات به دشمن بسیار مؤثر واقع شد. این آتش توسط آتش های نزدیک ادوات و سلاح های نیمه سنگین تقویت گردید و از عوامل مهم موفقیت در این مقطع شد.^{۸۵}

فرماندهی جدید در منطقه (محور جاده فاو - بصره)

در این روز بنا به دلایلی، قرارگاه خاتم تشکیلات جدیدی را برای دفاع انتخاب کرد و مسئولیت محور جاده فاو - بصره به عهده برادر عزیز جعفری واگذار شد و لشکرهای ۱۴ امام حسین(ع)، ۸ نجف، ۳۱ عاشورا، ۱۷ علی بن ابی طالب(ع) و ۲۵ کربلا در اختیار ایشان گذاشته شد.

با آمدن برادر عزیز جعفری به عنوان فرمانده محور، ارتباط یگان ها با قرارگاه بیشتر از قبل شد. چرا که حضور فعال ایشان در هدایت عملیات ها و شرکت در هماهنگی یگان ها تأثیر مثبتی در پیشبرد امور داشت. به خلاف گذشته، برادر جعفری

فاقد قرارگاه مشخصی بود و همواره در کنار فرمانده یگان ها در خط حضور داشت. این گونه حضور ایشان، موجب حل بسیاری از نقاط ضعف گذشته مبنی بر عدم حضور قرارگاه و هماهنگی های ناشی از آن گردید.

برنامه ریزی برای شب پنجم عملیات

باز دست دادن سه راهی، مجدداً مسئله تصرف آن واحداث خاکریز در امتداد سه راهی (بین جاده البحار و بصره) مورد بحث و بررسی قرار گرفت.

اکثر فرماندهان از لحاظ نیروی عمل کننده ابراز ناتوانی می کردند. برادر احمد کاظمی (لشکر ۸) می گفت نیرویی ندارد که سازماندهی کند و برادر خزازی ابراز می داشت که تنها دو گروهان برایش باقی مانده است. برادر مرتضی قربانی نیز که تنها گردان سیف الله را در اختیار داشت احساس می کرد که به جهت بعد مسافت نتواند موفق به شرکت در آن عملیات شود.

از مجموع نه گردان که در شب اول عملیات وارد عمل شده بودند نیمی از آنها برای بار دوم (و بعضاً بار سوم) در حملات شرکت کرده اند. برادر مرتضی قربانی همچنان در نظر دارد که مابقی نیروها نیز به کارگیری شوند. ضمن آنکه هنوز سه گردان احتیاط، در جزیره آبادان مستقر هستند و وارد منطقه نشده اند.

ساعت ۱۷:۱۵، جلسه ای با حضور برادر عزیز جعفری و فرماندهان یگان ها در یکی از قرارگاه های تصرف شده دشمن در کنار جاده فاو - بصره تشکیل شد. هدف از تشکیل این جلسه، رسیدن به طرحی عملی برای تصرف مجدد سه راهی کارخانه نمک بود. در این طرح که نهایتاً مورد موافقت برادران قرار گرفت، پاکسازی منطقه و دشمن که در چند قرارگاه اطراف سه راهی حضور یافته بود، به اضافه احداث خاکریز مورد نظر تأکید شده بود. لشکر کربلا وظیفه داشت که به همراه لشکر ۱۴ امام حسین(ع) در سمت راست جاده بصره پاکسازی نماید و برای لشکر ۳۱ عاشورا که به احداث خاکریز خواهد پرداخت تأمین لازم را برقرار نمایند.

شب پنجم عملیات

برادر مرتضی قربانی قبل از ظهر، ضمن توجیه برادران محور ۱۳ از آنان خواسته بود تا گردان سیف الله راهی منطقه نمایند. این گردان نیز با استعداد چهار دسته ۲۵ نفره در ساعت ۲۲ نزد برادر مرتضی (پشت خاکریز منتهی به پایگاه) رسیدند. در این نقطه فرماندهی لشکر ضمن بیان وضعیت کلی، از آنان خواست که در وهله اول خود را به نیروهایی که در منطقه مستقر هستند برسانند^{۸۶} و در آنجا منتظر دستور بمانند و همچنین به فرمانده این گردان ابراز داشت:

«احتمالاً وارد عمل نمی شوید، چون منطقه محدود است و لشکرهای امام حسین (ع) و نجف اشرف برایش کافی است. عمل خواهند کرد، ولی اگر لازم شد اطلاع می دهم. اگر هم خواستید عملیات کنید، تنها با دو دسته ات وارد عمل بشو و در الحاق بین لشکرهای امام حسین (ع) و نجف کمک کن.»

احداث خاکریز در سه راهی کارخانه نمک

در مجموع لشکر ۲۵ کربلا در این شب (شب پنجم، ۱۳۶۴/۱۷۲۵) فعالیت عمده ای نداشت از آن طرف لشکرهای ۱۴ امام حسین (ع) و ۱۷ علی بن ابی طالب (ع) پس از مدت کمی از شروع عملیات موفق شدند در سه راهی مورد نظر با یکدیگر الحاق نمایند و از طرف دیگر لشکر ۸ نجف نیز در محور جاده بصره، به آنان پیوست. پس از انجام این دو الحاق، نیروهای لشکر ۲۵ کربلا نیز بدون درگیری جدی در کنار آنان قرار گرفتند.

همزمان با عملیات و صورت گرفتن الحاق، لشکر امام حسین (ع) شروع به احداث خاکریز (از جاده البحار به سمت جاده بصره) نمود. از طرف دیگر دستگاه های مهندسی لشکر کربلا نیز از جاده بصره کار خود را آغاز و به طرف جاده البحار اقدام به زدن خاکریز کردند. در نهایت با روشن شدن هوا، موفق به اتصال آنها به یکدیگر نشدند. لشکر امام حسین (ع) فقط ۲۰۰ متر با جاده بصره فاصله داشت ولی لشکر کربلا تنها یک کیلومتر خاکریز زده بود و خاکریز مزبور در ۶۰۰ الی ۷۰۰ متری بالای خاکریز احداثی لشکر امام حسین (ع) قرار داشت.

لذا با روشن شدن هوا، با تلاش هر دو یگان خاکریز احداثی لشکر کربلا را منحرف ساخته و به خاکریز لشکر امام حسین (ع) وصل نمودند.

روز پنجم عملیات (تثبیت سه راهی کارخانه نمک)

صبح روز بیست و پنجم، با احداث خاکریزهای فوق، کلیه یگان ها پشت خاکریز و مواضع به دست آمده استقرار یافته، پدافند نمودند.

لشکر ۱۷ علی بن ابی طالب (ع) در سمت چپ سه راهی مستقر شده بود و لشکر ۸ نجف مسئولیت سه راهی و سمت راست آن را بر عهده داشت و سپس لشکر ۲۵ کربلا به استعداد بسیار اندک، در خط پدافندی قرار گرفت و عمدتاً لشکر ۱۴ امام حسین (ع) حد فاصل دو جاده را با ایجاد استحکامات، پدافند می کرد.

صبح عملیات فرماندهان لشکرها و واحدهای رزمی آنان با حضور و استقرار خود در خط جدید، برای دفاع در برابر پاتک های احتمالی، با استقرار ادوات، احداث سنگر و غیره آماده شده، خط را تقویت و مستحکم نمودند.

با خبرهایی که می رسید. به نظر می آمد که علت پیشروی سریع در شب گذشته، عقب نشینی دشمن بوده باشد و لذا آتش پر حجم و سنگین دشمن در طول شب نیز در این راستا توجیه می شد. صبح، از تردهای دشمن مشخص بود که تا پشت جاده شنی (عمود بر سمت راست کارخانه نمک) عقب رفته است.^{۸۷}

برنامه ریزی تداوم عملیات برای شب ششم

با دستاوردهای جدید، هر یک از برادران احمد کاظمی و مرتضی قربانی همچنان عقیده داشتند که هر چه سریع تر باید عملیات را ادامه داده تا جاده شنی (سمت راست کارخانه نمک) پیشروی داشته باشند. بر این اساس به گردان امام محمد باقر (ع) از محور ۱ لشکر ۲۵ کربلا اعلام آماده باش داده شد و مسئولان این گردان جهت توجیه به منطقه فراخوانی شدند.

نظریه برادران به برادر عزیز جعفری فرمانده منطقه، منتقل

شد. وی به دلیل مشاهده عدم توان لازم، با این طرح مخالفت کرد و از طرفی معاون ایشان برادر شوشتری معتقد بود که جاده شنی از جانب نیروهای خودی قابل نگهداری نیست. در مجموع در وهله اول، صحبت درباره طراحی ادامه عملیات بی نتیجه ماند و به بعد از مشورت برادر عزیز جعفری با دیگر فرماندهان موکول شد.

برای همین منظور کلیه فرماندهان لشکرها با حضور برادر عزیز جعفری بار دیگر، بعد از ظهر همین روز دور هم جمع شدند تا به نتایج مثبتی دست یابند. برادر حسین خرازی فرمانده لشکر ۱۴ امام حسین (ع) اعتقاد داشت که باید تا انتهای دیواره شمالی کارخانه نمک پیشروی و عملیات ادامه یابد ولی در بین فرماندهان دیگر، پیشروی تا جاده شنی رأی بیشتری داشت.

برادر عزیز جعفری پس از مشورت‌ها و استماع نظرات گوناگون گفت:

«در مجموع سه خط برای انتهای عملیات در این محور مد نظر است:

۱- امتداد دیواره جنوبی کارخانه نمک (خط فعلی).

۲- جاده شنی سمت راست کارخانه نمک.

از مجموع نه گردان که در شب اول عملیات وارد عمل شده بودند نیمی از آنها برای بار دوم (و بعضاً بار سوم) در حملات شرکت کرده‌اند. برادر مرتضی قربانی همچنان در نظر دارد که مابقی نیروها نیز به کارگیری شوند. ضمن آنکه هنوز سه گردان احتیاط، در جزیره آبادان مستقر هستند و وارد منطقه نشده‌اند.

۳- امتداد دیواره شمالی کارخانه نمک.»

نظر برادر جعفری فرمانده منطقه، عمدتاً به دلیل اظهارات فرماندهان لشکرها مبتنی بر، از دست دادن توانشان، نداشتن نیروی مناسب و غیره، روی خط شماره ۱ بود. در نتیجه چنین تصمیم خود را بیان نمود که تثبیت خط ۱ در اولویت قرار بگیرد و اگر بنا بر حمله باشد در جهت ترمیم و تحکیم خط فوق انجام گیرد.

برای تحکیم خط مزبور، مقرر گردید، خاکریزهای احداثی شب قبل، منظم شود و خاکریز ناتمام و کوتاه لشکر ۲۵ کربلا که جلوتر از خاکریز لشکر ۱۴ امام حسین (ع) قرار دارد، تکمیل شود.

لشکرهای ۱۴ و ۲۵ برای این اقدام بایکدیگر هماهنگی کردند و مجدداً چنین مشخص شد که لشکر ۱۴ امام حسین (ع) از سمت راست (جاده البحار) و لشکر ۲۵ کربلا از چپ (جاده بصره) اقدام به زدن خاکریز نمایند. بر این اساس جهاد مازندران در اختیار لشکر ۲۵ قرار گرفت و برادر کمیل قائم مقام لشکر نیز از طرف فرماندهی مأمور پیگیری این حرکت شد.

از طرف دیگر هنگام احداث خاکریز لازم بود نیرویی جهت تأمین، به جلو فرستاده شود تا ضمن انهدام نیرو از دشمن، منطقه را پاکسازی کند تا دستگاه‌های مهندسی بتوانند به راحتی فعالیت خود را انجام دهند. در این باره با هماهنگی با برادر کاظمی فرمانده لشکر ۸ نجف اشرف، تصمیم بر این شد که لشکر کربلا علاوه بر احداث خاکریز خود، نیرویی را جهت تأمین، وارد عمل سازد ولی با فرارسیدن صبح، پدافند و مسئولیت دفاع از خاکریز بر عهده لشکر ۸ نجف قرار گرفت.

در ضمن پیش‌بینی مین‌گذاری، پس از احداث خاکریز نیز شده بود و در این مورد، مسئول تخریب لشکر نسبت به موضوع توجیه شد.

ساعت ۱۹ با پیگیری برادر کمیل، برادران جهان مازندران با امکانات موجود خود، به منطقه رسیدند و در صحتی کوتاه

ابراز می داشتند که احتمالاً عراق قصد عقب نشینی دارد. لذا فعالیت مهندسی لشکر امام حسین (ع) بدون تأثیرپذیری جدی از آتش دشمن ادامه یافت. سرانجام نیز گردان فوق قبل از روشنایی هوا به عقب بازگشت و لشکر امام حسین (ع) نیز موفق شده بود خاکریز را طبق طرح احداث کند.

روز ششم عملیات

صبح روز بیست و ششم بهمن ماه با احداث خاکریزهای مورد نظر، عملاً لشکر ۲۵ لشکر کربلا مسئولیتی در خط نداشت. اما از جهت امکانات و آتش ادوات، سایر یگان ها را یاری می کرد. ضمن آنکه همچنان فرماندهی لشکر در منطقه حضور خود را حفظ کرد و بدین طریق با همفکری خود تأثیر بسیاری در پیشرفت کار داشت.^{۸۹}

برادر مرتضی قربانی، ابراز داشتند که موفق نشدند بیش از دو دستگاه بلدوزر تهیه نمایند. احداث خاکریز با توجه به این توان مشکل به نظر می رسید اما زمانی نگذشت که با آمدن برادر ابوشهاب جانشین فرماندهی لشکر ۱۴ امام حسین (ع) و با مشاهده این مشکل، قبول کرد که تمامی خاکریز مورد نظر را لشکر ۱۴ امام حسین (ع) احداث کند، لذا دستگاه های دیگر نیز در اختیار ایشان قرار گرفت و به این شکل مسئولیت احداث خاکریز از لشکر ۲۵ کربلا سلب شد و تنها پاکسازی محدوده ای از منطقه به عنوان تأمین دستگاه های مهندسی تنها مأموریت لشکر در شب ششم بود.

شب ششم عملیات

کادر گردان محمد باقر (ع) بدون فرماندهی گردان^{۸۸} در ساعت ۸ شب جهت توجیه، نزد برادر مرتضی قربانی که در خط مستقر بود آمدند، در این گردان علاوه بر فقدان فرماندهی گردان، دو تن از فرمانده گروهان ها نیز غیبت داشتند، ضمن اینکه جانشین گردان نیز توجیه نبود و از جهتی دیگر خستگی زیادی در برادران احساس می شد. روحیه مناسب برای کار نداشتند و تمایلی به انجام عملیات نشان نمی دادند. تا جایی که برادر مرتضی قربانی لاجرم از آنان خواست که تنها از داوطلبین استفاده کنند.

پس از توجیه، نیروها حرکتش کردند. برای فرماندهی مهم نبود که این گردان با چه استعدادی وارد عمل می شود و در انتها نیز مشخص نگردید که توان آنها از جهت کمی چقدر بود.

به هر حال، در همین اوقات (حوالی ساعت ۲۱) لشکر امام حسین (ع) نیز فعالیت مهندسی خود را شروع نمود.

با شروع کار و فعالیت دستگاه های مهندسی، دشمن آتش شدیدی را در منطقه به اجرا درآورد، نورافکن های تانک ها را روشن و دستگاه های مهندسی را مورد هدف قرار می داد. نیروی عمل کننده لشکر ۲۵ کربلا، به دلیل ضعف روحیه موفق به کاهش فشار دشمن روی دستگاه های مهندسی نگردید ولی در مجموع به دلیل شدت آتش دشمن، برادران

۱- لشکر ۲۵ کربلا با شکل گیری سازمان رزم سپاه در جنگ شکل گرفت. در عملیات طریق القدس به عنوان تیپ شرکت کرد و همواره به عنوان یکی از یگان های تهاجمی سپاه شناخته می شد. پشتیبانی لشکر ۲۵ به استان های گیلان و مازندران واگذار شد. سردار مرتضی قربانی در ابتدا فرمانده این یگان بود که پس از یک دوره کوتاه در آستانه عملیات والفجر ۸ مجدداً به عنوان فرمانده لشکر منصوب شد.

۲- برادر مرتضی قربانی، جلسه قرارگاه خاتم، ۱۳۶۴/۱۲/۱۳.

۳- همان.

۴- فرمانده دسته معبر ۱۱ از گردان امام محمدباقر(ع)، ۱۳۶۴/۱۱/۱۹، نوار جلسه ۲۰.

۵- فرمانده دسته معبر ۵ از گردان یارسول، ۱۳۶۴/۱۱/۱۹، نوار ۱۷ جلسه.

۶- فرمانده دسته معبر ۶ از گردان یارسول، ۱۳۶۴/۱۱/۱۹، نوار ۱۷ جلسه.

۷- فرمانده دسته معبر ۱۷ از گردان یارسول، ۱۳۶۴/۱۱/۱۹، نوار ۱۷ جلسه.

۸- مرتضی قربانی، ۱۳۶۴/۱۱/۱۹، نوار ۲۱ یا ۴۱ جلسه خطاب به برادران گردان.

۹- حاج بصیر، ۱۳۶۴/۱۲/۱۱، نوار مصاحبه شماره ۵.

۱۰- فرمانده گروهان موج دوم از گردان یارسول، ۶۴/۱۱/۲۹، نوار جلسه ۱۸.

۱۱- قبلاً توضیح داده ایم که این گردان در سازمان محور ۱ قرار داشت و به دلیل مأمور شدن یک گردان غواص و خط شکن از محور ۲ به محور ۱، این گردان جایگزین آن شد.

۱۲- در طول آموزش ها و تمرین های این گردان، 'جنگ شهری' محور اصلی آموزش بود.

۱۳- ۶۴/۱۱/۱۷، جلسه قرارگاه خاتم.

۱۴- برادر نوبخت، فرمانده گردان مالک اشتر، ۱۳۶۴/۱۱/۱۹، نوار ۲۲ جلسه.

۱۵- برادر مرتضی قربانی، ۱۳۶۴/۱۱/۱۹، نوار ۲۲ جلسه.

۱۶- برادر نوبخت فرمانده گردان مالک، ۱۳۶۴/۱۲/۱۲، نوار ۷ مصاحبه.

۱۷- برادر اکبر نژاد، فرمانده گردان مسلم، ۶۴/۱۲/۱۱، نوار ۶ مصاحبه

۱۸- برادر اکبر نژاد، فرمانده گردان مسلم، ۶۴/۱۲/۱۹، نوار ۱۸ مصاحبه

۱۹- برادر مرتضی قربانی، ۶۴/۱۱/۱۹، نوار ۱۸ جلسه

۲۰- برادر مرتضی قربانی، ۶۴/۱۱/۱۹، نوار ۱۸ جلسه.

۲۱- در این محوطه نیز تأسیسات نفتی و تانک فارم وجود دارد.

۲۲- حداصلی یگان بالشکر ولی عصر(عج)، جاده عمودی در انتهای سمت

۲۳- برادر مکتبی، فرمانده گردان حمزه، ۶۴/۱۱/۱۹، نوار ۱۹ جلسه.

۲۴- برادر رحیمیان، فرمانده گردان امام حسین(ع)، ۶۴/۱۱/۱۹، نوار ۲۲ جلسه.

۲۵- علاوه بر آن، در بحث مانور گردان امام حسین(ع) اشاره کردیم که برادر مرتضی قربانی گردان امام حسین(ع) را موظف کرده بود که تا در

صورت لزوم این حرکت را انجام دهد.

۲۶- برادر مرتضی قربانی، ۶۴/۱۱/۱۹، نوار ۱۲ با فرماندهی.

۲۷- البته برادر طوسی بعد از عملیات در طی مصاحبه ای ابزار داشت: آن شب در محورها، جزر را کد ساعت ۲۰ بود. لذا ساعت ۱۹:۳۰ تا ۲۰:۰۰ پیش بینی شده بود که غواص ها به آب بیفتند و حرکت نمایند. (۶۴/۱۲/۲)، نوار ۳ مصاحبه)

۲۸- ارتباط غواص ها مستقیماً با فرماندهی گردان و محور بود که با این واسطه به اطلاع فرماندهی لشکر می رسید.

۲۹- فرارسیدن ساعت ۲۰، به معنای پایان حالت جزر را کد و آغاز مد جریان دار در محور این لشکر می باشد.

۳۰- برادر عمرانی، ۱۳۶۴/۱۱/۲۰، نوار ۱ هدایت عملیات.

۳۱- بارفغ این مشکل نگرانی های عمده ای برطرف گردید و به دلیل حجم شدید کار در آن لحظه و خوشحالی ناشی از رفع مانع هیچ کس در صدد پیگیری مسئله بر نیامد. پل از کجا آمده بود و مشکل مذکور به چه صورت حل شد؟ اینها سوالاتی نبود که فرماندهی لشکر در آن شرایط در پی یافتن پاسخ آن باشد.

۳۲- لازم به توضیح است که هوشیاری غواصان و خصوصاً خدمه قبضه های آتش در خط خودی، عامل مؤثری بود در جلوگیری از واقعه ای که هر لحظه بیم وقوع آن می رفت. در حالی که هنوز یک ساعت به موعد مقرر باقیمانده بود، اگر از طرف خودی نیز آتش شدیدی بیش از آتش پدافندی معمول در پاسخ دشمن گشوده می شد، معلوم نبود چه اتفاق و یا اتفاقاتی در دیگر محورهای عملیاتی رخ می داد. این امر حیاتی و مهم، مسئله ای بود که قبل از عملیات دائماً از سوی فرماندهی لشکر به آن توجه داده می شد و نسبت به آن تأکید فراوانی به عمل می آمد.

۳۳- برادر آذر نیا، مصاحبه ۱۳۶۵/۱۶.

۳۴- از عوامل اصلی قطع ارتباط، خرابی بی سیم غواصان به دلیل نفوذ آب به داخل بی سیم ها و ... بود.

۳۵- این نمونه ها بر اساس اظهارات تعدادی از غواصان، پس از عملیات، به دست آمده است.

۳۶- برادر آذر نیا، مسئول اطلاعات معبر ۸، ۱۳۶۵/۱۶، نوار مصاحبه.

۳۷- برادر عبدالله جعفری غواص و تیربارچی در معبر ۷، نوار مصاحبه.

۳۸- برادر آذر نیا در مورد یکی از معابر می گفت: «برادری گم شده بود، نیروهایش پخش شده بودند، به تنهایی و سپس با کمک دو نفر دیگر که در ساحل دشمن به او پیوستند، سه نفری به خط زدند و خط را شکستند.» (مصاحبه، ۱۳۶۵/۱۶).

۳۹- مصاحبه مورخ ۱۳۶۴/۱۲/۲، نوار شماره ۳.

۴۰- قطع ارتباط بی سیمی غواصان، خرابی و گم شدن چراغ قوه ها و کلت های منور، مشغول شدن غواصان به درگیری های سخت با دشمن و ... از عواملی بود که غواصان را از اقدام لازم و چاره اندیشی برای حل این

مشکل باز داشته بود.

۴۱ - برادر بلباسی، فرمانده گردان امام محمد باقر (ع)، ۱۳۶۴/۱۲/۱۲، نوار ۱۰ مصاحبه.

۴۲ - حاج بصیر، فرمانده گردان یار رسول، ۱۳۶۴/۱۲/۱۱، نوار ۵ مصاحبه.

۴۳ - قبالاً گفته ایم که غواصان معبر ۲ در حوالی معبر ۳ موفق به عبور شده اند.

۴۴ - احتمالاً معابر ۳ و ۴.

۴۵ - برادر نوبخت، فرمانده گردان مالک اشتر، ۱۳۶۴/۱۲/۱۲، نوار ۷ مصاحبه.

۴۶ - به رغم باز شدن معبر ۷ و ۸ و عبور نیروهای گردان یار رسول از معبر ۵ و ۶ باز هم این گردان در یافتن معبر مناسب دچار مشکل گردید که اصلی ترین عامل آن مشکل ارتباطی بی سیمی گردان های غواص بوده است.

۴۷ - برادر اکبر نژاد، فرمانده گردان مسلم بن عقیل، ۱۳۶۴/۱۲/۱۱، نوار ۶ مصاحبه.

۴۸ - علاوه بر سه عامل فوق، اگر مراحل انتقال خیر، برای چنین اخبار مهمی، به مراتب بیش از اندازه باشد، باعث بروز مشکلاتی می گردد. به عنوان مثال اگر اخبار مربوطه به غواصان ابتدا به گردان مربوطه و سپس به محور و از آنجا به فرماندهی منتقل شود، روشن است که تصویر صحیحی از صحنه نبرد در اختیار فرماندهی قرار نمی گیرد.

۴۹ - حضور دشمن در این نقاط، حضوری غیر فعال و متغیر بود. نیروهای دشمن ترسیده و از هم پاشیده بودند و دست به مقاومت های پراکنده می زدند.

۵۰ - برادر بصیر، فرمانده گردان یار رسول، ۱۳۶۴/۱۲/۱۱، نوار ۵ مصاحبه.

۵۱ - برادر بلباسی، فرمانده گردان امام محمد باقر (ع)، ۱۳۶۴/۱۲/۱۲، نوار ۱۰ مصاحبه.

۵۲ - برادر نوبخت، فرمانده گردان مالک، ۱۳۶۴/۱۲/۱۲، نوار ۷ مصاحبه.

۵۳ - الحاق مذکور حتی با کمک گرفتن یک گروهان از گردان امام حسین (ع) تا صبح صورت نگرفت.

۵۴ - بلند کردن آتش: اجرای آتش منحنی در فاصله بیشتر و دورتر از قبل.

۵۵ - یک گروهان از نیروهای این گردان، ارتباطش با فرمانده گردان قطع شد و توسط مسئول محور به کمک گردان یار رسول فرستاده شد.

۵۶ - برادر اکبر نژاد، فرمانده گردان مسلم، ۱۳۶۴/۱۲/۱۱، نوار ۶ مصاحبه.

۵۷ - برادر رحیمیان، فرمانده گردان امام حسین (ع)، ۱۳۶۴/۱۲/۱۲، نوار ۸ مصاحبه.

۵۸ - برادر رحیمیان، فرمانده گردان امام حسین (ع)، ۱۳۶۴/۱۲/۱۲، نوار ۸ مصاحبه.

۵۹ - برادر مکتبی فرمانده گردان حمزه می گوید: «گروهان ۳ را آن شب تحویل گردان یار رسول دادیم، چرا که برادر قربانی چنین دستوری به ما دادند. ما نیرویمان را دادیم و برخلاف طراحی های انجام شده در پاکسازی خط به کار گرفته شدند. این بود که این گروهان نتوانست شب اول بیاید و داشت.

مأموریت اصلی خودش را انجام دهد.» (نوار ۱۱ مصاحبه، ۱۳۶۴/۱۲/۱۳)

۶۰ - برادر مکتبی، فرمانده گردان حمزه، ۱۳۶۴/۱۲/۱۳، نوار ۱۱ مصاحبه.

۶۱ - لازم به توضیح است که دقایقی پس از آغاز عملیات، برادر حیدرپور، فرمانده محور ۳، مجروح و تخلیه گردید. لذا برادر مرتضی قربانی، فرماندهی محور سوم را به یکی از عناصر لشکر به نام برادر بهنام سپرد. ایشان نیز به رغم اینکه در همان اوایل عملیات توجیه شد، کیفیت و کارایی خوبی از خود نشان داد.

۶۲ - آمار می گوید که از ناحیه پرسنلی لشکر، بر اساس میزان تخلیه شهید و مجروح تنظیم می شود، حکایت از ۱۰ شهید و بیش از ۲۰۰ مجروح دارد که البته شامل تلفات وارده بر نیروهای واحدها نیز می گردد.

۶۳ - از تیربارهای پدافند هوایی، به دلیل قدرت مانور خوب و آتش پر حجم و دقیق، می توان علیه اهداف زمینی نیز بهره جست.

۶۴ - برادر رحیمیان، فرمانده گردان امام حسین (ع)، ۱۳۶۴/۱۲/۱۲، نوار ۸ مصاحبه.

۶۵ - برادر اکبر نژاد، فرمانده گردان امام حسین (ع)، ۱۳۶۴/۱۲/۱۲، نوار ۸ مصاحبه.

۶۶ - ۱۳۶۴/۱۲/۱۱، نوار ۶ هدایت عملیات.

۶۷ - برادر مکتبی، ۱۳۶۴/۱۲/۱۳، نوار ۱۱.

۶۸ - ظاهراً برادر احمد کاظمی نیز با این طرح موافقت کرده بود.

۶۹ - برادر قربانی در ساعت ۲۰ دقیقه بامداد ۱۳۶۴/۱۲/۲۲، برادران فرماندهان گردان ها را چنین توجیه می نماید: «قرار بود لشکرهای عاشورا، نجف، امام حسین (ع) تا جاده سمت راست کارخانه نمک بیایند و ما هم بچسبیم به دیواره جنوبی کارخانه نمک، ولی از آن جهت که آنها نمی روند، ما مجبوریم که فقط در سه راهی فو نمانیم چون اگر آنجا بمانیم جواب دادن به پاتک های دشمن مشکل است. لذا باید بیاییم پشت خاکریز (حدفاصل جاده بصره تا پایگاه موشکی، اول جاده ام القصر). با امین شریعتی هم هماهنگ شد و لشکر عاشورا قرار شده است حدفاصل دو جاده البحار و بصره را در امتداد خاکریز فوق، خاکریز بزند و مستقر شود.» (مرتضی قربانی، ۱۳۶۴/۱۲/۲۲، نوار ۶ هدایت عملیات)

۷۰ - برادر رحیم صفوی، ۱۳۶۵/۱۲/۲۲، فو، نوار ۹۸ قرارگاه کربلا.

۷۱ - برادر رحیم صفوی، ۱۳۶۴/۱۲/۲۲، فو، نوار ۹۸ قرارگاه کربلا.

۷۲ - برادر امین شریعتی، فرمانده لشکر عاشورا، ۱۳۶۴/۱۲/۲۲، نوار ۷ هدایت عملیات.

۷۳ - برادر احمد کاظمی، فرمانده لشکر نجف، ۱۳۶۴/۱۲/۲۲، نوار ۷ هدایت عملیات.

۷۴ - برادر غلامپور، جانشین قرارگاه کربلا، ۱۳۶۴/۱۲/۲۲، نوار ۷ هدایت عملیات.

۷۵ - ایشان از طرف قرارگاه، مسئولیت اجرا و احداث خاکریز را به عهده داشت.

۷۶- بعداً مشخص شد که این ضلع از مثلث که روی نقشه به عنوان جاده تلقی شده، لوله‌ای بیش نیست.

۷۷- بنا به اظهار حاج بصیر، فرمانده گردان یار سول، ۱۳۶۴/۱۲/۱۱، نوار ۵ مصاحبه.

۷۸- از نظر کلاسیک، بهترین معابر وصولی، جاده‌ها و... تلقی می‌شوند.

۷۹- در نقطه مذکور، خاکریزی عمود بر جاده، در سمت راست وجود داشت که قرار شد همین خاکریز ترمیم شده، به جاده‌البحار وصل گردد.

۸۰ و ۸۱- برادر رحیمیان، فرمانده گردان امام حسین (ع)، ۱۳۶۴/۱۲/۱۲، نوار ۸ مصاحبه.

۸۲- برادر کسانیان، ساعت ۲۳:۴۵ روز ۲۳/۱۱/۱۳۶۴، نوار ۹ هدایت عملیات. ۸۳ و ۸۴- برادر رحیمیان، ۱۳۶۴/۱۲/۱۲، نوار ۸ مصاحبه.

۸۵- ابراز رضایت فرماندهان از آتش خودی تاکنون سابقه نداشته است، اما فرماندهان این بار ابراز می‌داشتند که آتش خودی از کمیت و کیفیت خوبی برخوردار است.

۸۶- لازم به توضیح است که نیروها به صورت پراکنده در قرارگاه‌ها حضور داشته و برادر بابایی معاونت محور مسئولیت نیروها را به عهده داشت.

۸۷- در طول روز بیست و پنجم، آتش توپخانه و غیره دشمن خصوصاً در خط مقدم از شدت زیادتر برخوردار شده و دشمن اقدام برای انجام دوباره پاتک نمود. ولی موجب بروز مسئله‌ای جدی نگردید. البته فشارهای دشمن موجب بروز تلفاتی در یگان‌های ما شده بود به طوری که برادری از طرف فرمانده گردان سیف‌الله که در خط بود خبر می‌داد، غیر از فرمانده گردان دیگر کسی نمانده است. همه مجروح و یا شهید شده‌اند. از طرف دیگر برادر احمد کاظمی فرمانده لشکر نجف نیز وضعیت مشابهی را از گردان‌های آن لشکر اظهار می‌کرد.

۸۸- فرماندهی گردان ظهر همین روز پس از توجیه کلی که توسط برادر قربانی صورت گرفت، در مسیر بازگشت برای آوردن نیروی خود مجروح و تخلیه شد.

۸۹- لازم به توضیح است که لشکر ۲۵ کربلا ۳ روز دیگر به فعالیتهای خود در منطقه فاو ادامه داد ولی به دلیل طولانی شدن گزارش از درج آن خودداری شده است.